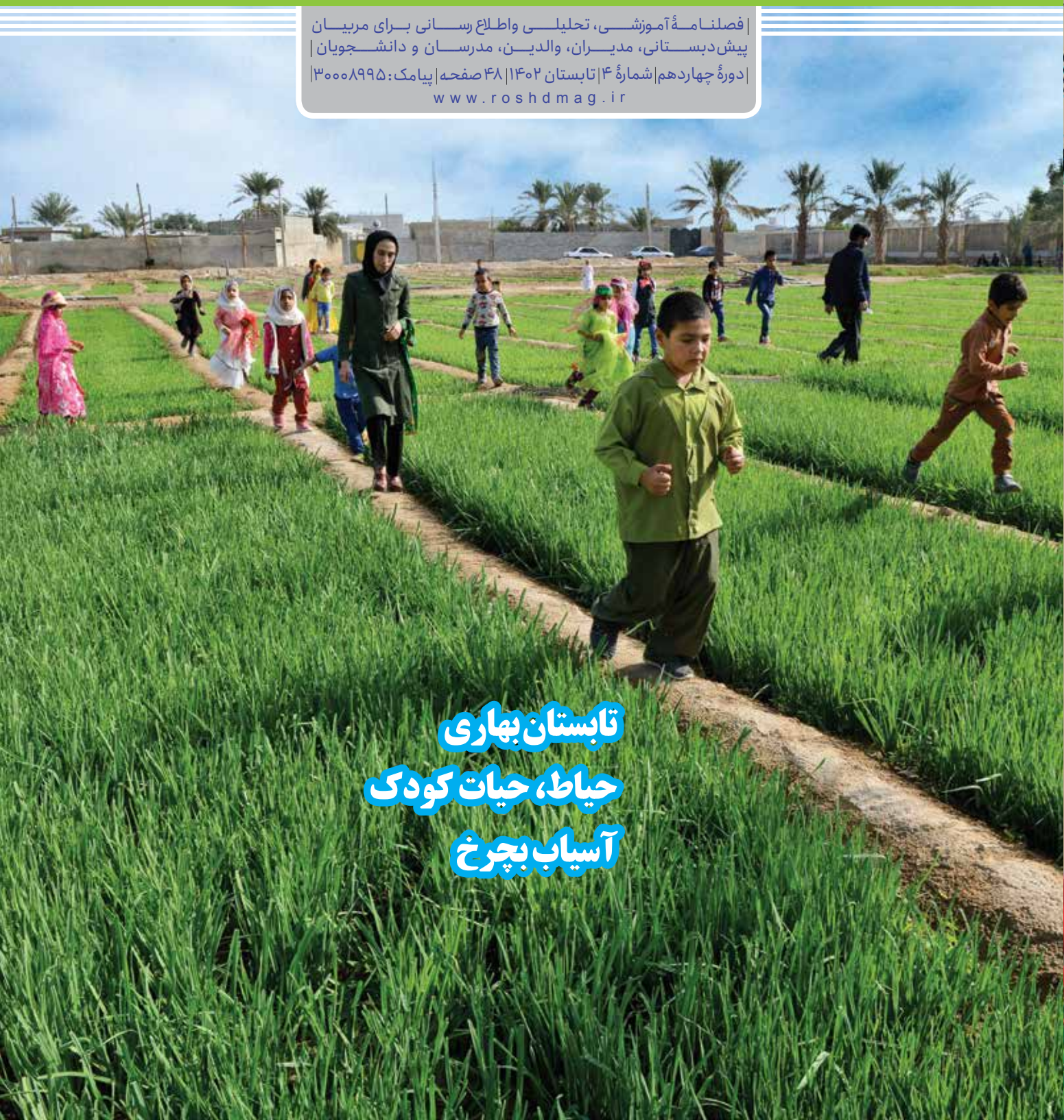


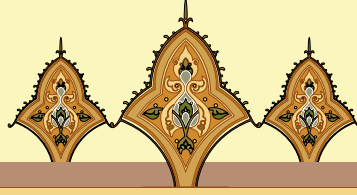


رشد آموزش

| فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای مربیان
پیش‌دبستانی، مدیران، والدین، مدرسان و دانشجویان |
| دوره چهاردهم | شماره ۴ | تابستان ۱۴۰۲ | ۴۸ صفحه | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵ |
www.roshdmag.ir

تابستان بهاری
حیات، حیات کودک
آسیاب بچرخ





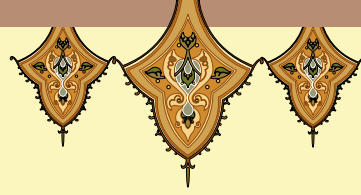
رسول الله صلى الله عليه و آله:

إِنَّ التُّرَابَ رَبِيعُ الصَّبِيَانِ

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله:

همانا خاک تفریحگاه کودکان است.

(معجم الكبير، جلد ۶: ۱۴۰)





اللهم صلي على
محمد وآل محمد
وعجل فرجهم



رشد آموزش

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای مربیان
پیش دبستانی، مدیران، والدین، مدرسان و دانشجویان
دوره چهاردهم شماره ۴ / تابستان ۱۴۰۲ / ۴۸ صفحه / پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵
www.roshdmag.ir

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول: محمد صالح مژدانی
سر دبیر: مسعود تهرانی فرجاد
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
دکتر بتول سبزه
دکتر سیامک طهماسبی
دکتر رخساره فضلی
دکتر معصومه نصیری
مشاور علمی: دکتر فرخنده مفیدی
مدیر داخلی: اشرف سادات کلاکی
ویراستار: بهروز راستانی
مدیر هنری: سید علی موسوی
طراح گرافیک: محمد میرزائی
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۷۱۹۶۵۳۴
صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۶۳۳۰۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: pishdabestani@roshdmag.ir
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵

یادداشت سردبیر / تابستان بهاری / مسعود تهرانی فرجاد / ۲

باغ تجربه / حیات، حیات کودک / زهرا مهدیان / ۴

تربیت / گام اول؛ از ره تعلیم خویش / مرتضی طاهری / ۸

مهارت و یادگیری / راهکارهای مهارت های کلامی در کودکان / بتول سبزه / ۹

کودک و خانواده / پیش دبستانی و اهمیت آن در پرورش کودکان / مهدی ولی نژاد / ۱۴

رویکردها / مروری بر آموزش های والدورف و رجیو امیلیا / سارا زین العابدین / ۱۷

آموزش و یادگیری / پیش دبستانی تعاونی / شکوفه همتی / ۲۰

کودک و رسانه / کودکان بومی دنیای دیجیتال / سمیه مهتدی / ۲۲

راهبردها / کودک و نمایش خلاق / کیومرث سلطانی / ۲۵

راهبردها / قصه و قصه گویی برای کودکان پیش دبستانی / حدیث بابا احمدی / ۲۸

آموزش و یادگیری / برنامه درسی «های اسکوپ» و نقد آن / فاطمه نورمحمدی، دکتر سیامک طهماسبی / ۳۰

راهبردها / آسیاب بجرخ / کبری مالمیر / ۳۳

مهارت اجتماعی / شوق یادگیری از کودکی / کیمیا عسگری-منیره طالبیان-مریم حسین زاده / ۳۸

مدیریت / سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک / دکتر رخساره فضلی / ۴۰

تربیت / پرورش کودکان به شیوه بونسای / شکوفه همتی / ۴۳

زبان آموزی / ضرورت یادگیری زبان فارسی در منطقه های دوزبانه / مونا بافته / ۴۷

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

* مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. *
مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این
موضوع را قید بفرمایید. * مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا حروف نگاری شود (مقاله های می توانند با نرم افزار
ورد و روی لوح فشرده یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). * نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و
در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. * محل قرار گرفتن جدول ها، نمودار ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود.
* مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. * آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد
آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. * مجله از عودت
مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.



با پوشش این رمزینما ما را
از نظرات ارزشمند خود
بهره مند کنید.



رمزینما اشتراک
مجلات رشد

تابستان بهاری

پیرامون ما و کودک به وجود می آیند. از این رو فصل تابستان زمانی مناسب برای بروز فرصت‌های متنوع است. لازمه ایجاد این فرصت‌ها هوشمندی و دقت در انتخاب محیط است. البته منظور از محیط فقط طبیعت نیست، هر چند که غنی‌ترین و مفیدترین محیط برای یاددهی و یادگیری ما و کودک طبیعت است. اما ابتکار عمل و خلاقیت مربی توانمند به گونه‌ای است که علاوه بر بهره‌مندی از طبیعت، می‌کوشد از محیط‌های محدود به فضای خانه و کودکستان نیز برای ایجاد موقعیت‌ها و فرصت‌های تربیت کودک استفاده کند.

یک باغچه کوچک، وسایل و ابزارهای ساده کار با شن و ماسه، مراقبت از گل و گیاه، حضور در پارک و فضای سبز دسترس و مناسب برای حضور کودک و ... هر کدام می‌توانند عامل مهمی در کسب تجربه اولیه برای کودکان ما باشند.

همان‌طور که در مطلع این شماره از مجله مشاهده می‌کنید، پیامبر عظیم‌الشانمان، **حضرت محمد(ص)**، ارتباط کودک با طبیعت پیرامون و خاک‌بازی در محیط سالم و بهداشتی را به بهار و تفریحگاه کودک تشبیه کرده‌اند.

این سخن حکیمانه در کنار دیگر رهنمودهای نورانی منسوب به ایشان، از جمله اینکه کودکان را در هفت سال اول آزاد بگذاریم تا بازی کنند، مؤید این نگرش تربیتی در سیره ایشان و پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) است.

بر این مبنا شناسایی و غنی‌سازی محیط پیرامون کودک با هدف ارتباط آزادانه وی با عناصر در طبیعت بسیار حائز اهمیت است. لذا برنامه‌ریزی و اقدام برای غنی‌سازی روزها، ساعت‌ها و لحظه‌های فصل تابستان برای تربیت و یادگیری کودکان ضروری

فصل تابستان امسال فرصتی شد تا پس از وقفه‌ای طولانی، باز هم در گرماگرم تابستان خدمت شما مخاطبان گرامی باشیم. تابستان امسال برای نشریه‌مان همچون بهاری است که پویایی و استمرار را نوید می‌دهد. ضمن تبریک به علاقه‌مندان حوزه تعلیم و تربیت کودک و قدردانی از اهتمام مسئولان و کارشناسان در انتشار نشریه «رشد آموزش پیش‌دبستانی» در فصل تابستان، امیدواریم این استمرار زمینه‌ساز ارتباط بیشتر با شما خوبان و ارتقای کیفیت عرصه تربیت و تعامل با کودکان باشد.

اما اصل سخن اینکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مربی دلسوز و توانمند این است که به جای انتقال اطلاعات و دانش به کودکان، درصدد ایجاد فرصت برای کنجکاوی و پرسشگری آنان برآید. فصل تابستان در اغلب اقلیم‌های ایران فرصت مناسبی است تا کودکان را با طبیعت پیرامونشان مواجه و مأنوس کنیم. ضمناً این سخن حکیمانه و مشهور در خصوص فصل تابستان را از زبان فعالان عرصه تعلیم و تربیت زیاد شنیده‌ایم که: «مدرسه تعطیل می‌شود، ولی تربیت تعطیل نمی‌شود.»

بله! تربیت به کلاس و میز و نیمکت محدود نیست. تابستان فرصت مغتنمی است تا با کودکانمان در ساعات طولانی روز بتوانیم موقعیت‌هایی را برای یاددهی و یادگیری فراهم آوریم و باور کنیم که در تعامل با کودک، ما هم می‌آموزیم. لذا در مواجهه با کودک آنچه اتفاق می‌افتد، یاددهی و یادگیری توأمان و یک تبادل و معامله دوطرفه بین مربی و متربی است.

فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که بین ما و کودکان شکل می‌گیرند، آن دسته از اقدامات و فعالیت‌هایی هستند که لزوماً از پیش تعیین شده نیستند، بلکه در فرایند ارتباط و اتفاقات



جدید طراحی شده است. گردش آموزشی - تربیتی معلمان را قادر می‌سازد یادگیری کودکان را از داخل کلاس به جامعه بزرگ‌تر (بیرون از کلاس) گسترش دهند. این نوع گردش‌ها برای کودکان مانند آزمایشگاهی است که یادگیری در آن از طریق فعالیت‌های جدید در محیط‌های غنی شکل می‌گیرد.

برخی معیارهای مهم آن عبارت‌اند از:

- متمم و مکمل برنامه و فعالیت‌های کلاسی باشد.
- زمینه‌های طرح سؤال و توسعه بحث و گفت‌وگو در کلاس را فراهم آورد.
- به پرورش درک معنوی و حس دینی کودک (آشنایی با طبیعت به عنوان نعمت‌های خدا) کمک کند.
- فعالیت‌های ذوقی و گرایش به هنر را پرورش دهد.
- به پرورش مهارت جمع‌آوری اطلاعات و شواهد و مدارک منجر شود.
- موجب علاقه به دستاوردهای تمدن اسلامی و ایرانی شود.
- مهارت‌های کارگروهی و روابط اجتماعی را تقویت کند.

سخن آخر

با بهره‌مندی از تجربه‌های مربیان موفق و دستیابی به منابع معتبر علمی و تربیتی، به کیفیت برنامه و فعالیت‌هایمان در تعامل با نوآموزان عزیز بیفزاییم و تابستانی بهاری را همچون طراوت و شادابی بهار برای کودکانمان بیافرینیم.

منبع

راهنمای برنامه و فعالیت آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستانی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۷.

است. گردش‌های تربیتی - آموزشی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین فعالیت‌هایی هستند که با برنامه‌ریزی و رعایت استانداردها، می‌توانند در ایجاد موقعیت‌ها و فرصت‌های یاددهی و یادگیری برای کودکان پیش‌دبستانی مؤثر باشند. حضور کودکان در مکان‌ها و فضاهای مناسب سن ایشان، اعم از پارک، موزه، کتابخانه، مکان‌های مذهبی و ... بسیار خاطره‌انگیز و مؤثر است. البته رعایت استانداردهای لازم در برگزاری گردش اردوهای تربیتی و تفریحی، با میزان اثربخشی و کیفیت این دسته از فعالیت‌ها دارای رابطه معناداری است. در ادامه چند ویژگی مهم در برگزاری گردش تربیتی - آموزشی اردو را با هم مرور می‌کنیم:

گردش آموزشی - تربیتی فعالیتی است که برای درگیر ساختن کودکان با تجربه‌های یادگیری نوآورانه و مشارکتی، در محیطی



باغ تجربه

+

حیات کودی، حیات

حذف حیات، ظلمی بزرگ در حق کودکان



زهرا مهدیان
مربی پیش دبستانی

■ اشاره

شما برای انتخاب خانه‌ای که می‌خواهید در آن زندگی کنید، چه ملاک‌هایی در نظر دارید؟ وسعتش فلان قدر باشد، آسان بر و توقفگاه داشته باشد، نورگیر باشد و ... داشتن حیات برایتان ملاک است؟ مثلاً اگر خانه‌ای پیدا کنید که همه ویژگی‌های مطلوبتان را داشته باشد، اما حیات نداشته باشد، باز هم آن را انتخاب می‌کنید؟

از نظر من، یکی از بزرگ‌ترین ظلم‌هایی که در حق کودکان دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ شده، گرفتن حیات خانه‌هاست. در معماری‌های امروزی و اولویت دادن به آپارتمان و برج، و استفاده حداکثری از زمین مسکونی، دیگر جایی برای حیات نمی‌ماند. داشتن دو یا حتی سه توقفگاه (پارکینگ) برای هر واحد خیلی مهم‌تر از وجود چند متر حیات است. اما حواسمان هست حیات چه تأثیری می‌تواند روی رشد کودک و حتی خودمان به‌عنوان پدر یا مادر داشته باشد؟

در اینجا می‌خواهیم با هم بررسی کنیم، وجود حیات در خانه چه آثاری می‌تواند داشته باشد. پس با هم می‌خوانیم.

کلیدواژه‌ها:

کودک، طبیعت، آزادی عمل، فضای باز، رشد کودک.

حیات دروازه‌ای برای ارتباط با طبیعت

شاید خیلی شنیده باشید ارتباط و انس کودکان با طبیعت چه تأثیرات شگرفی در سلامت روحی و جسمی کودک دارد. گردش در طبیعت چنان برای کودکان مهم است که دکتر ریچارد لوو مفهومی به نام «اختلال کمبود طبیعت» را مطرح می‌کند. البته این مفهوم تشخیصی پزشکی نیست و ربطی به اختلالات روانی و رفتاری کودکان ندارد. دکتر لوو از این مفهوم استفاده می‌کند که توضیح بدهد، دوری از طبیعت چقدر برای کودکان مضر است و گردش در طبیعت چقدر برایشان اهمیت دارد. برگردیم به بحث اصلی‌مان: حالا این حیات کوچک خانه ما می‌تواند دروازه‌ای باشد برای ورود به طبیعتی که هزاران هزار فایده دارد. فضای باز و استفاده از هوای آزاد، دسترسی به آب و امکان استفاده از آن، و وجود خاک در گلدان و باغچه، همه اجزایی از طبیعت هستند که در حیات خانه ما پیدا می‌شوند. پس بهتر است زندگی شهرنشینی و دوری از دشت و جنگل را بهانه نکنیم و نگذاریم کودکانمان فرصت لمس طبیعت و استفاده از این نعمت زیبای الهی را از دست بدهند.

حیات و تأثیر آن در رشد خودمان

وقتی محیطی جذاب و آزاد مثل حیات در خانه داشته باشید، کودک ناخودآگاه آن را برای بازی‌ها و فعالیت‌هایش انتخاب می‌کند؛ فضایی باز که می‌تواند آزادانه در آن بدود و بازی‌هایی را که در خانه به خاطر انبوه وسایل منزل و ترس از همسایه طبقه پایین دارد، نمی‌تواند انجام دهد، به راحتی انجام دهد. این حیات رفتن‌ها قبل از آنکه برای کودک فایده داشته باشد، روی خودمان به عنوان مادر یا پدر تأثیرگذار است. در ادامه برایتان پنج اثر حیاط رفتن بچه‌ها را می‌شماریم:

۱ درگیری و کش‌مکش کمتر: معمولاً وقتی بچه‌ها کاری برای انجام دادن نداشته باشند و حوصله‌شان سر رفته باشد، مدام بهانه‌گیری می‌کنند یا سراغ تلویزیون و بازی‌های تلفن همراه می‌روند که هردو می‌تواند زمینه‌ای برای دعوا با پدر و مادر باشد.

کودک بهانه‌گیر این قابلیت را دارد که به پرواز مگس در هوا هم اشکال بگیرد و داد و فریاد راه بیندازد. اگر هم پای تلویزیون و گوشی همراه بنشیند، بهانه‌ای دست مادر می‌دهد که مدام او را سرزنش کند که چقدر بای گوشی می‌نشیند! در واقع مادر نگران است که کودکش با گوشی همراه کار نادرستی انجام دهد؛ مثلاً یک پویانمایی (انیمیشنی) را ببیند که مناسب سنش نیست.

حالا خانه‌ای را تصور کنید که حیاط دارد. کودک ساعات‌های زیادی از روز را می‌تواند در حیاط مشغول شود و دیگر فرصتی برای بهانه‌گیری پیش نمی‌آید. در نتیجه کش‌مکش و درگیری با کودک به حداقل می‌رسد و مادر اعصاب آرام‌تری خواهد داشت.

۲ زمانی برای خود داشتن: سرگرم شدن کودک در فضایی امن که قابلیت‌های زیادی برای خلق موقعیت‌های بازی دارد، به معنی ایجاد زمانی به منظور انجام کارهای شخصی برای مادر است. مادر در این زمان که کودک به او کاری ندارد، می‌تواند به کارهای موردعلاقه‌اش برسد. مثلاً کتاب بخواند، کارهای شغلی‌اش را انجام دهد، به کارهای هنری مشغول شود و یا به هر کار دیگری بپردازد که با وجود کودک به‌سختی از عهده انجام آن بر می‌آید. داشتن زمانی برای خود به‌شدت در ایجاد حال خوب در مادر مؤثر است.

۳ برقراری ارتباط مستقیم با طبیعت: مادر یا پدر هم می‌تواند در کنار کودک از ارتباط با طبیعت بهره‌مند شود. ارتباط با طبیعت، انجام کارهایی مانند باغبانی و یا بازی با خاک و آب در کنار کودک، موجب لطافت روح و آرامش اعصاب می‌شود. اینکه بتوانید فارغ از کارهای روزمره، زمانی را در طبیعت کوچک خانه خودتان بگذرانید، موجب می‌شود خستگی‌های کار روزانه در شما از بین برود و برای انجام کارهای بیشتر انرژی به دست آورید. درواقع همان تأثیرات مثبتی که طبیعت روی کودک دارد، روی ما بزرگ‌ترها هم دارد.

۴ داشتن خانه مرتب‌تر: وقتی یک یا چند کودک در خانه باشند، مدام می‌خواهند با اسباب‌بازی‌ها و وسایل خانه بازی کنند. در این صورت، اگر بخواهید آزادی‌های زیر هفت سال کودکان را رعایت کنید، خانه‌ای به‌هم‌ریخته و پر از ابزار و وسایل خواهید داشت. اگر به آزادی‌های کودکان اعتقادی ندارید و یا می‌خواهید در مورد آن‌ها بیشتر بدانید، پیشنهاد می‌کنم آگاهی از حد و مرز آزادی کودکان را از دست ندهید.

از طرف دیگر، داشتن خانه‌ای مرتب و تمیز آرزوی اکثر مادران است و کودکی که ساعات‌های زیادی را در حیاط می‌گذراند، فرصتی برای به هم ریختن خانه نخواهد داشت. امتیاز دیگر وجود حیاط هم این است که بسیاری از فعالیت‌هایی را که کثیف‌کاری زیادی دارند، به جای داخل خانه، در حیاط می‌توان انجام داد؛ فعالیت‌هایی



حیاط، به دلیل داشتن آب، چاه و هم‌چنین فضای باز، این امکان را به شما می‌دهد که هر قدر خواستید رنگ‌بازی کنید و بعد با مقداری آب و یک فرچه یا جارو، محل بازی را تمیز کنید



مثل گل‌بازی، رنگ‌بازی و بازی هیجانی. با وجود حیاط دیگر نگران شکستن وسایل خانه و حتی اعتراض‌های همسایه پائینی نخواهیم بود.

۵ افزایش ارتباط و تعاملات اجتماعی: حیاط معمولاً فضای اشتراکی خانه‌هاست. شما با وجود حیاط این فرصت را دارید که در بستری ساده و به دور از تشریفات و زحمت، با همسایگانان ارتباط و تعامل داشته باشید. این ارتباط‌ها می‌توانند فایده‌های بسیاری داشته باشند؛ مثلاً هم بازی‌شدن فرزندانان، ایجاد دوستی‌های بیشتر، کمک‌گرفتن از همسایگان هنگام گرفتاری، بیماری و ...

چند نمونه فعالیت در حیاط

♦ الف) بازی‌های هیجانی

۱ انواع بازی‌ها با توپ، مثل وسطی، استوپ هوایی، والیبال و ... که خودتان بهتر بلدید. اگر هم خدایی نکرده نمی‌دانید این بازی‌ها چگونه انجام می‌شوند، کافی است اسم آن را در «گوگل» جست‌وجو کنید.

۲ بازی‌های سنتی (کلاسیک) مثل دنبال‌بازی، قایم باشک، گرگم به هوا و ... که حتماً تجربه بازی‌اش را در کودکی داشته‌اید و توضیح بیشتر نمی‌دهیم.

۳ انواع آب‌بازی ساده، مثل جنگ آبی با استفاده از بطری‌های شیشه‌شور یا آب‌پاش، حمل آب در کاسه روی سر بدون ریختن آن، و پرکردن بادکنک از آب و سعی در ترکاندن آن، از جمله بازی‌هایی هستند که با ابزار ساده می‌توانید در حیاط انجام دهید. اگر آب‌بازی‌های پیشرفته‌تر بخواهید می‌توانید با مطالعه «رایا کتاب» (ای‌بوک) آب‌بازی، انواع آن‌ها را یاد بگیرید.

♦ ب) فعالیت‌های دست‌ورزی

۱ خاک‌بازی و فایده‌های آن:

- کافی است بیلچه‌ای کوچک و یا حتی یک قاشق یک‌بارمصرف یا قاشقی را که دیگر برای غذا خوردن از آن استفاده نمی‌کنید، به کودک بدهید و ببینید با خاک چه بازی‌هایی انجام می‌دهد.

زیورورکردن خاک برای پیدا کردن حشرات و کرم‌ها، کندن چاله برای رسیدن به گنج‌های خاکی، درست کردن خانه برای مورچه‌ها، ساختن جوی آب و ده‌ها فعالیت دیگر را می‌توان با خاک انجام داد.

۲ رنگ‌بازی: فعالیت‌های بسیار جذاب برای کودکان است که کمتر می‌توان آن را در محیط داخل خانه انجام داد. حیاط، به دلیل داشتن آب، چاه و هم‌چنین فضای باز، این امکان را به شما می‌دهد که هر قدر خواستید رنگ‌بازی کنید و بعد با مقداری آب و یک فرچه یا جارو، محل بازی را تمیز کنید. خود این فعالیت تمیزکاری هم نوعی بازی جذاب برای بچه‌ها به حساب می‌آید.

یک کاغذ رول روی زمین پهن کنید. می‌توانید با چیزهایی که از باغچه پیدا می‌کنید، مثل انواع برگ، سنگ و شاخه درختان، روی کاغذ چاپ بزنید. می‌توانید این فعالیت چاپ را با دست یا پا انجام دهید.

۲ آتش‌بازی: فضای باز حیاط بستری مناسب برای روشن کردن آتش و افزایش ریسک‌پذیری کودکان است. طبیعتاً روشن کردن آتش بدون حضور و کمک بزرگ‌ترها توصیه نمی‌شود. پس یک نظارت و همراهی کوچک از طرف شما می‌تواند تجربه دل‌نشینی برای کودکان رقم بزند. در آتش‌بازی علاوه بر روشن کردن آتش، می‌توانید فعالیت آشپزی هم انجام دهید؛ مثلاً سیب‌زمینی کبابی یا املت آتشی درست کنید.

♦ ج) کشف طبیعت

۱ پیدا کردن و دیدن حشرات داخل باغچه می‌تواند یکی از جذاب‌ترین بازی‌های حیاط باشد. باغچه‌ها پر از انواع حشرات هستند. با کمی زیورورکردن خاک می‌توانید آن‌ها را ببابید. هر بار که حشره‌ای دیدید، همراه بچه‌ها به آن خوب نگاه کنید و از بچه‌ها بخواهید نقاشی آن را در دفتر یادداشت‌شان بکشند. بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانند درباره آن حشره تحقیق کنند و اطلاعات مربوط به آن را - مثل اسم، غذایی که می‌خورد، محل زندگی و اطلاعات دیگر - در دفترش یادداشت کند. بعد از مدتی شما دایرةالمعارف مصوری از حشرات خواهید داشت.

۲ برگ درختان و گل‌ها انواع و شکل‌های متفاوتی دارند. در پاییز می‌توانید برگ‌های ریخته‌شده را در یک جا جمع کنید. روی آن‌ها بپريد، برگ‌ها را روی سرتان بریزید و از صدای خش‌خش برگ‌ها لذت ببرید. با برگ‌ها می‌توان انواع تکه چسبانه (کلاژ) و فعالیت‌های چایی و هنری را انجام داد. یک تابلو از طبیعت می‌تواند یادگاری جذابی از حیاط خانه شما باشد.

۳ طبیعت پر از انواع سطوح‌هاست. تنه درختان، برگ‌ها، سنگ‌ها و زمین حیاط می‌توانند



دفتر نقاشی بچه‌ها باشند. با گچ انواع نقاشی‌ها و حتی بازی‌هایی مثل لی‌لی را روی زمین بکشید. کاغذ را روی تنه درختان بگذارید و با گچ رنگ (پاستل)، بافت‌های درختان را بکشید. برگ‌ها و سنگ‌ها هم تابلوهای جذابی هستند که می‌توان روی آن‌ها نقاشی کشید و آن‌ها را به دیگران هدیه داد.

۴ فعالیت‌های باغبانی برای کودک، به خصوص کودکان بالای پنج سال مفید و البته جذاب است. رسیدگی به یک گلدان خاص، علاوه بر آشنایی آن‌ها با مفاهیم‌های علوم، مسئولیت‌پذیری را در کودکان تقویت می‌کند.

حالا که حیاط نداریم، چه کنیم؟

خب اگر حیاط دارید که خوشا به سعادتتان. همین الان بلند شوید و قدر این نعمتتان را بدانید و همراه بچه‌ها برای بازی و فعالیت به حیاط بروید. دیگر با شما کاری نداریم. اما اگر دلتان آب شده و با خود گفته‌اید کاش ما هم حیاط داشتیم، بقیه این نوشته را بخوانید.

کجا برویم؟

پشت بام! اما با تمام توجه به امنیت و سلامت کودک، بله همین یک یا چند طبقه بالای سرتان می‌تواند جایگزین خوبی برای حیاط باشد. کافی است از ایمنی آن با نصب نرده و حفاظ مطمئن شوید. اگر امکانش هست می‌توانید در پشت‌بام باغچه ایجاد کنید. اگر مستأجر بودید و یا شرایطش نبود، می‌توانید از گلدان‌های بزرگ و کوچک برای کاشت گل و گیاه استفاده کنید. چه بسا بچه‌ها از مشارکت آماده‌کردن حیاط پشت‌بامی‌تان بیشتر خوششان بیاید تا یک حیاط آماده.

اما اگر پشت‌بام شرایط مناسبی نداشت، باز جای چاره هست. کافی است نزدیک‌ترین پارک به خانه‌تان را شناسایی کنید و همراه بچه‌ها به آنجا بروید.

قبول دارم که الگو و سبک زندگی‌های امروزی، ما را از طبیعت دور کرده، اما برای هر دردی، درمانی است. دوری از طبیعت را جدی بگیرید و این نعمت زیبای خداوند را از بچه‌ها دریغ نکنید.



تربیت

گام اول: از ره تعلیم خویش

مرتضی طاهری

عضو هیئت تحریریه

تایستان که از راه می‌رسد بنا به سنت فرهنگی و اقلیمی، مراکز رسمی آموزشی تعطیل می‌شوند و نوآموزان، دانش‌آموزان، معلمان و مربیان به خانه برمی‌گردند! به دنبال توقف فعالیت‌های متداول آموزشی و پرورشی، برخی از نشریات و مجلات کمک‌آموزشی هم به استراحت فصلی می‌روند و از حرکت باز می‌ایستند! اینک که بناست مجله و فصلنامه رشد آموزش پیش‌دبستانی، تایستان را هم بیدار و پویا باشد، سخنی کوتاه و از سر مهر و دوستی با مربیان دلسوز کودک داریم و این در حالی عرضه می‌شود که بدون شک، همه متولیان عرصه آموزش و پرورش، حتی شبانگهان نیز در اندیشه یافتن راه بهتر در تربیت مربیان خود هستند، چه رسد به ایام فراغت و تعطیل؛ نکته‌های زیر یادآوری برخی از آن‌هاست:

- ♦ بازنگری در خلقیات و آداب رفتاری خود؛ از بردباری در برخورد با کودکان و والدین آن‌ها تا رضایت باطنی از توفیق خدمت در میدان تعلیم و تربیت.
- ♦ تمرین و تقویت مادی و معنوی حواس چندگانه ارتباطی؛ از چشم و نگاه، حنجره و صدا، گوش و شنوایی، دست و نگارش خط و طراحی، تابینایی و بویایی.
- ♦ پرورش قدرت اندیشه و تفکر با مرور آموزه‌های فلسفی و منطقی.
- ♦ گسترش دانش و اطلاعات روان‌شناسی، شناخت کودک و عوامل و ویژگی‌های رشدی و
- ♦ تقویت دانش و سواد رسانه‌ای به‌ویژه در عصر حاضر.
- ♦ بازآموزشی هنرهای واسطه در تربیت کودک؛ از جمله قصه‌گویی، شعر و سرود، بازی، طراحی و نقاشی و
- ♦ و مهم‌تر از همه این‌ها، استحکام بخشیدن به پیوند دائمی با مربی حقیقی - پروردگار یکتا - و درخواست از او برای توفیق روزافزون در این عرصه سترگ.



مهارت و یادگیری

راهکارهای مهارت‌های کلامی در کودکان

■ اشاره

همه کودکان از توانایی ویژه‌ای به نام «قوة کلام» برخوردارند. کودکان سراسر دنیا با دارا بودن این توانایی بالقوه می‌توانند، در مرحله‌های رشد طبیعی خود، زبان جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند بیاموزند. این توانایی بالقوه به هیچ یک از زبان‌های جهان وابستگی خاصی ندارد. زیرا کودکان در هر جامعه زبانی که قرار گیرند، زبان همان جامعه را می‌آموزند. این ظرفیت به صورتی است که برخی کودکان وقتی در محیط خانواده در معرض دو یا سه زبان قرار می‌گیرند، به راحتی می‌توانند زبان دوم و سوم را نیز بیاموزند. با توجه به عوامل متفاوت و تنوع جغرافیایی و اجتماعی، انواع گونه‌های زبان در جوامع شکل گرفته‌اند که کودکان در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند و آن‌ها را می‌آموزند. به عبارت دیگر، کودکان به مرور زمان علاوه بر یادگیری زبان، با گونه‌های زبانی متفاوت نیز آشنا می‌شوند و با توجه به شرایط مختلف و موقعیت‌های گوناگون از آن‌ها استفاده می‌کنند.

برای مثال، زمانی که کودکان با والدین خود صحبت می‌کنند، از یک گونه زبانی استفاده می‌کنند و زمانی که در جمع هم‌سالان و دوستان خود هستند، از گونه زبانی دیگری بهره می‌گیرند. این امر نشانگر آن است که کودکان در کنار یادگیری زبان، آداب استفاده از آن را نیز می‌آموزند. لذا هدف اصلی در برنامه‌های رشد کلامی کودکان صرفاً زبان‌آموزی و آموختن کلمه‌ها نیست، بلکه یادگیری آداب و شیوه استفاده از زبان برای ابراز خواسته‌های خود و همچنین برقراری ارتباط با دیگران نیز از جمله هدف‌های این برنامه‌هاست.

▽ بتول سبزه

استادیار دانشگاه فرهنگیان، عضو هیئت تحریریه

کلیدواژه‌ها:

کودکان، والدین، قوة کلام، گونه‌های زبان، رشد کلامی، زبان‌آموزی

مرحله‌های رشد زبان در کودکان

همه کودکانی که از شرایط جسمانی و روانی طبیعی برخوردارند، قادرند اولین کلمه مادری خود را در ۱۲ تا ۱۸ ماهگی بر زبان آورند و در فاصله کوتاهی بین ۲/۵ تا ۴ سالگی روان صحبت کنند و سخنان دیگران را تا اندازه زیادی بفهمند. آن‌ها هر روز کلمه‌های جدیدی یاد می‌گیرند و می‌توانند آن‌ها را به‌درستی در ساخت جمله‌ها و ارائه پیام خود برای برقراری ارتباط با دیگران به کار گیرند.

رشد زبان در دو مرحله «پیش‌زبانی» و «زبانی» صورت می‌گیرد. در مرحله پیش‌زبانی که از بدو تولد تا اواخر یک‌سالگی طول می‌کشد، ابتدا کودکان صداهایی را تولید می‌کنند که بیانگر وضعیت زیستی آنان از قبیل گرسنگی، درد و ناراحتی است. این صداها غالباً ارتباطی به زبان ندارند (کریستال، ۱۹۸۰). در واقع نخستین مرحله فعالیت صوتی کودک گریه کردن است. برخی این زمان را «مرحله گریه» نامیده‌اند. بین ۶ تا ۸ هفتگی، اولین صداهای غان و غون تولید می‌شوند. این صداها به همراه گریه هستند و با لبخندها و صحبت مادر تغییر می‌کنند.

در هفته‌های بعد این صداها بیشتر و به هم نزدیک‌تر می‌شوند، ولی «آهنگ» ندارند. برخی از این زنجیره‌های صوتی، اساس آغاز هجاهای گفتاری دوره بعدی هستند. در این دوره، زبان نوزادان به‌طور عمودی و افقی حرکت می‌کند و تارهای صوتی همراه با آن به لرزه در می‌آید. در مرحله بعد و حوالی ۲۰ تا ۳۰ هفتگی بازی‌های صوتی نمایان می‌شوند. بازی‌های صوتی طولانی‌تر از صداهای غان و غون‌اند. به‌مرور زمان صداها طولانی‌تر می‌شوند تا اولین گفتار هجایی کودک ظاهر شود. این صداها برای والدین و خود کودک بسیار لذت‌بخش هستند. سپس در ۵۰ هفتگی صداهای هجایی شروع می‌شوند. صداهای هجایی کمتر از صداهای بازی‌های صوتی متغیرند.

حدود نیمه دوم این دوره، کودک به تولید گفتار هجایی غیرتکراری می‌پردازد. آهنگ و طول هجا در این مرحله خیلی به گفتار عادی نزدیک است. حدود پایان سال اول زندگی در آهنگ، وزن و نواخت گفتار تغییرات زیادی رخ می‌دهد. والدین از این گفتار معنی‌های متفاوتی را درک می‌کنند؛ معنی‌هایی مثل سؤال کردن، خطاب کردن، احوال‌پرسی یا درخواست چیزی. هجاهای منفرد همواره با یک آهنگ ثابت ارائه می‌شوند. این صوت‌ها نشانه‌های نخستین و واقعی رشد زبان هستند.

براساس نظر اکثر محققان، روند فراگیری زبان در کودکان کم‌وبیش یکسان است. کوک^۱ (۱۹۷۰) معتقد است که سن کودکان برای رسیدن به رشد زبانی و آغاز گفتار یکسان نیست، ولی ترتیب زمانی مرحله‌های متفاوت رشد گفتار ثابت است و کودکان

قبل از مرحله آغاز تکلم یک دوره پیش‌زبانی را طی می‌کنند تا آمادگی لازم را برای شروع گفتار کسب کنند.

جدول ۱. مرحله‌های رشد زبان و گفتار کودک (به نقل از اچسون)

سن	مراحل
بدو تولد	گریه
۴ ماهگی	غان و غون
۶ ماهگی	تولید صداهای نامفهوم
۸ ماهگی	الگوهای آهنگین
۱ سالگی	گفتار تک‌واژه‌ای
۱/۵ سالگی	گفتار دوواژه‌ای
۲ سالگی	تعریف کلمه‌ها
۲/۵ سالگی	ساخت سؤالی و منفی
۵ سالگی	ساخت‌های پیچیده یا عجیب
۱۰ سالگی	گفتار پخته

برخی از محققان معتقدند، کودک در پایان دوره پیش‌زبانی به سکوت نسبی می‌پردازد. او بیشتر به محیط اطراف توجه نشان می‌دهد و در گفتار پدر و مادر خود دقت می‌کند و سعی در تقلید از آنان دارد. کودک ضمن گوش کردن، به تقلید و تولید صدا می‌پردازد. در این حال به‌تدریج تکلم واقعی را شروع می‌کند و از این به بعد دوره زبانی آغاز می‌شود که خود دارای مرحله‌ها و دوره‌های متفاوتی است. دوره زبانی پربارترین زمان رشد زبان و گفتار کودک است. در پایان این دوره، کودکان خواهند توانست با زبان مادری خود با دیگران ارتباط بگیرند و به اهداف و مقاصد خود برسند. کودک برای نیل به گفتار واقعی و کامل خود باید مرحله‌های گوناگونی را به این شرح طی کند:

۱. مرحله گفتار تک‌واژه‌ای^۲

کودک بین سنین ۹ تا ۱۸ ماهگی، با ارائه عبارت‌ها و جمله‌های تک‌واژه‌ای، این دوره را شروع می‌کند. البته تا مدت کوتاهی هنوز شیوه تولید صداهای هجایی دوره قبل ادامه دارد. مرحله تک‌واژه‌ای «نوزبانی»

دوره زبانی
پربارترین
زمان رشد
زبان و گفتار
کودک است.
در پایان این
دوره، کودکان
خواهند توانست
با زبان مادری
خود با دیگران
ارتباط بگیرند
و به اهداف و
مقاصد خود
برسند

نیز نامیده می‌شود. در این مرحله کودک برای گفتن هر چیز که روزانه با آن سروکار دارد، از تک‌واژه‌ها استفاده می‌کند. در این مرحله کودک ممکن است گفتارهای تک‌واژه‌ای خود را با حرکات‌های اندام‌ها یا آهنگ صدا همراه کند تا بتواند فکرها و خواسته‌های خود را به دیگران تفهیم کند یا حالت‌های هیجانی، شادی، ناراحتی و شگفت‌زدگی خود را نشان دهد. در مرحله تک‌واژه‌ای، برای اینکه بتوانیم منظور کودک را از هر زبان آوردن هر واژه به‌خوبی درک کنیم، ضروری است موقعیت و شرایط بافتی سخن (شرایط برون‌زبانی) را در نظر بگیریم. مثلاً وقتی کودک می‌گوید: «آب» ممکن است تشنه باشد یا ممکن است بخواهد در وان حمام آب بازی کند.

۲ مرحله گفتار دوواژه‌ای (گفتار تلگرافی ۲)

در این مرحله، کلمه‌ها کم‌کم با هم ترکیب می‌شوند و رفته‌رفته تعداد این ترکیب‌ها آن‌قدر زیاد می‌شود که گفتار کودک شکل تلگرافی پیدا می‌کند. این مرحله را «مرحله بلبل‌زبانی» می‌گویند که همان «مرحله زبان باز کردن نسبی» است. این مرحله و مرحله شیرین‌زبانی را «دوره پیش‌آموزشگاهی» نیز گفته‌اند که یکی از دوره‌های پربار فراگیری تکلم در کودکان است. در این مرحله، طیف واژگان کودک حدود ۵۰ کلمه است. با این ۵۰ کلمه جمله‌های تلگرافی می‌سازد که غالباً شامل اسم، فعل و تعدادی صفت هستند. از ۱۸ ماهگی تا ۲۴ ماهگی کاربرد جمله‌های تلگرافی به‌تدریج افزایش می‌یابد و سپس ناگهان در آن جهش چشمگیری دیده می‌شود. در اواخر این دوره کودک می‌تواند جمله‌های امری بسازد و با استفاده از واژه «نه»، به سؤال‌ها پاسخ منفی بدهد.

۲ مرحله گسترش جمله‌های تلگرافی یا تولید جمله‌های طولانی‌تر

از ۲ سالگی تا ۲/۵ سالگی (۲۴ تا ۳۰ ماهگی)، خردسالان به بیان جمله‌های طولانی‌تر از جمله‌های تلگرافی دست می‌زنند؛ مثل «مادام افتاد روی زمین». در این مرحله کودک قادر است جمله‌های بلندتر و پیچیده‌تری تولید کند. همچنین، حرف‌های اضافه و ربط را که نقش پیونددهنده کلمه‌ها و جمله‌ها را بر عهده دارند، در سخنان او ظاهر می‌شوند. در این مرحله کودکان دوست دارند به گفت‌وگو با هم‌سالان خود بپردازند. آن‌ها هنگام صحبت کردن با هم، به نوبت جمله‌های ساده‌ای ردوبدل می‌کنند. گاهی نیز کودک حرف‌های خودش را می‌زند و به‌ظاهر جمله‌هایش را نمی‌توان پاسخ مستقیم طرف گفت‌وگو دانست. در این مرحله نیز کودکان حتی در تنهایی با کلمه‌ها و آواها «بازی» می‌کنند. در

واقع، علاوه بر تعامل زبانی با دیگران، به نظر می‌رسد در تنهایی نیز مشغول تمرین‌های زبان‌آموزی است. مشخصه بارز گفته‌های کودک در این مرحله تعداد کلمه‌ها نیست، بلکه گوناگونی و تنوع جمله‌هایی است که می‌تواند از کلمه‌های آموخته‌شده خلق کند. در حدود ۲/۵ سالگی بار دیگر واژگان کودک به‌سرعت گسترش می‌یابد و کودک بسیار پرحرف‌تر می‌شود (زندگی، ۱۳۹۳). در حدود ۳ سالگی، تلفظ او به تلفظ بزرگ‌ترها شباهت پیدا می‌کند. به‌طوری که اطرافیان کودک باید بپذیرند که این موجود کوچک هم واقعاً می‌تواند صحبت کند (بول، ۱۳۷۹). در واقع در این سن معجزه یادگیری زبان صورت حقیقت می‌یابد و با تولید حدود ۵۰۰ واژه و کاربرد قواعد صرفی و نحوی زبان می‌توان گفت دانش زبانی کودک کاملاً شکل گرفته است.

۴ مرحله جمله‌های ساده و کامل (انجام گفت‌وگوهای نسبتاً طولانی)

در این مرحله کودک از جمله‌های ساده تا حد جمله‌های چهارکلمه‌ای استفاده می‌کند. هنگام گفت‌وگو جمله‌های طولانی‌تری شامل دو یا چند جمله ساده را به کمک حرف‌های ربط به کار می‌برد. گاهی نیز جمله‌های آن‌ها شامل دو جمله است که با هم پیوند معنایی دارند؛ مانند: نمی‌خواهم آن را بخورم نمی‌خواهم اون رو بخورم. «و» اولین کلمه ربطی است که کودک در ۳ سالگی به کار می‌برد و بیش از سایر حرف‌های ربط از آن استفاده می‌کند. سپس اندک‌اندک حرف‌های ربطی دیگر را می‌آموزد و به کار می‌بندد. جمله‌های مرکب اولیه کودک معانی متفاوتی را در بر می‌گیرند. ترتیب بروز روابط معنایی نسبتاً قانونمند است؛ هر چند که برخی کودکان این توالی را زودتر آغاز می‌کنند و زودتر از دیگران هم از آن می‌گذرند. تعداد کلمه‌هایی که کودک قادر به تولید آن‌هاست، معمولاً بیش از هزار واژه است.

۵ مرحله انجام مکالمه کامل (جمله‌های مرکب و پیام‌های کوتاه و بلند)

از سن ۴ سالگی، کودک می‌تواند جمله‌های کامل و مرکبی را تولید کند که بسیار شبیه به جمله‌های بزرگسالان است. البته مفهوم‌هایی که کودک به کلمه‌ها نسبت می‌دهد، غالباً با مفهوم‌هایی که بزرگسالان در ذهن دارند، متفاوت است. کودک از ۴ تا ۵ سالگی هنوز در حال فراگیری جنبه‌های متفاوت زبان مادری خود است. در حدود سن ۵ سالگی، واژگان فعال کودک به بیش از دو هزار کلمه می‌رسد که در واقع فرض می‌شود کودک بخش اصلی فراگیری زبان را به پایان رسانده است.



در این مرحله کودک به‌طور متوسط در هر جمله از شش کلمه استفاده می‌کند (هالاها و کافمن، ۱۳۷۵). زمانی که کودک وارد مدرسه می‌شود، زبان‌آور ماهر است و تقریباً بر ویژگی‌های اساسی آوایی، صرفی نحوی، معنایی و بیشتر ویژگی‌های کاربردشناختی زبان مادری خود مسلط است. در دوران کودکستان و دبستان (از ۵ تا ۱۲ سالگی) ذخیره واژگانی کودک به‌سرعت افزایش می‌یابد تا جایی که ذخیره واژگان او قبل از ورود به دبستان از ۵ هزار تا ۱۴ هزار واژه تخمین زده می‌شود (زند، ۱۳۹۳).

مهارت‌های زبانی و راهکارهای تقویت آن‌ها در کودکان

اولین زمینه زبان‌آموزی کودک در خانواده فراهم می‌شود و پدر و مادر نقش بسیار مهمی در رشد زبان کودکان دارند. علاوه بر آن، برنامه زبان‌آموزی در دوره پیش از دبستان نیز فرصت‌های یادگیری زیادی را در اختیار کودک قرار می‌دهد. به این خاطر، برنامه زبان‌آموزی باید بر اساس نیازهای آموزشی واقعی کودکان تنظیم شود تا در این فرصت بهترین نتایج حاصل شود. مهم‌ترین نیازهای زبان‌آموزی کودکان مهارت صحبت کردن، گوش دادن، آمادگی خواندن و آمادگی نوشتن است که از راه‌های متفاوت باید تقویت شوند.

رشد بهینه زبان شفاهی در کودکان زمانی اتفاق می‌افتد که کودکان فرصت‌های زیادی برای استفاده از زبان در تعاملات با بزرگسالان و با یکدیگر داشته باشند. تنوع در محیط زبانی خانه می‌تواند تفاوت خاصی را در میزان و روند فراگیری زبان موجب شود. تعامل‌های گفت‌وگویی بین کودکان با یکدیگر و کودکان با بزرگسالان موجب رشد زبان می‌شود. در اکثر مطالعات راهبردهای مؤثر برای بهبود زبان شفاهی و مهارت گفت‌وگو کردن ارائه شده‌اند. داستان‌خوانی مشارکتی کودکان و بزرگسالان، از جمله مؤثرترین روش‌هاست. داستان‌خوانی مشارکتی به این دلیل مؤثر است که فضای تعاملی ایجاد می‌کند و امکان گفت‌وگو فراهم می‌آورد.

علاوه بر این نمایش‌های کلامی، به‌خصوص «نمایش خلاق» از جمله روش‌های جذاب و مورد علاقه کودکان است که ساختارهای زبانی کودکان و مهارت‌های کلامی آنان را توسعه می‌دهد. کودکان به دلیل اینکه هر یک نقشی را در داستان بر عهده می‌گیرند و تمایل دارند این نقش را به بهترین نحو اجرا کنند، از خلاقیت و مهارت‌های زبانی خود به نحو مقتضی استفاده می‌کنند. این امر نه تنها در تقویت مهارت‌های زبانی و گفتاری، بلکه در رشد مهارت‌های اجتماعی و شناختی کودکان سهم مؤثری دارد.

«نمایش خلاق» از جمله روش‌های جذاب و مورد علاقه کودکان است که ساختارهای زبانی کودکان و مهارت‌های کلامی آنان را توسعه می‌دهد



از جمله راهبردهای مؤثر دیگر «بازی‌ها» هستند. بازی‌ها برای یادگیری زبان و رشد مهارت‌های کلامی شرایط اجتماعی واقعی فراهم می‌کنند. از طرف دیگر، به‌کارگیری بازی‌ها می‌تواند انگیزه یادگیری زبان و افزایش مهارت‌های کلامی را افزایش دهد و از اضطراب ناشی از فشار همسالان بکاهد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۱). بازی‌های زبانی و کلامی به‌طور آشکار و پنهان، فرایند رشد کلامی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اکثر واژه‌هایی که کودکان می‌آموزند، با آموزش مستقیم آموخته نمی‌شوند، بلکه در فرایند بازی آموخته می‌شوند. انسجام مطالب و چگونگی سازمان‌دادن اطلاعات و واژه‌ها در قالب گفتار، به‌راحتی از طریق بازی‌ها ممکن می‌شود و کودکان در موقعیت‌های بازی به این قواعد و اصول



پی می‌برند.

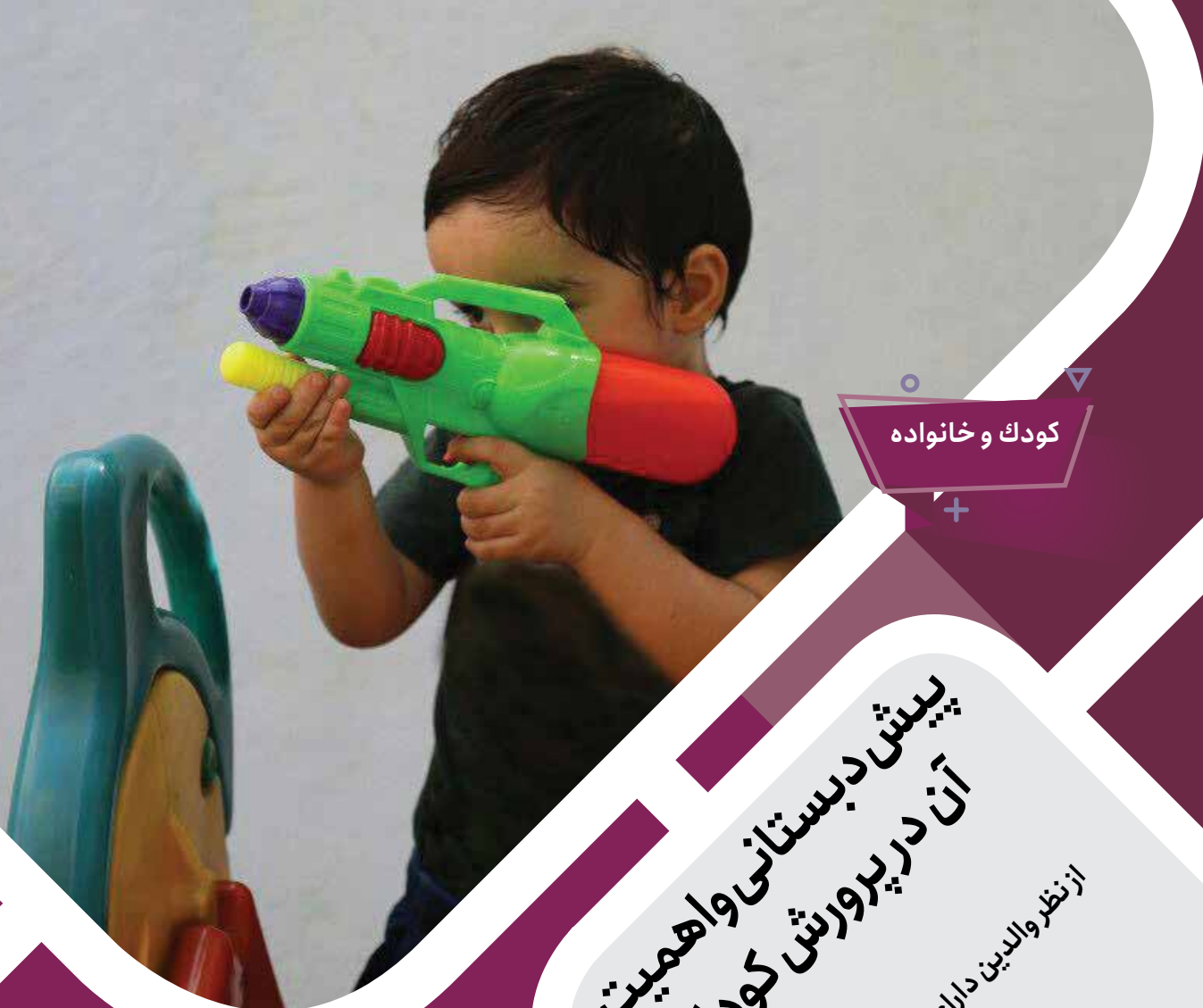
علاوه بر راهبردهای ذکرشده برای تقویت مهارت گفت‌وگوی کودکان، «آمادگی خواندن و نوشتن» نیز از نیازهای ضروری کودکان است. کودکان برای دستیابی به مهارت‌های خواندن و نوشتن نیازمند مهارت‌های اساسی دیگری نظیر مهارت‌های بینایی، شنیداری و حرکتی-کلامی هستند. این مهارت‌ها را باید به شیوه‌های گوناگون مدنظر قرار داد تا ادراک کلی آن‌ها افزایش یابد. انجام فعالیت‌های ترسیمی مناسب، نقاشی خلاق و آزاد، بازی با کارت‌های تصویری، دیدن کتاب‌های تصویری، بازی‌های دست‌ورزی و کلامی، و مانند این‌ها، از جمله راهبردهای مؤثر در توسعه آمادگی و نوشتن هستند که والدین و مربیان می‌توانند از آن‌ها بهره بگیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. Cook
2. Holophrastic speech
3. telegraphic speech

منابع

۱. زندی، بهمن (۱۳۹۳). زبان‌آموزی. انتشارات سمت، تهران.
۲. احدی، حسن و بنی‌جمالی، شکوه‌السادات (۱۳۹۲). روان‌شناسی رشد. انتشارات پردیس، تهران.
۳. هالاهان و کافمن (۱۴۰۰). اختلال‌های یادگیری، ترجمه علیزاده و همکاران. انتشارات ارسباران، تهران.
۴. سبزه، بتول و مفیدی، فرخنده (۱۳۸۷). «تأثیر فعالیت‌های زبان‌آموزی دوره پیش‌دبستانی بر رشد گفتاری دانش‌آموزان پایه‌های اول دوره ابتدایی». نشریه مطالعات برنامه درسی، دوره ۳، شماره ۱.
5. Wang, M. T., Willett, J. B., and Eccles, J. S. (2011). The assessment of school engagement: Examining dimensionality and measurement invariance by gender and race/ethnicity



کودک و خانواده

پیش دبستانی و اهمیت آن در پرورش کودکان

از نظر والدین دارای کودکی پیش دبستانی

مهدی ولی نژاد

کارشناس ارشد علوم تربیتی و
مربی مراکز پیش دبستانی
منطقه موسیان، استان ایلام

کودک در دوره پیش از دبستان، از نظر والدین

ویژگی‌ها

هفت سال اول زندگی کودک، یعنی سنین پیش دبستانی، پایه و اساس شخصیت او را تشکیل می‌دهند. اگر این دوره آن گونه که پیامبر خدا(ص) فرمودند با عطف و مهرورزی، همدلی و همراهی، غلیان و فوران احساسات خوشایند، محبت‌پذیری و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، قوی‌ترین، سالم‌ترین و متعادل‌ترین ستون‌های تکوین شخصیت پیریزی می‌شوند. این قبیل بچه‌ها بیشترین آمادگی روانی و ذهنی را برای یادگیری (هفت سال دوم) به‌دست می‌آورند و آمیزه‌ای از محبت‌پذیری و آموزش‌پذیری آنان را برای دوره مشورت‌پذیری و رایزنی با بزرگ‌ترها (هفت سال سوم) آماده می‌کند. از نظر مربیان هم این دوره می‌تواند مقدمه خوبی برای آموزش مهارت‌های ساده باشد.

کلیدواژه‌ها:

کودک، پیش دبستانی، شخصیت کودک،
مهرورزی، اقتدار عاطفی

♦ هدف‌های کلی آموزش و پرورش

۱۲ پرورش سلامت جسمی، هماهنگی ماهیچه‌ای مناسب و مهارت‌های حرکتی اساسی در کودک؛

۱۳ پرورش عادت‌های بهداشتی سالم و تشکیل مهارت‌های پایه‌ای لازم به‌منظور سازگاری شخصی کودک، مانند لباس پوشیدن و درآوردن، خوردن، شستن، نظافت و غیره.

۱۴ پرورش آداب و نگرش‌های مطلوب، به‌منظور تشویق مشارکت گروهی سالم، و حساس کردن کودک به حقوق و امتیازات دیگران.

۱۵ پرورش پختگی عاطفی از طریق راهنمایی کودک به بیان و ابراز خود، و شناخت، پذیرش و کنترل احساسات و عواطف شخصی خویش.

۱۶ پرورش حس زیبایی‌شناسی در کودک.

۱۷ برانگیختن کنجکاوای ذهنی کودک و کمک کردن به او در درک دنیایی که در آن زندگی می‌کند و شکوفاکردن علاقه‌های تازه در او، از طریق فراهم آوردن فرصت‌ها برای پژوهش و جست‌وجو و کسب تجربه.

۱۸ تشویق کودک به استقلال و خلاقیت از طریق فراهم کردن فرصت‌های کافی برای ابراز وجود خود.

۱۹ پرورش توانایی کودک برای بیان احساسات و افکارش به زبانی روان، واضح و صحیح.

۲۰ ایجاد حس اعتماد به نفس و امنیت خاطر در کودک.

۲۱ جلب توجه کودک به دنیای پیرامون.

♦ اهمیت آموزش و پرورش

آموزش و پرورش در دوران پیش از دبستان برای رشد کلی و همه‌جانبه کودک اهمیت دارد؛ چرا که:

۱ شش سال اولیه زندگی کودکان سال‌هایی حساس هستند، زیرا میزان رشد در این سال‌ها نسبت به مرحله‌های دیگر رشد سرعت بسیار بیشتری دارد.

۲ پرورش کامل استعدادهای کودک، به‌ویژه در این سال‌ها، به محیطی محرک و برانگیزنده نیاز دارد.

۳ با افزایش تعداد مادران شاغل، گسیختن وابستگی‌ها و نظام خانواده‌های سنتی، تنش‌های روانی حاصل و نیز اشتغال والدین در خارج از خانه که حاصل الگوی زندگی کنونی است، کودکان غالباً نمی‌توانند از منافع محیطی محرک و برانگیزنده بهره‌مند شوند.

۴ کودکان مناطق محروم به‌ویژه از این نظر محرومیت‌های بیشتری را متحمل می‌شوند. والدینی که بی‌سواد هستند، تعامل مؤثر و مفیدی با کودکان خود ندارند و نمی‌توانند به رشد مطلوب و مناسب گفتار و زبان و مهارت‌های شناختی کودک خود کمک کنند. فقدان تسهیلات و وسایل، از جمله اسباب‌بازی، کتاب، امکانات بازی و غیره، به محرومیت‌های آنان می‌افزاید. اگر کودکی در شش سال اول زندگی خود در چنین محیطی سرشار از کمبودها و محرومیت‌ها پرورش یابد، رشد کلی و به‌ویژه ذهنی و زبانی او تأثیر نامطلوبی می‌پذیرد.

۵ برنامه آموزشی و پرورشی مناسب در این دوره تجربه‌های محرکی برای رشد ذهنی، زبانی، جسمی، اجتماعی و عاطفی

کودکان فراهم می‌آورد. اگر این نوع برنامه‌ها به گونه مؤثری سازمان داده شوند، می‌توانند محرومیت ناشی از کمبودهای محیط خانه را جبران کنند. به این ترتیب مبنایی قوی برای سهولت رشد بعدی و بارور شدن استعدادهای کامل کودک فراهم می‌آید.

۶ یک برنامه آمادگی برای رفتن کودک به مدرسه مهیا می‌سازد. چنین آمادگی‌هایی از تعداد مردودی‌ها، افت تحصیلی و شکست در سطوح ابتدایی می‌کاهند.

۷ وقتی کودکان خردسال به مراکز پیش‌دبستانی راه می‌یابند، خواهران و برادران بزرگ‌تر آن‌ها نیز آزادی بیشتری می‌یابند و می‌توانند به کارهای خانه و تحصیلی خود بهتر بپردازند.

از نظر والدین، بعضی ویژگی‌ها در دوره پیش از دبستان بسیار اهمیت دارند، باید به آن‌ها توجه داشت و روش‌های آموزش را بر اساس آن‌ها طرح‌ریزی کرد؛ از جمله:

۱ علاقه کودکان به بازی؛

۲ قدرت و نیاز کودکان به الگوگیری، نقش‌پذیری و تقلید در این سن؛

۳ شادی کودکان و علاقه آن‌ها به مطالب آهنگین.

مرحله‌های آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان هدف آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان پرورش و رشد همه‌جانبه کودک است. رشد و پرورش همه‌جانبه کودک شامل مرحله‌های زیر است:

۱ رشد زبان و گفتار؛

۲ رشد جسمی و حرکتی؛

۳ رشد خلاقیت و ابراز وجود؛

۴ رشد ذهنی و شناختی؛

۵ رشد عاطفی-اجتماعی.

تربیت دینی کودکان پیش از دبستان

برخی از روش‌های تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی عبارت‌اند از:

۱ بازی؛

۲ ارائه الگو؛

۳ خواندن شعرها و متون آهنگین و شاد؛

۴ ارائه پاسخ‌های مناسب به سؤال‌های دینی؛

همچنین، با توجه دادن کودکان به نعمت‌هایی که همیشه همراه آن‌هاست، مثل اندام‌های متفاوت آنان، از جمله چشم، گوش و دهان، یا نعمت‌هایی که خیلی دوستشان دارند، مثل پدر، مادر و مادربزرگ یا نعمت‌های طبیعی، مثل کوه، جنگل، حیوانات و گیاهان، می‌توان کودکان را به خداشناسی هدایت کرد.

با ترسیم شکل‌ها و نقاشی‌هایی که در آن‌ها مؤمنان همیشه لباس‌هایی به رنگ روشن و تمیز می‌پوشند، می‌خندند و خوشحال‌اند، می‌توان ویژگی‌های مثبت افراد متدین را به کودکان نشان داد و به‌طور غیرمستقیم عادت‌های صحیح را به ایشان آموخت. با ترتیب دادن نمایش‌های شاد و آموزنده

سخن آخر و پیشنهاد

عده‌ای از والدین متأسفانه به تصور اینکه فرستادن فرزندان به مراکز پیش‌دبستانی باعث تنفر و زدگی آن‌ها در سال‌های بعد می‌شود، از فرستادن فرزند خود به مراکز پیش‌دبستانی امتناع می‌کنند. باید گفت که این تصور اصلاً و ابداً مبنای علمی ندارد و تاکنون هم در هیچ جای دنیا چنین چیزی مطرح نبوده و به اثبات هم نرسیده است. بلکه برعکس، فرستادن کودکان به چنین مراکزی نه تنها باعث تنفر و زدگی نخواهد شد، بلکه آن‌ها را برای ورود به مرحله‌های بعدی آموزش نیز آماده خواهد ساخت.

از آنجایی که تربیت اجتماعی مطلوب و سازگاری با گروه‌های اجتماعی در تنهایی و بدون فراهم‌شدن فرصت‌های مناسب صورت نمی‌گیرد، این فرصت‌ها هر قدر زودتر برای کودک فراهم شوند، رشد اجتماعی او سهل‌تر خواهد شد. از این رو جداسدن کودک از محیط کوچک خانه، روی آوردن او به محیط وسیعی است که هسته مرکزی آن را گروه‌های هم‌بازی‌ها و هم‌سالان تشکیل می‌دهند. به‌خصوص که با ورود به این دنیای جدید بر دامنهٔ مراودات و آزادی کودک افزوده می‌شود.

لذا کودک را پیش از ورود به دبستان، به‌منظور کسب و توسعهٔ سازگاری اجتماعی به کودکان‌ها بفرستید. با توجه به کوچک‌بودن محیط خانواده و محدودیت‌های آموزشی و پرورشی، و از طرف دیگر گسترده‌گی برنامه‌های آموزشی و پرورشی در مراکز پیش‌دبستانی، لازم است که والدین در جهت تقویت و رشد شخصیتی و مستحکم‌کردن پایهٔ آموزشی فرزند خود در امر آموزش و پرورش تلاش کنند.

منابع

۱. نشریهٔ ماهانهٔ آموزشی- تربیتی پیوند، شمارهٔ ۲۴۲، آذر ۱۳۹۸، و شمارهٔ ۳۱۹، اردیبهشت ۱۳۹۹، تهران.
۲. ماهنامه رشد آموزش ابتدایی، شمارهٔ ۱۱، آذر ۱۳۹۸ و شمارهٔ ۱۲، دی ۱۳۹۹، تهران.
۳. گرمی نوری، رضا و مرادی، علیرضا (۱۳۹۸). روان‌شناسی تربیتی دورهٔ کاردانی تربیت‌معلم. شرکت چاپ و نشر ایران، تهران.
۴. تقی‌پور ظهیر، علی (۱۳۹۸). اصول و مبانی آموزش و پرورش. انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران. چاپ پنجم.

می‌توانیم وظایف مسلمانان را از طریق نمایش یا ایفای نقش توسط خود کودکان اشاعه دهیم و در کنار این نمایش و ایفای نقش، شعرها و نثرهای آهنگین بخوانیم.

با ارائهٔ جلوه‌هایی از زندگی امامان و پیامبر اکرم (ص) که کودکان به آن‌ها علاقه دارند، مثل بازی کردن حضرت پیامبر با کودکان، سلام کردن پیامبر به کودکان و ... می‌توانیم آنان را به الگوهای مبارک دین اسلام علاقه‌مند کنیم.

قبل از اقدام به تربیت دینی کودکان، رفتار، اعمال و شخصیت خودمان را مورد بازنگری قرار دهیم و بکوشیم نمونهٔ کامل اعمال و گفتار اسلامی باشیم. به همین دلیل، چگونگی انتخاب مربیان دورهٔ پیش‌دبستانی بسیار بسیار مهم و حیاتی است. همراهی کودکان پیش‌دبستانی در مراسم دینی، برای آنان بسیار لذت‌بخش و آموزنده است. برای مثال، همراهی کردن آن‌ها با نماز جماعت، مراسم عزاداری، مراسم میلادیه و ... البته بدون ایجاد سختی و فشار برای آنان، می‌تواند آموزش عملی مراسم دینی باشد.





رویکردها

مروری بر آموزش‌های والدورف و رجویو امیلیا

سارا زین العابدین

دانشجوی ارشد پیش دبستانی
دانشگاه علوم توانبخشی

■ اشاره

این روزها رویکردهای نوین آموزشی بسیاری به دنیای آموزش و تدریس اضافه شده‌اند و این دنیا را بسیار تغییر داده‌اند. اگر سری به مدرسه‌ها بزنید، این تغییرات را به خوبی احساس می‌کنید. به خصوص مدرسه‌های ابتدایی این روزها ساختاری بسیار متفاوت از قبل گرفته‌اند و بیشتر به سمت دانش‌آموزمحور شدن پیش رفته‌اند.

یکی از رویکردهای آموزشی در دنیای امروز، «رویکرد آموزشی والدورف» است. این رویکرد با داشتن ویژگی‌های خاص خود و هدف‌هایی که به دنبال این ویژگی‌ها برای خود تعریف کرده، مخاطبان بسیاری را به سمت خود کشانده است. رویکرد دیگر، «رویکرد رجویو امیلیا» است. رویکرد رجویو امیلیا روش آموزشی کاملاً کودک‌محور است و تمامی برنامه‌های آموزشی کودک در این نظام با توجه به واکنش و علاقه کودک در مورد یک موضوع و به مرور زمان شکل می‌گیرد.

در این مقاله کوشیده‌ایم، اصول، روش‌ها و محتوای آموزشی این دو روش را شرح دهیم.

کلیدواژه‌ها:

رویکردهای آموزشی، روش آموزش،
کودکان پیش دبستانی



کودکان بسیاری از وقت خود را در محیط باز و تقریباً در هر آب و هوایی می‌گذرانند (البته هنگام زمستان فضا بسته است). چه در کلاس و چه در خارج از آن، استفاده از صفحه نمایش تشویق نمی‌شود. در این مدرسه‌ها بر دوست داشتن و احترام به طبیعت تأکید می‌شود. در بسیاری از فعالیت‌های هنری از مواد طبیعی، مانند برگ درختان و موم، استفاده می‌کنند. مربیان برای ارائه درس‌های خود از موسیقی و داستان‌سرایی بهره می‌گیرند. کودکان در آشپزی، نظافت، بافندگی و ساخت کاردستی شرکت می‌کنند.

بازی

محیط کودکانستان والدورف به یادگیری کودکان به وسیله بازی و کشف پدیده‌ها کمک می‌کند. کودکان ابتدا دوست دارند به تنهایی بازی کنند. در حدود سه سالگی به سمت روابط اجتماعی تمایل می‌یابند. بین سه تا پنج سالگی فکر و تخیل وارد بازی فعال کودکان می‌شود و آن‌ها به «بازی وانمودی» دست می‌زنند. مثلاً از دستمال به عنوان لحاف برای عروسک استفاده می‌کند. در این سن بازی‌ها اجتماعی‌تر می‌شوند، به‌طوری که بچه‌ها با تمرکز بیشتری بازی می‌کنند، نیازمند دخالت و راهنمایی بزرگ‌ترها هستند و در آغاز شکل‌دهی به توانایی‌های زبانی و ارتباطی، بحث و گفت‌وگو خود قرار دارند.



معرفی روش آموزشی رگیو امیلیا

روش آموزشی رگیو امیلیا یک فلسفه آموزشی است که بر آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی تمرکز دارد. کودکان باید تا حدودی در جهت یادگیری خود اختیار داشته باشند. کودکان باید بتوانند از طریق تجربه‌های لمس کردن، گوش کردن، حرکت دادن و مشاهده کردن بیاموزند. آنان با هم‌تایان خود ارتباط برقرار می‌کنند و برای کشف و بررسی اشیاء و پدیده‌ها فرصت‌های بسیاری در اختیارشان قرار می‌گیرد. در فلسفه رگیو امیلیا، محور اصلی آموزش کودکان

معرفی روش والدورف

بنیان‌گذار نظام آموزشی والدورف، آقای رادولف اشتاینر، دکترای فلسفه بود. در سال ۱۹۲۸ اولین مدرسه والدورف در آمریکا تأسیس شد که اکنون مدرسه معروف رادولف اشتاینر واقع در شهر نیویورک است. امروزه جنبش آموزش اشتاینر والدورف در کشورها با شتاب گسترش می‌یابد و مربیان و آموزگاران پیش‌دبستانی و دبستانی با بهره‌گیری از رویکرد والدورف کار با کودکان را بهبود می‌بخشند.

هدف‌های نظام والدورف

- ◆ در این روش کودک شخصاً مورد توجه است و از آنجا که انسان‌ها متفاوت‌اند، نمی‌توان همه را مثل هم آموزش داد. به همین دلیل باید امکاناتی فراهم کرد که هر کودک آزادانه و به میل خود یاد بگیرد.
- ◆ آموزش باید همراه با آزادی و تنوع باشد.
- ◆ آموزش باید کنجکاوی کودک را برانگیزد و قدرت ابتکار او را رشد و گسترش دهد.
- ◆ یادگیری باید با عمل همراه باشد. با این روش آموزش زنده و فعال می‌ماند.

روش آموزشی

روش آموزشی والدورف ترکیبی از عناصر کاربردی، هنری و فکری است که با زندگی روزمره پیوند می‌خورد. آموزش والدورف آموزشی سه وجهی است که عناصر آن را روح، جسم و روان هر فرد تشکیل می‌دهند. هدف این نظام آموزشی، خلق محیطی است که در آن کودکان آموختن را تجربه کنند تا ظرفیت‌های فکری، عاطفی و جسمی‌شان برای تمام عمر، همراه با شور شوق به آموختن، پرورش یابد.

نقش مربی

نقش مربی در مدرسه‌های والدورف بسیار مهم است. در دوره‌های مقدماتی این مدرسه‌ها، معلم از ابتدا همراه کودکان است و پیشرفت آن‌ها را مشاهده می‌کند. در طول این سال‌ها، معلم می‌تواند میزان پیشرفت هر کودک را تعیین کند و موضوع آموزشی و روش خود را با نیازها و توانایی‌های او منطبق سازد. در این روش ارتباط میان معلم و شاگردان عمیق و مداوم خواهد بود.

فعالیت‌های کودکان در مدرسه‌های والدورف

الف) فعالیت‌های روزمره

خیاطی، بافتنی، باغبانی، نقاشی، طراحی، جنگل‌بانی، مجسمه‌سازی، نجاری، جوشکاری، ورزش و موسیقی از جمله درس‌هایی هستند که برنامه عملی مدرسه‌های والدورف را تشکیل می‌دهند.

ب) فعالیت‌های هنری

برنامه هفتگی شامل این موارد است: هنر، کاردستی، بازی با عروسک‌ها، کار در کارگاه‌های چوب، نقاشی، قصه‌گویی، آشپزی، نانوایی، آوازخوانی، بازی‌های فیزیکی و مهارت‌های اجتماعی.

روش آموزشی رگیو امیلیا یک فلسفه آموزشی است که بر آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی تمرکز دارد. کودکان باید تا حدودی در جهت یادگیری خود اختیار داشته باشند

خردسال، رشد و تحول طبیعی آن‌ها، به همراه ارتباط نزدیکی است که با محیطشان برقرار می‌کنند. خود کودکان می‌توانند یادگیری‌شان را شکل دهند.

مربیان کودک در رویکرد رجیو امیلیا

در این رویکرد کودک سه معلم دارد: اولین معلم والدینش هستند. آن‌ها شریک فعال و راهنمای کودک‌اند. معلم دوم مربی کلاس اوست که دوشادوش کودک گام برمی‌دارد. محیط معلم سوم است.

محیط

بر اساس این باور که محیط فیزیکی باید از خلاقیت و تخیل کودکان حمایت کند، طیفی گسترده از امکانات و فرصت‌ها در اختیار کودکان قرار می‌گیرد تا هر کودک متناسب با رشد خود در فضا به فعالیت بپردازد. آموزشگران رجیو در انتخاب منابع دقت بسیاری دارند. اسباب‌بازی‌هایی را که تنها دارای یک هدف باشند، کمتر انتخاب می‌کنند تا کودک بتواند بدون محدودیت آن‌ها را کشف کند و خلاقانه به کار گیرد. منابع و مواد طبیعی که از آن‌ها به ابزارهای هوش یاد می‌کنیم عبارت‌اند از: چوب، سنگ، صدف، مخروط، دانه و برگ؛ مهره، شیشه، بطری، کاغذ، لوله، پارچه، پلاستیک، فلز و سیم؛ و...

عملکرد خلاق

«خلاقیت» به معنای بهره‌گرفتن از تخیل و حل مسئله است. استفاده از خلاقیت، ایده و تخیل، در تمامی زمینه‌های یادگیری، شامل زبان، ریاضیات، ساخت و ساز، آزمایش علمی، هنر، موسیقی، رقص و... ضروری است. به عملکرد خلاق کودکان بها دهید و فرصت‌هایی برای خطر کردن و رقابت برایشان تدارک ببینید.

تفکر انتقادی

دادن فرصت برای بازی، با استفاده از ایده‌ها در موقعیت‌های متفاوت، با در اختیار داشتن منابع گوناگون، و به کمک آزمون و خطا، به کشف تازه و درک بهتر و نو از مفاهیم و رشد تفکر انتقادی می‌انجامد.

زمان

زمان در این رویکرد از ارزش ویژه‌ای برخوردار و شامل سه بخش است:

♦ **تداوم ارتباط:** کودکان و معلمان با هم رابطه ژرفی برقرار می‌کنند و در طول سه سال آموزشی در آموزشگاه، همواره در کنار یکدیگر می‌مانند.

♦ **زندگی روزمره:** زمانی است برای باهم‌بودن، انجام کار، دیدار، بازی، اندیشیدن، گفت‌وگو، گوش‌فرادادن، استراحت، خوردن و ...

♦ **پروژه‌های درازمدت:** پروژه‌های درازمدت ممکن است چند روز یا چند ماه، بسته به برنامه‌های مهد کودک، طول بکشند.

بازی و روش‌های یادگیری

هنگام بازی، یادگیری به بالاترین میزان ممکن می‌رسد که هم‌سالان در پیشرفت آن نقش بسزایی دارند. معلم باید به کودک امکان تعیین سرعت، مدت و تمرکز بر فعالیت را بدهد و هرگونه پشتیبانی باید به شکل زیرکانه انجام گیرد. بچه‌ها باید بتوانند علاقه خود را گسترش و یادگیری‌شان را رشد دهند و امکان پرداختن به ایده‌ها و فعالیت مورد علاقه خود را داشته باشند. در این روش آموزشگران بر یادگیری گروهی تأکید دارند و به دنبال راهی برای تشویق کودکان به یادگیری گروهی هستند.

یکی از روش‌های مناسب یادگیری گروهی طرح چیستان، چالشی همانند ترتیب‌دادن گردشی در پارک محلی، یا ساخت چیزی در محیط بیرون است. استفاده از برنامه درسی به صورت پروژه‌ای، از دیگر ویژگی‌های این رویکرد به شمار می‌آید. چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شوند کودکان در انجام پروژه‌ها و همکاری با دیگر هم‌سالانش چیزهایی بیاموزند که شاید امکان یادگیری آن‌ها در جای دیگری فراهم نباشد.

نتیجه‌گیری

رویکرد رجیو امیلیا برای «پرورش خلاقیت کودکان» در سنین اولیه زندگی اهمیت زیادی قائل است، زیرا خلاقیت در دوره اولیه زندگی، تأثیر بسزایی در بروز خلاقیت بزرگسالی دارد. استفاده از این رویکرد در مدرسه‌ها می‌تواند بسیار مفید واقع شود. در کودکان‌های والدین محیطی شبیه به محیط آرام خانه همراه با احساس گرمی، عشق و زیبایی وجود دارد. در این آموزشگاه‌ها کودکان محیط را لمس می‌کنند و با اسباب‌بازی‌های ساده بازی می‌کنند. این موضوع سبب رشد بهتر کودکان می‌شود.

منابع

۱. فتحی و آجارگاه، کورش؛ عارفی، محبوبه؛ ترقی‌جاه، علی (۱۳۸۸). «مطالعه چگونگی شکل‌گیری برنامه درسی برآمدنی، با الهام از رویکرد رجیو امیلیا، برای کودکان ۶ تا ۸ سال». نشریه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی. شماره ۳.
۲. هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰). راهنمای عملی پژوهش کیفی. انتشارات سمت، تهران.
۳. عباسی، عبدالله (۱۳۸۲). «طراحی الگوی برنامه درسی بهینه برای دوره کودکان؛ نقد و بررسی این دوره در مقایسه با آن الگو». پایان‌نامه دوره دکترا. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
4. Forman, G. (1989). Helping Children Ask Good Questions. In B. Neugebauer (Ed.), THE WONDER OF IT: EXPLORING HOW THE WORLD WORKS. Redmond, Washington: Exchange Press.
5. Forman, G. & Fyfe, B. (1993). Negotiated Learning Trough Design, Documentation, and Discourse. In C. Edwards, L. Gandini, & G. Forman (Eds.), The hundred languages of children: The Reggio Emilia approach-Advanced reflections (1nd ed., pp. 189-162).
6. Gandini, L. (1993). Foundations of the Reggio Emilia approach. In J. Hendrick (Ed.), First steps toward teaching the Reggio way. (pp. 81-11). Upper Saddle River, N.J.: Merrill.
7. Gandini, L. (1993). Educational and caring spaces. In C. Edwards, L. Gandini & G.
8. Glissman (2022). The project based teaching in primary schools. Wadsworth publishing Company.



آموزش و یادگیری

پیش دبستانی تعاونی

نویسنده: شکوفه همتی
دانشجوی ارشد تحقیقات
آموزشی، آموزگار ابتدایی

■ اشاره

هر مرکز پیش دبستانی مصداق بارز تعاون والدین و مربیان با گروهی از خانواده‌های دارای فلسفه‌های مشابه سازمان‌دهی است. این گروه یک معلم آموزش دیده را استخدام می‌کنند تا تجربه پیش دبستانی با کیفیتی را برای فرزندان خود فراهم سازند. والدین به صورت چرخشی به معلمان حرفه‌ای در کلاس کمک و در برنامه آموزشی همه کودکان شرکت می‌کنند. هر خانواده در عملیات تجاری مدرسه (مانند یک سرمایه‌گذار) سهیم است. بدین صورت، با سرمایه‌گذاری وسیع والدین، برنامه‌های راهبردی و تکمیلی قابل اجرا خواهند بود. والدین کودکان پیش دبستانی و معلمان آن‌ها همه با هم به مدرسه می‌روند و با هم یاد می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها:

پیش دبستانی، والدین، مشارکت،
مهد کودک تعاونی، یادگیری والدین

بیشتری پیدا می‌کنند و ارزش شخصیتی مثبتی در آن‌ها به وجود می‌آید که در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی به کار می‌رود. سازمان تعاونی، تجربه‌های پیش‌دبستانی مناسب و کم‌هزینه‌ای را، با توجه به سرمایه‌گذاری‌ها و به‌کارگیری حداکثر نیروی انسانی، فراهم می‌کند.

❖ کودکان در پیش‌دبستانی

کودکان در بازی‌های تحت نظارت والدین مربی و با تجربه‌های متفاوت یادگیری با سایر کودکان هم‌سن و سال خود شرکت می‌کنند. تجهیزات، مواد و امکانات فیزیکی به‌اندازه‌ی توان کودک مقیاس‌بندی می‌شوند. فرصت تعامل با بزرگسالان، غیر از والدین خودشان، برایشان فراهم می‌شود. کودکان می‌توانند امنیت و احساس تعلق را در دنیایی که آن‌ها را تهدید نمی‌کند و به آن‌ها علاقه‌مند است، بیابند. در محیط یادگیری پیش‌دبستانی بر احترام‌گذاشتن به یادگیری (تفکر انتقادی) و پذیرش حقوق و تفاوت‌های دیگران تأکید بسیار می‌شود. کودکان تجربه‌هایی عملی در زمینه‌های هنر، موسیقی، علم، ادبیات و زبان، متناسب با نیازها و سطح رشد خود، دریافت می‌کنند.

❖ والدین در پیش‌دبستانی

والدین، با مشاهده‌ی سایر کودکان، بینش درستی نسبت به رفتار کودک پیدا می‌کنند. آن‌ها مشاهده می‌کنند که چگونه سایر والدین و معلمان حرفه‌ای با موقعیت‌ها برخورد می‌کنند و از طریق مشارکت فعال در آموزش، درک و لذت بیشتری از فرزندان خود به دست می‌آورند. آن‌ها این فرصت را دارند که تجربه‌ها و تخصص خود را در حالی که در محیط تعاونی کار می‌کنند، از طریق خدمت در هیئت‌مدیره، با دیگران به اشتراک بگذارند. والدین از این طریق مهارت‌های مدیریت، برگزاری جلسات و سایر مهارت‌های مفید در سایر زمینه‌ها و درک درست از وضعیت‌های زندگی‌شان را یاد می‌گیرند. همچنین ایده‌های مفیدی را برای کمک به فرزندان خود در خانه و دنیای اطراف می‌آموزند.

بنا به گفته‌ی دکتر کاترین وایتساید تیلور: «من هیچ راه دیگری را نمی‌دانم که والدین بتوانند تا آنجا که می‌توانند، از طریق شرکت در مهد کودک تعاونی والدین، یاد بگیرند.»

❖ نتیجه‌گیری

شرکت در پیش‌دبستانی مشارکتی به شما امکان می‌دهد به‌طور مستقیم در آموزش اولیه‌ی فرزندان مشارکت کنید. توانایی نظارت بر فرزند خود و معلم، تضمین می‌کند که فرزند شما در نقطه‌ای امن و با بهترین معلمان باشد. تعامل با جامعه‌ای متشکل از والدین دیگر، که مانند شما به کودک تعهد دارند، و الگوگیری از معلم، در حین کمک، به شما فرصت می‌دهد که در کنار فرزندان یاد بگیرید. مهم‌تر از همه، انتخاب پیش‌دبستانی تعاونی به شما زمان بیشتری می‌دهد تا با فرزندان پیوند برقرار کنید و با هم خاطره بسازید. فرزندان می‌دانند که آموزش در خانواده‌ی شما مهم است، زیرا شما هر روز با او زندگی می‌کنید.

پی‌نوشت

1. International Cooperative Preschool

منبع

<https://www.preschools.coop/our-history>

اولین مهد کودک تعاونی را در سال ۱۹۱۶ گروهی از همسران استادان هیئت‌علمی در دانشگاه شیکاگو تأسیس کردند تا وقت آزاد برای کار صلیب سرخ داشته باشند. در عین حال، شرایط آموزش اجتماعی را برای کودکان و همچنین آموزش والدین را برای خود فراهم کردند.

در سال ۱۹۲۷ «مرکز اجتماعی کودکان» در برکلی کالیفرنیا سازمان‌دهی شد. امروزه این مرکز قدیمی‌ترین پیش‌دبستانی تعاونی است که به‌طور مستمر فعال است. در دهه ۱۹۴۰، مدرسه‌های تعاونی در بریتیش کلمبیا، انتاریو، میشیگان، ایالت واشنگتن، اورگان، مریلند، ویرجینیا، واشنگتن دی سی، نیویورک، نیوجرسی و کانکتیکات توسعه یافتند.

❖ اهداف تشکیل پیش‌دبستانی مشارکتی

- ❖ تقویت و گسترش جنبش تعاونی والدین.
- ❖ ارتقای استانداردهای مطلوب.
- ❖ تشویق به آموزش مداوم برای والدین، معلمان و مدیران.
- ❖ ترویج تبادل اطلاعات بین تعاونی‌ها.
- ❖ همکاری با سایر سازمان‌های آموزشی برای ارتباط مؤثرتر خدماتی با والدین کودکان خردسال.
- ❖ مطالعه قوانین مربوط به سلامت و رفاه کودکان و خانواده‌ها.
- ❖ پیش‌دبستانی‌های بین‌المللی تعاونی والدین^۱ (PCPI)

بررسی اجمالی پیش‌دبستانی تعاونی

پیش‌دبستانی تعاونی یک سازمان غیرانتفاعی است که والدین و مراقبانی که آن جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را اداره می‌کنند. فرزند شما از یک تا سه روز در هفته (بسته به کلاس و سن او) در کلاس شرکت خواهد کرد. در کلاس‌های پیش‌دبستانی، والدین با کار به‌عنوان دستیار معلم، یک روز در هفته و شرکت در محیط آموزشی عملی کلاس، شرکای فعال در آموزش فرزندان خود می‌شوند.

مزایای پیش‌دبستانی تعاونی عبارت‌اند از:

- ❖ شهریه به‌نسبت کم؛
- ❖ فرصت کار مستقیم با کودکان (از جمله خودتان) در محیطی متناسب با نیازهای آن‌ها؛
- ❖ کشف راه‌های مثبت تعامل در خانواده؛
- ❖ ملاقات با خانواده‌های جدید و ایجاد روابط دوستانه؛
- ❖ یادگیری اطلاعات ارزشمند و به‌دست‌آوردن بینش و دیدگاه‌های متفاوت در مورد رشد کودک و موضوعات مرتبط با کودک (فرزندان) خود؛
- ❖ در نتیجه: با مشارکت مشتاقانه هر یک از اعضا، مدرسه و کودکان ما پیشرفت خواهند کرد.
- ❖ وقتی عضو پیش‌دبستانی مشارکتی می‌شوید، چه انتظاری دارید: هفته‌ای یک‌بار به‌عنوان دستیار معلم در کلاس‌ها کار کنید.
- ❖ در جلسات انجمن (چهار بار در سال، عصرها) و جلسات آموزش هفتگی والدین (در طول کلاس) شرکت کنید.
- ❖ در کار گروه (کمیته) پیش‌دبستانی منتخب شرکت کنید.
- ❖ در صورت نیاز از امکانات و لوازم پیش‌دبستانی نگهداری کنید.

❖ وظیفه اصلی هر تعاونی

والدین و فرزندان با دوستی‌هایی که در طول زندگی خود دارند، خانواده‌ای بزرگ تشکیل می‌دهند. والدین احساس مسئولیت‌پذیری

کودک و رسانه

کودکان بومی دنیای دیجیتال

▽
سمیه مهدی

دکترای تکنولوژی آموزشی
کارشناس پیش دبستانی

■ اشاره

کودکان قبل از ورود به مدرسه و شروع آموزش رسمی نیازمند آموزش‌هایی هستند تا مهارت‌های لازم را برای زندگی اجتماعی کسب کنند؛ مهارت‌هایی نظیر تفکر و حل مسئله؛ دست‌ورزی؛ کلامی و ارتباطی. در این مسیر، مربیان به کمک والدین می‌آیند و برای رشد همه‌جانبه کودکان قدم بر می‌دارند. این مربیان برای موفقیت در آموزش و پرورش کودکان به آگاهی از ویژگی‌ها و ترجیح‌های آنان و توانمندی در زمینه استفاده از فناوری‌های آموزشی نیازمندند. به همین دلیل در این مطلب به ترجیح‌های نسل زد (Z) و بایدهایی که مربیان باید به آن‌ها توجه کنند، پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها:

بومیان دیجیتال، نسل Z،
فناوری‌های نوین

آموزش به کودکان

بر اساس مخروط تجربی ادگار دیل که در سال ۱۹۴۶ ارائه شد و بر اساس آن درصد موفقیت فعالیت‌ها در یادگیری بیان شده است، می‌دانیم، هر اندازه فعالیت یادگیرنده را مستقیم‌تر درگیر کند، یادگیری آن بهتر اتفاق می‌افتد. آقای ادگار دیل فعالیت‌های عینی‌تر، یعنی همان‌هایی را که برای کودکان با تفکر عینی مفیدتر است، در قاعدهٔ هرم آورده است.



به عبارت دیگر، فعالیت‌های مناسب برای یادگیری بهتر کودکان فعالیت‌هایی هستند که بتوان به‌صورت واقعی تجربه کرد؛ یعنی کودک در معرض مشاهده و تجربه و آزمایش قرار گیرد و از طریق آن بیاموزد. حال در دنیای واقعی، بسیاری از تجربه‌ها، به دلیل خطراتی که دارد، هزینه‌ای که بر یاددهنده تحمیل می‌کند و شرایط دیگر، به‌صورت واقعی قابل اجرا نیستند. آن زمان است که فناوری‌های نوین به کمک یاددهنده می‌آیند. فناوری‌هایی که برای یادگیرندگان نسل Z جذاب و قابل اعتمادند و انواع متنوعی دارند.

استفاده از فناوری در آموزش کودکان

چرا مربی باید از فناوری‌های متفاوت استفاده کند؟ استفاده از فناوری در کلاس به مربیان کمک می‌کند ابزارهای بیشتری برای پشتیبانی از یادگیری کودکان در دست داشته باشد. همچنین، کودکان با استفاده از فناوری به یادگیرندگانی فعال تبدیل می‌شوند؛ یادگیرندگانی که در فرایند یادگیری مشارکت دارند و با تجربهٔ موقعیت‌های ایجادشده، عمیق‌تر یاد می‌گیرند.

سومین فایدهٔ استفاده از فناوری، مختص خود مربیان است؛ مربیانی که از فناوری‌های متنوع در کلاس‌های خود استفاده می‌کنند، صلاحیت‌های حرفه‌ای‌شان ارتقا می‌یابد و می‌توانند با کیفیت و اثربخشی بیشتری به فعالیت آموزشی بپردازند. آگاهی از این فایده‌ها کمک می‌کند مربیان با علاقه و انگیزه بیشتری از فناوری‌ها استفاده کنند. اما در این بین نکتهٔ حائز اهمیت، آگاهی از انواع فناوری‌ها

نسل جدید نسلی است که زندگی‌اش با رسانه‌های دیجیتال اشباع شده است. احتمالاً شما نیز واژهٔ بومیان دیجیتال را شنیده‌اید. بومیان دیجیتال با نسل قبل خود که مهاجران دیجیتال بودند و به دنیای فناوری مهاجرت کرده‌اند، متفاوت هستند. سبک یادگیری این نسل تغییر کرده و از متن به تصویر تغییر جهت داده است. به‌طور کلی، بومیان دیجیتال رسانه‌هایی را ترجیح می‌دهند که به جای استفادهٔ صرف از متن، از گرافیک استفاده کنند. از نظر بومیان دیجیتال، تصویرها و گرافیک‌ها جذاب‌تر از متن عمل می‌کنند (اکسایر، دوندر و اکسایر، ۲۰۱۶).

تاپ اسکات (۲۰۰۹) در کتاب «بزرگ‌شده با دیجیتال» بیان می‌کند، نسل‌های اینترنتی در مقایسه با تمام نسل‌های دیگر، اطلاعات را به شکل متفاوتی دریافت می‌کنند. این افراد بیشتر رویکرد دیداری دارند و به علائم و سایر نمادهای دیداری بازخورد می‌دهند و صرفاً اطلاعاتی را دریافت می‌کنند که لازم دارند.

این نسل دوست دارند یادگیری‌شان از طریق انجام‌دادن باشد تا از طریق گوش‌دادن به معلم یا خواندن از روی کتاب. به نظر می‌رسد، آموزش و تدریس به سبک‌های گذشته برای یادگیرندگان نسل فعلی جوابگو نیست. زندگی نسل جدید چنان با رسانه‌های دیجیتال اشباع شده است که بدون استفاده از آن نمی‌توان به دنیایشان وارد شد. با این مقدمه، به نظر می‌رسد طبیعت آموزش باید به‌طور اساسی تغییر یابد تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای یادگیرندگان عصر دیجیتال باشد.

شاید تصور کنید موارد گفته‌شده برای دانش‌آموزان و دانشجویان صدق می‌کنند، ولی اگر به رفتارها و ترجیح کودکان زیر هفت سال دقت کنید، متوجه می‌شوید آن‌ها نیز نسبت به کودکان نسل‌های گذشته تفاوت‌هایی در علاقه‌ها و خواسته‌هایشان ایجاد شده‌اند. برای مثال، این روزها اگر کودکی در سن دو یا سه‌سالگی را ببینید که به‌راحتی با گوشی همراه والدینش ارتباط برقرار می‌کند، صفحه‌ها را باز می‌کند، تصویرها را نگاه می‌کند و می‌تواند تصویر موردنظرش را بیابد، تعجب نمی‌کنید.

این شرایط به ما گوشزد می‌کنند که در آموزش این کودکان باید طور دیگری برنامه‌ریزی کنیم. البته قبل از این هم آموزش کودکان، به دلیل اینکه تفکر انتزاعی در آن‌ها شکل نگرفته است و مطالب باید به‌صورت عینی به آن‌ها منتقل شود، تفاوت‌هایی با آموزش دانش‌آموزان داشت. ولی به نظر می‌رسد در حال حاضر بیشتر از گذشته نیازمند استفاده از فناوری‌های متنوع برای آموزش این بومیان کوچک دیجیتال هستیم.

کوچک دیجیتال آن‌قدر صبور نیستند که ساعت‌ها به مریبی وقت بدهند تا موضوعی را آموزش دهد. مریبی برای ارائه آموزش به کودک، حداکثر بین ۵ تا ۱۰ دقیقه فرصت دارد. اگر در این زمان نتواند آموزش خود را ارائه دهد، توجه و تمرکز کودک را از دست داده است.

همچنین فراموش نکنیم، بومیان دیجیتال می‌توانند توجه خود را به‌طور هم‌زمان روی چند موضوع تقسیم کنند و چند فعالیت را با هم انجام دهند. به‌طور مثال، کاردستی درست کنند و در حین آن به قصه مریبی یا وب‌آوا گوش دهند و ایده‌های خود را در مورد آن بیان کنند.

نکته آخر آنکه، تعامل چهره به چهره و ارائه بازخورد به این گروه بسیار مهم است و حتی با استفاده از فناوری‌های نوین نمی‌توانیم از این مهم غافل شویم.

و نحوه استفاده از آن‌هاست. نیاز است مربیان انواع فناوری‌ها را بشناسند و با اطلاع از ویژگی‌های هر یک، برای فعالیت‌های آموزشی و تربیتی خود، از فناوری متناسب و مفید استفاده کنند.

برخی از این فناوری‌های نوین که مربیان می‌توانند بر اساس شرایط کلاس و امکانات موجود از آن‌ها استفاده کنند، عبارت‌اند از: فضاهای ابری؛ تخته‌های تعاملی؛ ویدئوها و فیلم‌های آموزشی؛ وب‌آواهای (پادکست‌های) صوتی؛ بازی‌های تعاملی دیجیتال و شبیه‌سازی؛ واقعیت مجازی و واقعیت افزوده. البته اگر فناوری را به معنای استفاده از ابزارها، دستگاه‌ها و دانش برای دستیابی به هدف بدانیم، نمونه‌های بسیار بیشتری را می‌توانیم نام ببریم.

یادمان باشد...

در آموزش کودکان باید مواردی را به یاد داشته باشیم. اول اینکه بومیان

منابع

۱. ایزی، مریم (۱۳۹۸). تدوین و اعتباریابی الگوی طراحی آموزشی برای بومیان دیجیتال مبتنی بر سبک‌های یادگیری و سبک تدریس ترجیحی آنان. رساله دکتری تکنولوژی آموزشی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
2. Akcayer, M. Dundar, H. and Akcayir, G. (2016). What makes you a digital native? Is it enough to be born after 1980? Computers in Human Behaviour 60.
3. Tapscott, D. (2009). Grown up digital: McGraw-Hill Education Boston.



کودک و تربیت

مبانی و اصول حاکم بر تربیت کودک

نویسنده:
سمیه مهتدی

■ مقدمه

انسان موجودی است که بی‌نهایت استعداد دارد، وجودش مملو از قوانین گوناگون است، قانونمند و هدف‌دار است و در یک نظام هماهنگ خلقی، در ارتباط معنادار با پدیده‌های این نظام، زندگی می‌کند. او در آینده باید انسانی مسئولیت‌پذیر شود، یک انتخاب احسن داشته باشد و فرد فعالی باشد که به‌صورت پیوسته و مستمر در حال بالندگی و شدن باشد. قطعاً در آینده با حادثه‌های گوناگون مواجه می‌شود و باید مشکلات را پشت سر هم حل کند. به همین دلیل، در تربیت او باید تکلیف خودمان را با او روشن کنیم. اگر از او توقع داشته باشیم قشنگ حرف بزند، قشنگ راه برود و انتظارات ظاهری ما را ادا کند، به او ظلم کرده‌ایم. شاید مدتی منطبق با خواسته‌های ما حرکت کند، ولی وقتی از ما جدا شد، با انتخاب‌های خودش زندگی می‌کند. زیرا وی موجودی انتخاب‌گر است و با انتخاب خود مسیر زندگی‌اش را تعیین و انتخاب می‌کند. به همین دلیل، باید در او قدرتی ایجاد کنیم که در مقابل حوادث و مشکلات، اولاً عقب‌نشینی نکند، و ثانیاً بتواند بهترین نوع موضع‌گیری را داشته باشد. لذا باید او را در بستر زمان در موقعیت‌های گوناگون مورد توجه تربیتی قرار دهیم. لازمه چنین توجهی آن است که انسان را بشناسیم و نوع رابطه خودمان را با او درک کنیم. همچنین، این انسان شناخته‌شده را در بستر زمان طوری انتظام و شکل دهیم که وقتی به بلوغ عقلی رسید و خواست انتخاب نهایی زندگی‌اش را انجام دهد، به انتخاب احسن برسد.



◀ شخصیت‌های انسان

انسان دو نوع شخصیت دارد: شخصیت بیرونی و شخصیت درونی. شخصیت بیرونی همان است که با آن در جامعه زندگی و با دیگران معاشرت می‌کند. این شخصیت تابع شرایط عرفی و ظاهری جامعه است و هر انسانی، چون دنبال مقبولیت اجتماعی می‌گردد، خودش را هم‌رنگ شرایط بیرونی جامعه می‌کند. به‌طور کلی، ژستی که فرد در جامعه می‌گیرد، از شخصیت بیرونی وی حکایت می‌کند. شخصیت بیرونی گاهی صادق است و گاهی کاذب. زمانی که با شخصیت درونی‌اش که حامل فرهنگی است و خودش انتخاب کرده است هماهنگ باشد، صادق است و زمانی که برخلاف آن بایدها و نبایدهای مورد اعتقاد خودش حرکت کند، کاذب است. شخصیت درونی همیشه صادق است. شخصیت درونی حامل فرهنگی است که خود فرد انتخاب کرده و به آن انس گرفته است و تابع بایدها و نبایدهای آن است. بایدهای آن را به‌طور جدی دنبال و از نبایدهای آن پرهیز و دوری می‌کند.

◀ وظیفهٔ مربی

اگر با انسانی روبه‌رو شدیم که باورهای غلطی دارد و به استناد آن باورها کنش‌ها و واکنش‌هایی را از خود بروز می‌دهد، وظیفهٔ مربی اصلاح اوست. ولی اگر با فردی روبه‌رو شدیم که متعادل بود، وظیفهٔ مربی ارتقای اوست. لذا ما دو هدف داریم: یکی متعالی‌زیستن و دیگری متعالی‌شدن به‌صورت دائمی. برای اینکه فرد را به سمت تعادل ببریم، باید او را اصلاح کنیم. ناهنجاری‌هایش را از بین ببریم. بیماری‌های رفتاری‌اش را از بین ببریم. ذهنیت و زاویهٔ دیدش را تغییر دهیم تا آرام‌آرام به فرهنگ اصیل و مستندی برسد که رفتار و کنش و واکنش‌هایش عوض شوند و به سمت تعادل برود. و وقتی متعادل شد، ما او را به سمت تعالی دعوت کنیم. یعنی او را تقویت کنیم تا بتواند بنیه‌های خیلی خوب شخصیتی پیدا کند و در مقابل پلشتی‌ها و زشتی‌های جامعه و آلودگی‌های اخلاقی محکم بایستد و از حریم شخصیت خوب خودش دفاع کند.

کلمهٔ اصلاح را وقتی به کار می‌بریم که می‌خواهیم فرد را متعادل کنیم. در جامعه‌ای که نامتعادل است، از کلمهٔ اصلاح استفاده می‌کنیم و می‌گوییم می‌خواهیم فرد را اصلاح کنیم. اما در جامعه‌ای که متعادل است، از کلمهٔ ارتقا استفاده می‌کنیم. یعنی سعی می‌کنیم بنیه‌های درونی فرد را چنان قوی کنیم که او را متعادل‌زیستن در او تثبیت شود و ثابا بتواند به‌صورت پیوسته و مستمر در مسیر متعالی‌شدن دائمی حرکت کند.

◀ مربع شخصیت انسان متعادل

برای آنکه بتوانیم شخصیتی متعادل از کودک ارائه

دهیم، یعنی اگر بخواهیم ورودی شخصیت کودکی که به کودکستان آمده است، با خروجی او تفاوت داشته باشند، یک مربع را فرض می‌کنیم به‌عنوان مربع شخصیت انسان متعادل؛ یعنی انسانی که می‌خواهد خودش را واقع‌بینانه و بر اساس آرمان‌های اصیل و مستند و جامع التزام بخشد. این مربع چهار ضلع یا هدف دارد:

هدف اول «استقلال و شخصیت» است. کودک باید با کرامتی که خدا برای وی تعریف کرده است بزرگ شود. خدا برای انسان شخصیت قائل است. کرامت و عزت قائل است. حق نداریم کودک را تحقیر کنیم. باید در جهت قوام‌بخشیدن به شخصیت او قدم برداریم. تلاش جدی و خالصانه کنیم تا شخصیت کودک حفظ شود. نباید در معاشرت با او کاری کنیم که تحقیر شود. بلکه باید روزبه‌روز احساس تشخص کند. البته باید مراقب باشیم دچار آفت افراط و تفریط نشویم. به‌طور مثال، ممکن است در لوی اینکه می‌خواهیم به او شخصیت بدهیم، او را به خودشیفتگی و غرور و تکبر برسانیم که اینجا ناهنجاری پدید می‌آید. باید از طریق قصه‌هایی که برایش تعریف می‌کنیم، نوع تعامل و برخوردهای صادقانه‌ای که با او داریم، انتقادهای بجایی که از او می‌کنیم، خوبی‌ها و صفت‌های مثبتی که از او تعریف می‌کنیم و هویت زیبایی که از او به خودش نشان می‌دهیم، آرام‌آرام از آلودگی‌ها دورش کنیم و او را به شخصیت قوام‌یافته‌ای برسانیم که دیگران به راحتی نتوانند به بازی‌اش بگیرند. البته مرتبه‌ای از این شخصیت و استقلال را در دوران کودکی می‌توانیم در کودک ایجاد کنیم.

هدف دوم «حریت و آزادمنشی» است. یعنی کودک باید به نقطه‌ای برسد که در دورهٔ نوجوانی و جوانی از غیر خدا آزاد شود. وقتی انسان از غیر خدا آزاد شود، دیگر تحت تأثیر جاذبه‌های غلط قرار نمی‌گیرد. در مرتبهٔ پایین‌تر و رقیق‌تر و در دورهٔ پیش‌دبستان کودک باید حق جو شود. دنبال حقیقت باشد و با هر چه غیر حقیقت است مخالفت کند. حق جو و حق بین و حق شنو باشد و اگر چیزی مخالف با حق بود، نپذیرد. کودکی که به هدف دوم رسیده باشد، دروغ را نمی‌تواند بپذیرد و با صداقت زندگی می‌کند. در این مرحله باید انتقادپذیری را ی یاد بگیرد. چون مقاومت در مقابل انتقاد شایسته، یعنی خودخواهی با حریت نمی‌سازد. انسانی از حریت و آزادمنشی برخوردار است که حق محور و خدامحور باشد. انسان خدامحور دیگر ظلم نمی‌کند، وارد قلمروی ممنوعه نمی‌شود و دیگر دنبال آشفته‌گی‌های اخلاقی نیست، بلکه دنبال محاسن اخلاق و مکارم اخلاق است.

سومین هدفی که در دوره‌های گوناگون تحصیلی، به‌ویژه در دورهٔ پیش از دبستان باید به آن توجه کنیم و به مرتبه‌هایی از این هدف برسیم، «ایجاد قدرت تحلیل حوادث زندگی» در کودک است. یعنی کودک از هر حادثه و پدیده‌ای نگذرد و یاد بگیرد چگونه با آن برخورد کند. در گیرشدن انسان با مشکلات جزو سنت‌های

لایتغیر الهی در این نظام هستی است. خداوند ابتلا و آزمایش خودش را به صورت دائمی در زندگی انسان جاری می کند تا چند اتفاق در ساختار شخصیتی وی پدید آید. یک، به ضعف های خود پی ببرد و نقطه ضعف های خود را بشناسد. دومین اثر بلا و حادثه در زندگی انسان، رشد استعداد های پنهان وی است. انسان استعداد های پنهان زیاد دارد که در حوادث به شکوفایی می رسند. خدا به عنوان مربی حوادثی در حريم زندگی انسان قرار می دهد تا او موضع گیری کند. کودک باید یاد بگیرد در مقابل حادثه ها موضع بگیرد. این کودک در آینده جوانی برومند می شود و باید بتواند در مقابل حوادث زندگی اش موضع گیری کند؛ البته آرام آرام و رقیق شده. الان باید مرتبه ای از این موضع گیری ها را یاد بگیرد. باید قدرت تفکرش رشد کند. باید یاد بگیرد هر حادثه ای را تحلیل کند. در تحلیل باید مشکل را بشناسد و متناسب با آن شناخت، در جهت دریافت و کشف راه حل تلاش کند. البته تحلیل درست از مشکل و حادثه نیازمند فکر درست و اطلاعات و معلومات درست، معیار درست و مبانی درست است که باید آرام آرام در قالب قصه و بازی و صحنه هایی که کودک دوست دارد، به وی آموزش دهیم. چهارمین هدف، «تعامل فعال عاطفی با محیط پیرامونی» است. کودک باید به والدینش عشق و علاقه داشته باشد. این عشق و علاقه از دو حوزه نشئت می گیرد: یکی حوزه غرایز و دیگری هم حوزه انتخاب. گاهی کودک پدر و مادر را دوست دارد، ولی در حد غریزه. آن ها را به عنوان محبوب خود انتخاب نکرده است. چون با آن ها زندگی می کند، بینشان رابطه ای قوی ایجاد شده است. ولی این ملاک نیست. باید کمک کنیم تعامل فعال عاطفی در کودک، نسبت به والدینش و در والدین نسبت به کودک، متعالی شود. نیاز است کودک دیگران، به خصوص والدین و مربی خود، را دوست بدارد. اگر والدین و مربی از محبوبیت خوبی نزد فرزندشان برخوردار باشند، حرفشان نافذ است و می توانند الگوی خوبی برای کودک باشند. به خصوص قبل از بلوغ عقلی، کودکان در جامعه باز امروز به تکیه گاه ویژه ای نیاز دارند.

◀ استفاده از مربع انسان متعادل

چهار ضلع استقلال و شخصیت، حریت و آزادمنشی، قدرت تحلیل حوادث زندگی و بالاخره تعامل عاطفی با جامعه، اهداف ما برای تعامل با انسان هستند. این انسان در موقعیت کودکان همین اهداف را به صورت رقیق شده دارد و در دوره های ابتدایی و متوسطه همین اهداف را غلیظ شده و نظام مند و با چارچوبی دقیق تر، متناسب با سن، دارا می شود.

قطر های این مربع را می کشیم. قطر ها در یک نقطه وسط مربع همدیگر را قطع می کنند و چهار مثلث متساوی الاضلاع یا متساوی الساقین به وجود می آید.

این چهار مثلث یک نقطه کانونی وسط دارند. هر کسی در دوره کودکی خودش، بر حسب فرهنگی که به آن اعتقاد دارد، غلط یا درست، باید آن نقطه کانونی را محور قرار دهد. اگر فرهنگ ما اسلامی است و ما با فرهنگ الهی که مستندترین و دقیق ترین فرهنگ برای تربیت کودکان است زندگی می کنیم، باید اعتقادمان را در نقطه مرکز تلاقی این قطرها بنویسیم. فرهنگ ما فرهنگ اسلام و قرآن و عترت است؟ فرهنگ انتظار است؟ فرهنگ معرفت دینی است؟ خب، همان جا در نقطه وسط آن را می نویسیم. یعنی ایدئولوژی و فرهنگی که به آن اعتقاد داریم، در رأس هر مثلث قرار دارد. قاعده یک مثلث، استقلال و شخصیت است و رأس آن اسلام. یعنی این استقلال و شخصیت باید هویتش را زیر چتر اعتقاد فرهنگی ما که اسلام است آشکار کند. قاعده مثلث دیگر حریت و آزادمنشی است، ولی زیر چتر رأس مثلث که همان اسلام است. قاعده مثلث سوم قدرت تحلیل حوادث زندگی است که زیر چتر فرهنگ اسلام به وجود می آید و قاعده مثلث آخر، تعامل فعال عاطفی با جامعه، به خصوص والدین و مربیان، است. اینجا است که کودک هم باید این تعامل را از طریق آن رأس مثلث که به قاعده اشراف دارد، به دست بیاورد.

سخن پایانی

یادمان باشد، شخصیت کودک مهم تر از ظاهرش است. باید ارزش ها را در دل او بکاریم نه در ظاهر او. دهقان خوب شخصی است که بذر را در دل خاک قرار می دهد تا به جوانه و رشد پیوسته برسد. اما اگر آن ها روی خاک را رها کند، توهم می کند که بذر پاشیده است و چند روز دیگر به محصول خوبی خواهد رسید. او به محصولی نمی رسد، چون باد که بیاید، همه دانه ها را پراکنده می کند. یا کلاغ ها می آیند و دانه ها را برمی چینند و می برند. اما اگر دانه به دل خاک رفت، خاک هم در تعامل پیوسته کمک می کند تا آن را به شکوفایی برساند.

باید قلب کودکان را نشانه بگیریم و روی قلب کودکان کار مهندسی تربیتی انجام دهیم تا آن ها به شکوفایی تربیتی برسند. و اگر خواستیم روی قلب کار کنیم، باید بدانیم که داریم روی شخصیت درونی او کار می کنیم. پس روی استقلال او حساب باز کنیم تا نفوذناپذیر شود و دیگر دشمن نتواند روی او سرمایه گذاری کند. روی حریت و آزادمنشی او کار کنیم تا انتقاد پذیری را یاد بگیرد. حق جویی را یاد بگیرد. با توجه به اینکه حوادث در زندگی انسان در آینده به صورت پیوسته وجود دارند، او باید یاد بگیرد چگونه به حل مسئله بپردازد. باید تحلیل مسئله را یاد بگیرد و بالاخره تعامل عاطفی درست و مستند و اصیلی با جامعه داشته باشد تا بتواند هم خودش زندگی کردن را خوب یاد بگیرد و هم آن را به دیگران یاد بدهد.



راهنما

قصه و قصه‌گویی برای کودکان پیش دبستانی

حدیث بابا احمدی

دانشجوی آموزش پیش دبستانی
دانشگاه علوم توانبخشی

■ تأثیر قصه بر کودکان

داستان و قصه نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. از طریق قصه‌ها و داستان‌های خوب، کودک به بسیاری از ارزش‌های اخلاقی پی می‌برد. پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امیدواری، آزادگی، جوانمردی، طرفداری از حق و حقیقت، و استقامت در مقابل زور و ستم ارزش‌هایی هستند که هسته مرکزی بسیاری از قصه‌ها و داستان‌ها را تشکیل می‌دهند. پرورش حس زیبایی‌شناسی در کودک، متوجه ساختن کودک به دنیایی که اطرافش را فرا گرفته، پرورش عادت‌های مفید در کودک، تشویق حس استقلال طلبی و خلاقیت کودک هدف‌های اصلی طرح قصه‌های خوب برای کودکان است (نامداری و همکاران، ۱۴۰۰).

کلیدواژه‌ها:

قصه، کودک، قصه‌گویی، انتخاب صحیح



قصه‌گوهای مبتدی و تازه‌کار به‌زودی متوجه می‌شوند، زمانی را که برای رسیدن به این مرحله از رشد سپری کرده‌اند، سرمایه‌گذاری مفیدی بوده است. آماده‌کردن ذهن و بیان در ارائه موفقیت‌آمیز یک قصه مهم‌ترین متغیر به‌شمار می‌آید. بدون این انتخاب و آماده‌کردن بسیار دقیق، قصه‌گو نباید انتظار به‌دست‌آوردن یک تجربه موفق را داشته باشد.

■ جمع‌بندی

در هر قصه ماجرابی پیگیری می‌شود که نقاط مجهولی دارد و می‌تواند حس کنجکاوی بچه‌ها را برانگیزد. پشت سر هم بودن و پیوستگی منطقی صحنه‌های قصه کودک را سرگرم می‌کند و به ذهن او نظم منطقی می‌دهد. کودک به کمک قوه تخیل خود را جایگزین یکی از شخصیت‌های قصه می‌کند و به این ترتیب شادمانی و لذت را نصیب خود می‌سازد. با خواندن قصه و بازگویی آن، نیروی بیان و تکلم کودک رشد می‌یابد و گنجینه لغت‌ها و اطلاعات وی غنی می‌شود. کودک از طریق قصه‌های مناسب با مشکلات و مسائل زندگی آشنا می‌شود و مهارت‌های اجتماعی بیشتری به دست می‌آورد. قصه‌گویی فاصله میان قدرت «خواندن» و قدرت «درک کردن» را در کودک پر می‌کند. به عبارت دیگر، آن دسته از کودکان که در دوره پیش از دبستان به قصه‌ها گوش داده‌اند و با صداها، واژه‌ها و معنای آن‌ها به‌صورت شنیداری آشنا شده‌اند، در سنین مدرسه و با برخورد با شکل نوشتاری کلمه‌ها، معنی آن‌ها را سریع‌تر درک می‌کنند.

■ انتخاب قصه‌های مناسب

مسئله انتخاب قصه، با توجه به انبوه موادی که در اختیار قصه‌گوست، به‌ویژه برای قصه‌گوهای تازه‌کار و مبتدی، مشکلی اساسی است. حتی بهترین و برجسته‌ترین قصه‌گوهای حرفه‌ای هم قادر به گفتن هر داستانی نیستند. قصه‌گو قهرمانان خود را از قصه‌هایی می‌سازد که با شخصیت خاص و سبک او متناسب باشند. قصه‌گوی تازه‌کار ابتدا باید بکوشد ویژگی‌های شخصیت و سبک گویش خود را ارزیابی کند. سپس از خودش بپرسد: «چه نوع داستان‌هایی را می‌توانم مؤثر و خوب بیان کنم؟ چگونه می‌توانم شخصیت خود را با قصه هماهنگ کنم تا هر دو بتوانیم با شنونده ارتباط برقرار کنیم؟».

پس از آنکه قصه‌گو کار انتخاب را تمام کرد، وارد مرحله آماده‌کردن داستان برای گفتن می‌شود که از مهم‌ترین گام‌هایی است که در جهت به‌کارگرفتن فن قصه‌گویی برداشته می‌شود. قصه‌گو باید به خاطر داشته باشد که کار او از برکردن یا از رو خواندن نیست، بلکه کار او قصه‌گفتن است که مانند تجربه‌ای یگانه باقی می‌ماند. از برکردن قصه غالباً نخستین مانعی است که راه سیر طبیعی و خودانگیخته یک قصه‌گویی موفق را سد می‌کند.

قاعده درست این است که هرگز نباید داستانی را برای «گفتن» به خاطر سپرد، بلکه با توجه به ساختمان قصه، به‌خاطر سپردن طرح آن کافی است. انتخاب و آماده‌کردن داستان، نخستین گام‌ها در راه پیشبرد هنر قصه‌گویی هستند و هنر قصه‌گویی بر آن‌ها استوار می‌شود.

منابع

۱. اصغری، اخوان؛ جوبنه، محمد و قاسمی (۱۳۹۷). «تأثیر روش قصه‌گویی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان مبتلا به نشانگان داون». فصلنامه سلامت روان کودک. شماره ۵.
۲. بابایی، علی؛ صالحی شبلیزی، مسعود؛ کیانیان، الهام (۱۳۹۹). «مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق شن‌بازی و از طریق قصه‌گویی در کاهش پرخاشگری کودکان ۵-۶ ساله دارای رفتارهای پرخاشگرانه شهر اهواز». مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد. شماره ۶۳.
۳. حجتی، حمید و غلامی، سعید (۱۳۹۸). «تأثیر قصه‌های قرآنی بر خودپنداره کودکان دبستانی». مجله طب مکمل. شماره ۹.
۴. نامداری، عالی و دستجردی کاظمی، آمنه (۱۴۰۰). «مقایسه تأثیر قصه‌گویی شفاهی و پرده‌خوانی بر روایت‌های کودکان دختر پیش‌دبستانی». نشریه نقد ادبی. شماره ۵۳.
5. Brondani, J. P., & Pedro, E. N. R. (2019). The use of children's stories in nursing care for the child: an integrative review. *Revista Brasileira de Enfermagem*, 72, 333-342.
6. Craveiro, C. C. P., Paracampo, C. C. P., & Albuquerque, L. C. D. (2019). Effects of justifications presented in children's stories on students following descriptive rules. *Trends in Psychology*, 27, 219-232.



آموزش و یادگیری



«های اسکوپ» برنامه درسی و نقد آن

فاطمه نور محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی

دکتر سیامک طهماسبی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم توان بخشی و

سلامت اجتماعی

اشاره

«های اسکوپ»^۱ یک رویکرد یادگیری فعال است که در آن بچه‌ها به‌طور مستقیم با افراد، اشیاء، حوادث، عقاید و وسایل متفاوت مواجه می‌شوند و شخصاً آن‌ها را تجربه می‌کنند. «های اسکوپ» یک رویکرد آموزشی نوین ویژه کودکان سه تا شش سال است که در سال‌های اخیر مورد توجه متخصصان علوم رفتاری و آموزشی قرار گرفته است. به‌کارگیری این رویکرد به سن، جنس یا بهره هوشی بستگی ندارد و در هر نقطه دنیا قابل اجراست. از این شیوه می‌توان در مدرسه‌های دولتی و غیردولتی، شیرخوارگاه‌ها، مدرسه کودکان استثنایی و مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست استفاده کرد (میرمحمدی، ۱۳۹۴). در این مقاله به عوامل اصلی یادگیری فعال در رویکرد های اسکوپ، کاربرد این رویکرد و نقد آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها:

های اسکوپ، کودکان پیش دبستانی،

نقد های اسکوپ

عوامل اصلی یادگیری فعال در رویکرد های اسکوپ چیست؟

در محیط «های اسکوپ» ما به بچه‌ها کمک می‌کنیم در سفر یادگیری فعال خود از این پنج عامل اصلی بهره‌مند شوند:

۱. **مواد کار:** تهیه و خرید انواع متفاوت از مواد جالب برای بازی بچه‌ها.

۲. **انجام دادن با دست:** دادن فرصت و اجازه به بچه‌ها برای کشف و کار کردن با عناصر به روش خودشان.

۳. **انتخاب:** دادن حق انتخاب به بچه‌ها تا مواد موردنظر خود را بردارند و آن گونه که تمایل دارند، به کار ببندند.

۴. **زبان:** فراهم آوردن امکان صحبت کودکان درخصوص آنچه انجام می‌دهند و انجام داده‌اند. تأثیر آن در یادگیری آن‌ها منعکس می‌شود. آن‌ها دانش جدید را به کار می‌برند و با دیگران ارتباط می‌گیرند.

۵. **حمایت:** صحبت کردن بزرگسالان با بچه‌ها در این خصوص که چه کاری انجام می‌دهند. این عمل موجب حمایت از تلاش‌های کودکان می‌شود و آن‌ها کار خود را توسعه می‌دهند. همچنین بزرگسالان در بازی به بچه‌ها می‌پیوندند و در حل مشکلات از آن‌ها حمایت می‌کنند (عبدالملکی و بیاتی، ۱۳۹۷).

به کارگیری رویکرد «های اسکوپ» در سال‌های پیش از دبستان

♦ **آموزش ریاضی در رویکرد های اسکوپ**
آموزش ریاضی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های آموزشی برای

کودکان در مراکز مبتنی بر رویکرد های اسکوپ است. در این رویکرد مفهوم‌ها و مهارت‌های پایه ریاضی را از طریق آموزش مستقیم به کودکان انتقال نمی‌دهند، بلکه می‌کوشند برداشت کودک را از روابط موجود بین قضیه‌ها در چارچوب‌های منطقی، به کشف راه‌حل‌های مختلف رهنمون شوند.

در رویکرد های اسکوپ در آموزش ریاضی به کودکان، هم به مهارت‌ها و هم به فرایندها توجه می‌شود. با این آگاهی که یادگیری مهارت‌ها و مفهوم‌های ریاضی فقط به واسطه کار فعال کودک و ارتباط مستقیم او با اشیاء امکان‌پذیر است. به همین دلیل ریاضی از طریق کار فعال یا به کمک اشیاء آموزش داده می‌شود. بدین ترتیب مهارت‌هایی مانند آشنایی با عددها، شمارش، طبقه‌بندی، ردیف‌بندی، مجموعه‌سازی و آشنایی مقدماتی با کلیت‌ها را با کودکان کار می‌کنند و می‌کوشند کودکان را با مهارت‌هایی مانند پیش‌بینی، تخمین‌زدن و یافتن راه‌حل آشنا کنند.

از آنجا که ریاضی جایگاه ویژه‌ای در مراکز مبتنی بر رویکرد «های اسکوپ» دارد، تقریباً هر روز یک ساعت با کودکان ریاضی کار می‌شود.

♦ آموزش علوم در رویکرد های اسکوپ

بسیاری از مفهوم‌های پایه علوم و ریاضی با هم مشترک هستند و آموزش علوم نیز جایگاه مهمی در رویکرد های اسکوپ دارد. آموزش علوم فرایندی است که کودک را یاری می‌دهد از طریق کشف محیط پیرامون و قوانین موجود در آن به نتیجه‌گیری و استدلال دست یابد. کار درباره چرایی، چگونگی، تغییر، تبدیل، علیت، و ... بخشی از آموزش علوم است.

رویکرد های اسکوپ برای آموزش مهارت‌های اصلی علوم بر این فرایندهای علمی متمرکز است: مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات؛



طبقه‌بندی؛ و آزمایش شامل اندازه‌گیری، تجزیه و تحلیل، پیش‌بینی، کنترل تغییرات، اجرا، گزارش و نتایج. در رویکرد های اسکوپ در دوره پیش‌دبستانی، اگرچه روی تقویت حواس پنج‌گانه بسیار کار می‌شود، اما مفهومی‌هایی مانند محیط، شکل و ساختار، انرژی، تغییرات و شکل‌های متفاوت زندگی و موجودات زنده نیز با کودکان کار می‌شوند (پورمؤید و یزدخواستی، بی‌تا).

نقدهای های اسکوپ

وقتی متخصصان آمریکایی برای اولین بار با الگوی پیازه^۲ آشنا شدند (۱۹۶۰)، این پرسش‌ها را مطرح کردند که: «آیا می‌توان به رشد سرعت داد؟ آیا می‌توان آن را تسهیل کرد؟ آیا می‌توان کاری کرد که کودکان زودتر به دوره انتزاعی برسند؟»

الگویی که بنیاد های اسکوپ بعد از تحقیق ۲۷ ساله خود نشان داد، بر اساس الگوی اقتصادی بوده است: «شش سال سرمایه‌گذاری کن و شصت سال بهره ببر.» و یا: «با یک دلار سرمایه‌گذاری می‌توان هفت دلار صرفه‌جویی کرد.» این ذهنیت و برنامه‌ریزی فقط از متخصصان تعلیم و تربیت آمریکایی برمی‌آید. حتی معلمان و کارشناسان انگلیسی، آلمانی و یا فرانسوی نیز تا این حد توانایی تبدیل کردن آموزش و پرورش به تجارت و بازار را ندارند.

نکته‌ای که بارها پیازه در یادداشت‌های خود به‌طور صریح مطرح کرده، «آموزش‌ناپذیری مراحل رشد» است. یعنی ما نمی‌توانیم از طریق آموزش اصولاً شکلی از یادگیری را به وجود بیاوریم. از آنجا که یادگیری برای پیازه تابعی از رشد است، تا زمانی که تحول روانی سیر منطقی خود را طی

نکند و کودک به ابزارهای شناخت مجهز نشود، یادگیری رخ نخواهد داد. بدین ترتیب تلاش برای تسهیل و یا سرعت‌دادن به این مسیر روندی غیرعقلانی است. در حالی که الگوی های اسکوپ بر این اساس کار خود را آغاز کرد که با توجه به الگوی رشد روانی که از سوی پیازه مطرح شده است، زمینه‌های این رشد را تسهیل کند و به کودکان فرصت بدهد با سرعت بیشتری از این مراحل بگذرند. به عبارت دیگر، تناقضی آشکار بین این الگو و مبانی دیدگاه پیازه وجود دارد.

الگوی های اسکوپ الگویی کاملاً فردی و تک‌محوری مبتنی بر موفقیت فردی و پیش‌رفتن کودک به هر بهایی است. موفقیت فردی، اگرچه موجب اتفاق‌های خوشایندی در حوزه علم، هنر، ورزش، اقتصاد، سیاست و ... می‌شود، اما به همان اندازه خطراتی را نیز به وجود می‌آورد. چون همین افراد به منظور موفقیت فردی و یا ملی خود می‌توانند آسیب‌های غیرقابل جبرانی به سایر انسان‌ها و یا جوامع دیگر بزنند. ذکر این نکته ضروری است که در حال حاضر رشد فردگرایی یکی از معضلات جوامع امروز است (یوسفی، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

کودکانی که با این روش آموزش می‌بینند، در بزرگسالی معمولاً احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند، در موقعیت‌های اقتصادی فرصت بیشتری دارند، در برقراری ارتباط با دیگران موفق‌ترند، روحیه انتقاد و نقدپذیری بیشتری دارند، و همچنین در حل مشکلات رویکردی منطقی و غیراحساسی را پیش می‌گیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. High Scope
2. Jean Piaget

منابع

۱. میرمحمدی، زهرا. (۱۳۹۴). «فردا را به من بسپار!». مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی، دوره هفت، شماره یک، پاییز.
۲. برزین، شیرین. (۱۳۹۱). «کودک فعال، یادگیری فعال». مجله رشد آموزش پیش‌دبستان، دوره سوم، شماره ۳، بهار.
۳. پورمؤید، سحر و یزدخواستی، علی (بی‌تا). آموزش به روش «های اسکوپ». نشریه دانشگاه کاشان.
۴. عبدالملکی، صابر، بیاتی، مهدی (۱۳۹۷). واکاوی اصول و عوامل یادگیری فعال رویکرد آموزشی های اسکوپ در دوره پیش از دبستان. اولین کنفرانس بین‌المللی و پنجمین کنفرانس ملی آموزش و سلامت کودکان پیش از دبستان.
۵. شایگان‌دوست، سعید (۱۳۹۲). برنامه آموزشی «های اسکوپ». مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی، دوره پنجم، شماره ۲۰.
۶. یوسفی، ناصر (۱۳۸۸). رویکردهای آموزشی. انتشارات کارگاه کودک. تهران.





راهنما

آسیاب‌بین

کبری مالمیر

مربی و مدرس بازی‌های نمایشی

■ اشاره

«نمایش بی کلام» یک بازی‌سازی بدون متن و فقط با حرکت‌هاست که در موقعیت خلق می‌شود و آن را می‌توان به صورت یک نفره، دو نفره یا گروهی اجرا کرد. اجرای بدون کلام مبتنی بر حرکت‌های بدنی (زبان بدن) و چهره (میمیک) طراحی می‌شود و دقت شرکت‌کنندگان را به پیام‌های زبان بدن و چهره بالا می‌برد. ابتدا بهتر است از موقعیت‌های اجتماعی و موضوع‌های اطراف کودکان استفاده کرد (مانند انجام کارهای مربوط به نظافت). در مرحله بعدی می‌توان به سراغ ایده‌های تخیلی‌تری رفت. ولی از آنجا که زبان بدن و حالت چهره بر اساس رفتار اجتماعی معمول قابل شناسایی است، امکان دارد ارائه موضوع‌ها خیلی فانتزی و تخیلی با این فن (تکنیک) برای کودکان پیش‌دبستانی چندان مفهوم نباشد. پس بهتر است از ارائه موضوع‌های تفننی و تخیلی با این فن اجتناب کنیم. نمایش بی کلام موجب تقویت تمرکز کودکان و افزایش ایمنی و اعتماد بین آن‌ها می‌شود، زیرا آزادانه احساس‌ها و فکرهايشان را بروز می‌دهند که موجب آرامش در خلق و خوی آن‌ها می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

نمایش بی کلام، نمایش خلاق، کودکان پیش‌دبستانی، ایده و تخیل



گروهی که می‌خواهند احساس و هیجانی را نشان دهند، می‌توانند علاوه بر بازی‌سازی نمایش بی‌کلام، از تصویرها یا ماسک‌هایی که در گروهشان ساخته می‌شود هم استفاده کنند

در شماره قبل در بخش مقدمه تعریف‌هایی از نمایش بی‌کلام، ویژگی‌های آن، اینکه چرا از نمایش بی‌کلام به‌عنوان تمرینی مفید در کارگاه نمایش‌خلاق استفاده می‌شود، مطالبی ارائه کردیم. در این شماره به ادامه این تمرینات توجه بفرمایید. نمونه‌هایی دیگر از بازی‌های نمایشی که ساختار نمایش بی‌کلام دارند:

♦ بازی آسیاب بچرخ

کودکان دایره‌وار بایستند. شعر «آسیاب بچرخ» را بخوانند و هر کودکی به‌عنوان یک آسیاب در همان جای خودش بچرخد و جواب شما را بدهد.

مری: آسیاب بچرخ.

همه: می‌چرخم (۲ مرتبه).

مری: آسیاب بشین.

همه: می‌شینم.

مری: آسیاب پاشو.

همه: پا نمی‌شم.

مری: جون بابا جون.

همه: پا نمی‌شم.

مری: جون مامان جون.

همه: پا نمی‌شم.

مری: جون ... (یک شیء در کلاس).

همه: پا می‌شم.

مری: آسیاب مسواک بزنه.

یعنی کودکان باید نمایش بی‌کلام مسواک‌زدن را نمایش دهند. مری در هر دور بازی از آسیاب‌ها تعدادی کار می‌خواهد. کارهای خواسته شده می‌تواند بر اساس موضوع کلاس باشد؛ مثلاً: «عصبانی بشود، چون ...» یا: «باد شدید شود و بین لباس‌ها بوزد» یا: ...

نکته: اگر از کودکان خواسته شود که نمایش بدهند و اگر مورد نمایش داده شده صدا هم داشته باشد، از آن‌ها خواسته می‌شود اگر دوست دارند صدای آن را هم تقلید کنند؛ مثلاً حیوانات اهلی یا وحشی، یا نمایش دادن کار با وسایل بهداشتی یا نمایش دادن خود وسایل بهداشتی و ...

♦ ادای مرا در بیاور

کودکان دور دایره‌ای بایستند و برای شروع یک نفر را انتخاب کنید. او عملی را به‌صورت نمایش بی‌کلام انجام می‌دهد؛ مثلاً گودالی می‌کند. کسی که عمل او را فهمیده است، خواهد گفت: «آره بیایم یه گودال بکنیم.» سپس کل کلاس ادای گودال‌کندن را در می‌آورند. فردی که به آن پی برده است، پس از اجرای همگانی باید اجرای یک نمایش بی‌کلام جدید را شروع کند. بازی با حدس‌زدن بقیه بچه‌های کلاس ادامه پیدا می‌کند. کلاس تنها وقتی می‌تواند یک حرکت جدید را

شروع کند که حرکت قبلی را کشف و اجرا کرده باشد. هرگاه کسی سعی دارد حرکت را حدس بزند، باید با این عبارت شروع کند: «آره بیایم ...»

♦ نمایش صورت

کودکان را بر اساس اجزای صورت تقسیم‌بندی کنید، به‌طوری که در هر گروه یک نفر بینی، دو نفر چشم راست و چپ، دو نفر دو ابرو، یک نفر دهان و لب‌ها باشند. دو گروه مقابل هم قرار بگیرند. یک گروه با مشورت هم احساسی را نشان دهند و گروه صورت باید آن را نمایش بدهند. مثلاً در عصبانیت یا خستگی، حرکت ابروها و ... را نشان دهند که چطور هستند.

گروهی که می‌خواهند احساس و هیجانی را نشان دهند، می‌توانند علاوه بر بازی‌سازی نمایش بی‌کلام، از تصویرها یا ماسک‌هایی که در گروهشان ساخته می‌شود هم استفاده کنند.

♦ نمایش فعل‌ها

یک سلسله فعل‌هایی را نام ببرید و از کودکان بخواهید تصویر ذهنی را که از آن فعل‌ها دارند، اجرا کنند؛ مانند رسیدن، کشیدن (ممکن است کسی نقاشی بکشد و دیگری طناب بکشد)، بستن، قایم‌شدن، افتادن، دوختن، گم‌شدن، خندیدن به ...، کشیدن، پاره‌کردن، لذت‌بردن، دوست‌داشتن و ... برای گروه‌های سنی پایین‌تر، از فعل‌های ساده‌تر و فعل‌هایی که تجربه عملی بیشتری با آن‌ها دارند، استفاده کنید.

♦ هر پارچه‌ای

کودکان دور دایره‌ای بایستند. تکه پارچه‌ای را به آن‌ها نشان بدهید و از آن‌ها بخواهید پارچه را به چیزی تبدیل کنند. سپس بپرسید که چیست. پارچه از فردی به فرد دیگر منتقل شود و هر کودکی ایده‌ای را به نمایش بگذارد. مراقب باشید که ایده‌ها تکراری نباشند. تکرار دفعه‌های این بازی به تعداد کودکان بستگی دارد. هرچه تعداد کودکان کمتر باشد، تعداد دفعه‌های بازی با پارچه برای هر کودک بیشتر می‌شود. رد و بدل کردن پارچه می‌تواند به ترتیب نشستن کودکان دور دایره باشد یا اینکه هر کودکی پس از اجرای خودش، پارچه را به هر کودکی بدهد که تمایل دارد.

برخی از مواردی که با پارچه می‌توان نمایش داد عبارت‌اند از: فرش، فرش جادویی، پرچم، پتو یا زیرانداز پیک‌نیک و انواع لباس.

♦ دسته‌بندی

با کودکان در مورد دسته‌بندی گفت‌وگو کنید و از آن‌ها بخواهید تا جایی که می‌توانند به چیزهایی فکر کنند که در

حمام کردن یا مسواک زدن. او حرکت را نمایش می‌دهد و رو به نفر دوم در صف قرار می‌گیرد و روی شانه او ضربه می‌زند تا رو به روی هم قرار بگیرند. کودک اول موضوع نمایش بی‌کلام را تقلید می‌کند و وقتی کودک دوم متوجه موضوع نمایش شد، سر تکان می‌دهد و همان نمایش بی‌کلام را اجرا می‌کند. کودک دوم نیز موضوع نمایش بی‌کلام را برای کودک بعدی تقلید می‌کند و به همین ترتیب تقلید تا نفر آخر در صف ادامه می‌یابد.

نکته جالب این است که حرکت و موضوع نمایش بی‌کلام در طول خط تغییر می‌کند و موجبات خنده و تفریح را در کلاس فراهم می‌آورد. این بازی را می‌توانید با موضوع‌های دیگر هم اجرا کنید، نشان دادن یک شغل یا احساسات، ولی مراقب باشید حرکات برای کودکان پیچیده و غیرقابل فهم نباشد.

◀ یک درخت رشد می‌کند (نمایش بی‌کلام روایی)

از کودکان بخواهید در کلاس هر کدام برای خودشان جایی را انتخاب کنند و طوری قرار بگیرند که از هم فاصله داشته باشند و به راحتی حرکت کنند. باید با استفاده از حرکات‌های بدن و حالت صورت (میمیک و بدون حرف زدن) داستانی را که روایت می‌کنید، مرحله به مرحله اجرا کنند. تمرکز اصلی در اینجا بر ایجاد تجربه حسی واقعی بر اساس تخیل است. داستان را حتماً آهسته و با مکث‌های مناسب روایت کنید تا کودکان بتوانند در حین اجرای داستان، اکتشافات فیزیکی خود را به‌طور کامل تجربه کنند. همچنین بتوانند روایت را به

یک دسته‌بندی خاص قرار می‌گیرند. بازی با این جمله شما شروع می‌شود: «من به انواع میوه‌ها فکر می‌کنم.» سپس کف بزنید و اسم میوه‌ای را بگویید. نفرات بعدی همین کار را انجام بدهند و نام میوه خود را بگویند. پس می‌شود: (کف، کف) «نارنگی»، (کف، کف) «توت‌فرنگی»، (کف، کف) «موز»، (کف، کف) «هندوانه» و ... هر کودک بعد از شنیدن نام میوه نفر قبلی خود، فوراً دو بار پا بکوبد، دو بار کف بزند و میوه‌ای را نام ببرد.

در روش دیگری از این بازی، با گفتن هر نام به تعداد بخش‌های آن نام، ضربه‌هایی با کف دست زده شوند. مثلاً برای سیب یک‌بار و برای گلابی که سه‌بخشی است، سه‌بار کف زده می‌شود (گ، لا، بی). در این روش هم هر کودک بعد از شنیدن نام میوه نفر قبلی خود، فوراً دوبار پا بکوبد و دو بار کف بزند و نام میوه خود را بگوید. کودکانی که مکث زیادی دارند تا نوبت خود را انجام بدهند، یا نام میوه را فراموش کنند، یک دور از بازی خارج می‌شوند.

این بازی را می‌توان با نام حیوانات اهلی یا وحشی یا نام گل‌ها نیز انجام داد. قبل از بازی نام‌ها را با کودکان تمرین کنید.

◆ شبیه من نمایش بده

کودکان در یک خط مستقیم طوری بایستند که نفر اول رو به جلو و بقیه پشت به او در صف قرار بگیرند. هیچ‌کدام از کودکان مجاز به صحبت در هیچ نقطه‌ای از بازی نیستند. به اولین نفر یک حرکت نمایش بی‌کلام نشان بدهید؛ مثلاً



نمایش بی‌کلام قاصدک

نمایش بی‌کلام باران

مرور نمایش بدهند. نیازی نیست بین روایت داستان تأکید کنید که چه نقش‌هایی را باید نمایش بدهند یا اینکه چگونه نمایش بدهند. مثلاً در حین تعریف خط اول نگوید: «...دانه در زیر زمین...» خوب بچه‌ها دانه بشین ... این طوری...» روایت را به ترتیب زیر بگویند:

◀ شما یک دانه سیب هستید که محکم در غلاف دانه سخت خود فشرده شده‌اید و زیر زمین سرد قرار دارید.
◀ زمستان است و شما به سختی بیدار شده‌اید. بالای سر شما، برف زمین را پوشانده است. زیر زمین کاملاً تاریک است.
◀ حالا بهار است. زمین اطراف شما کمی گرم‌تر شده است. شما کم‌کم بیدار می‌شوید. برف بالای سر شما ذوب و زمین اطراف شما خیس می‌شود. حس خوبی دارید. زمین گرم‌تر می‌شود و با بیرون آمدن تن می‌خواهید این گرما را نشان بدهید.

◀ وقت آن است که از غلاف بذر خود بیایید. احساس می‌کنید قوی و پرنرژی هستید. با استفاده از تمام قدرت خود، به غلاف بذرتان فشار می‌آورید؛ مانند پرندۀ که از تخم بیرون می‌آید. شما با پیچک‌های خود به سمت بالا می‌روید و به زمین گرم می‌رسید. زمین اطراف شما مرطوب است و شما در رطوبت حیات غوطه‌ور هستید. شما نمی‌دانید چرا، اما می‌دانید که می‌خواهید به سمت بالا فشار بیاورید.
◀ سرانجام با یک فشار عالی از خاک بیرون می‌آید و برای اولین بار خورشید را می‌بینید!

◀ انرژی خورشید به‌سوی شما سرازیر می‌شود و احساس می‌کنید قوی‌تر و قوی‌تر می‌شوید. شما به سمت بالا و بیرون کشیده می‌شوید تا زمانی که به یک نهال سالم تبدیل شوید. باران‌های ملایم بهاری شما را تغذیه و شاداب می‌کنند. فقط یک لحظه از آن لذت ببرید.
◀ اینجا مکث بیشتری کنید.

◀ حالا بزرگ‌تر شده‌اید و یک نهال جوان قوی هستید. کم‌کم به یک درخت سیب قوی و زیبا تبدیل می‌شوید. زیر آفتاب ایستاده‌اید و از قدرت و زیبایی خودتان لذت می‌برید.
◀ حالا پاییز است و در تمام شاخه‌های قوی خود تعداد زیادی سیب دارید. از سنگینی سیب‌ها شاخه‌های قوی شما خم شده‌اند و احساس می‌کنید ممکن است بشکنند.

◀ چند بچه به سمت شما می‌آیند. شما نمی‌توانید با آن‌ها صحبت کنید، اما می‌دانید که برای چیدن سیب‌های شما آمده‌اند. آن‌ها دارند می‌خندند و آواز می‌خوانند. بچه‌ها سیب‌های شما را می‌چینند و شاخه‌های شما سبک و سبک‌تر می‌شوند. آن‌ها مشغول خوردن سیب‌های شما هستند. بعضی از آن‌ها مشغول کاشتن دانه‌های درون سیب‌های شما هستند تا به درختان سیب جدیدی تبدیل شوند.
◀ تقریباً همه سیب‌های شما از بین رفته‌اند. اما می‌دانید

که سال آینده بیشتر رشد خواهید کرد. شما از آن بچه‌ها سپاسگزار هستید. شما امیدوارید که آن‌ها از خوردن سیب لذت ببرند.

◀ (اینجا مکث بیشتری کنید.) حالا زمستان است. همه برگ‌هایتان ریخته‌اند تا به خواب زمستانی بروید، اما می‌دانید که بهار آینده بیشتر رشد خواهید کرد. حالا وقت استراحت است: «استراحت کن ...» و پایان.

بعد از اینکه داستان تمام شد، از کودکان درباره تجربه احساسی‌شان سؤال کنید. در سؤال‌های خود روی «چه احساسی داشتی؟» تمرکز کنید؛ مانند:

– وقتی برای اولین بار غلاف بذر را شکستید چه احساسی داشتید؟

◀ وقتی برای اولین بار خورشید را دیدید چگونه بودید و چه کار کردید؟

◀ تبدیل شدن به یک درخت تنومند بزرگ چه احساسی داشت؟

◀ وقتی بچه‌ها سیب‌های شما را چیدند چه احساسی داشتید؟ و ...



◆ آینه آینه

کودکان دوبه‌دو روبه‌روی هم و در حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتی‌متر از هم بایستند. یکی الگو و دیگری آینه می‌شود. کودک در نقش الگو حرکت‌هایی (حرکت‌های ساده‌ای از کمر به بالا) انجام دهد و کودک در نقش آینه باید همان حرکت‌های الگو را تکرار کند؛ درست مانند یک آینه. به آن‌ها آموزش دهید، هنگام بازی به جای اینکه به دستانشان نگاه کنند، به چشمان یکدیگر نگاه کنند. به مرور زمان و در جلسه‌های بعد حرکت‌های پایین‌تر را هم به آن اضافه کنید.

◆ آینه و ساز

قبل از اجرای بازی، موسیقی یا صدایی را با کودکان انتخاب کنید. کودکان مانند شیوه قبل دوبه‌دو قرار بگیرند و شما با فاصله دورتر، رو به آینه‌ها قرار بگیرید و حرکتی را نمایش بدهید. بازی مثل قبل شروع شود، با این تفاوت که وقتی موسیقی یا صدای تعیین‌شده پخش شد، کودکان باید حرکت‌های شما را تقلید کنند، نه حرکت‌های رهبر گروه خودشان را. در هر دور بازی، حرکت‌های شما تغییر کنند. حرکت‌های جدیدی داشته باشید و در عین حال حرکت‌های شما متفاوت از حرکت‌های رهبران گروه‌ها باشند. می‌توانید به جای پخش موسیقی قرار بگذارید که با گفتن کلمه «آینه» کودکان آینه شما بشوند.

◆ شمارش عددها

دور یک دایره قرار بگیرید و همه تا ۷ بشمارید، در حالی که یک دست خود را به سمت بالا و پایین تکان می‌دهید. به عدد ۷ که رسیدید، دست دیگران را بالا بیاورید و با هر دو پاتان روی زمین بکوبید و کل بدن را تکان بدهید. دور بعد بازی را با شمارش تا عدد ۶ تکرار کنید و دور بعد تا عدد ۵. آن قدر بازی را ادامه دهید که به عدد ۱ برسید. این شیوه را هم می‌توانید با پخش موسیقی اجرا کنید.

◆ ظرف میوه

نام میوه‌ها را بخوانید و هر دو یا چهار کودک (بستگی به تعداد کودکان کلاستان دارد) یک میوه را انتخاب کنند. کودکان دور دایره قرار بگیرند و یک نفر (یا خود شما) وسط بایستد. نام هر میوه‌ای را خواندید، کودکانی که آن میوه هستند باید جایشان را با هم عوض کنند و نفر وسط باید سعی کند جای یکی از آن‌ها را بگیرد. اگر موفق شد، کودکی که جایش گرفته شده است به وسط دایره می‌آید. در غیر این صورت بازی تا گرفتن جا ادامه دارد. چنانچه کودک وسط توانست جایی را بگیرد، نامش نام همان میوه خواهد شد. در دور بعدی بازی می‌توانید دو دسته نام داشته باشید. مثلاً

وقتی نام میوه‌ای خوانده شد، افرادی که نام آن میوه را دارند جایشان را با هم عوض کنند و اگر گفته شد ظرف میوه (یا باغ میوه) همه کودکان باید جایشان را با هم عوض کنند. این بازی را می‌توان با نام‌های دیگر هم اجرا کرد؛ مانند نام حیوانات اهلی یا حیوانات وحشی، و یا نام گل‌ها.

◆ از من مجسمه بساز

کودکان را به گروه‌های دو نفره تقسیم کنید. با اعلام شروع، یکی از آن دو نفر باید مجسمه شود و اجازه بدهد کودک مقابل با تغییر دادن حرکت‌ها در اعضای بدن، موضوعی را که مربوط به گروهشان بود، نمایش بدهد؛ مثلاً نشان دادن یک آدم‌برفی یا یک درخت و یا ... سپس جای دو نفر در تمام گروه‌ها عوض و بازی دوباره اجرا شود. کودکان باید در سکوت و بدون صدا موضوع را نمایش بدهند.

می‌توانید موضوع‌های هر گروه را جداگانه اعلام کنید، به‌طوری که بقیه گروه‌ها متوجه نشوند. سپس بقیه کودکان کلاس باید موضوع مجسمه هر گروه را تشخیص بدهند که چه بوده است.

موضوع گروه‌ها متناسب با موضوع کلاس نمایش خلاق است. مثلاً به هر گروه یک احساس گفته شود. نفرات هر گروه بدون اینکه از هم تقلید کنند و مجسمه‌شان تکراری باشد، باید آن احساس را نمایش بدهند. اگر تعداد کودکان کلاس زیاد است، یا تعداد هر گروه را بیشتر کنید، و یا یک احساس را به دو یا سه گروه به‌طور مشترک بگویید؛ بدون اینکه گروه‌ها از موضوع یکدیگر اطلاع داشته باشند.

برخی موضوع‌های دیگر مناسب برای این تمرین موضوع حیوانات، گیاهان، پوشاک، وسایل نقلیه، کمک به والدین، یا کمک به دوستان هم‌کلاسی است. موضوع هر گروه می‌تواند طوری باشد که کودکان آن گروه به کمک هم و دوتایی آن موضوع را نمایش بدهند؛ مثل نمایش دادن خشم، یا موتورسواری، یا پوشیدن شلوار، یا مسواک‌زدن یا ... البته در این گونه از اجراها کودکان می‌توانند مجسمه نباشند و کار و شکل آن موضوع را هم نمایش بدهند؛ مثل مسواکی که در حال تمیز کردن دندان یک بچه است و...

منابع

1. Kid activities.net, Pantomime Ideas and Games, January 5, 2019 by Tony
2. Imaginative pantomim Games for kids, june 29, 2022//by Eileen Zagac.
3. Drama Notebook.com, pantomime activities, 2021
4. Trinity College London. Drama games and pantomime:A resource for teachers. 2019
5. Dramatrunk.com, pantomime activities, 2022
6. Drama trunk45 Drama Games for little kids. 30 free Drama



مهارت اجتماعی

شوق یادگیری از کودکی

+++

کیمیا عسگری

کارشناس تکنولوژی آموزشی

منیژه طالبیان

دانشجوی کارشناسی ارشد

روان‌شناسی بالینی

مریم حسین زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد

علوم تربیتی

در یکی از روزهای فصل پاییز، آقای عبداللهی، مربی (کوچ) عملکرد دبستان، از ما مربیان پیش‌دبستان (کیمیا عسگری، منیژه طالبیان و مریم حسین‌زاده) خواست که با هم گفتگویی داشته باشیم. ایشان در حین صحبت اشاره داشت که: «قرار است در شیوه برگزاری جلسه‌های شورای معلمان مدرسه مهرگان تغییراتی اعمال شود. به این منظور در شورای معلمان نشست (سمپوزیوم) در پایان هر ماه از سال تحصیلی اجرا شود. اولین نشست هم پیشنهاد می‌کنم شما مربیان دوره پیش‌دبستانی برگزار کنید.»

قدری گیج شده بودیم. زیر چشمی به هم نگاهی انداختیم. نشانه‌های ترس و اضطراب از چهره و رنگ رخساره‌هایمان هویدا بود. شاید پرسید چرا؟ بی‌شک این ترس چند دلیل داشت: یکی اینکه هیچ اطلاعاتی در مورد این نشست و شیوه اجرای آن نداشتیم. دیگر اینکه اولین تیم مجری نشست بودیم و به احتمال زیاد شیوه اجرای ما چراغ راه دیگر تیم‌ها می‌شد. این خود مسئولیت بزرگی بود که به ما سپرده بودند و قدری از بابت این مهم نگران بودیم. اگر ما مسیر را اشتباه می‌رفتیم، ممکن بود دیگر تیم‌ها از ما الگو بگیرند و آحاداً همین مسیر نادرست را طی کنند.

کلیدواژه‌ها:

آموزش پیش‌دبستانی، شوق یادگیری،

آموزش مربی، نقشه ذهنی

در همین اندیشه‌ها سیر می‌کردیم که پس از تفکر، تأمل و گفت‌وگو، روی موضوعی جدید و جذاب با عنوان «شوق یادگیری» اتفاق نظر پیدا کردیم. چرا که ما مربیان پیش‌دبستانی معتقد بودیم و هستیم: اگر در این دوران که یکی از بهترین دوران عمر و زندگی نوآموزان است، نتوانیم شوق یادگیری را رقم بزنیم و نهال یادگیری را بکاریم، بی‌شک این دیوار تا ثریا کج خواهد رفت و ...

در همین هنگام چشم تیزبین و عقاب‌گونه یکی از ما مربیان به کتابی با همین عنوان در کتابخانه مدرسه افتاد. درست مانند کودکی که چیزی را کشف کرده باشد، چنان ذوق زده شدیم که نگو و نپرس. آن را از لابه‌لای کتاب‌ها بیرون کشیدیم. در همان صفحه‌های اولیه کتاب، شعر بسیار زیبایی سهراب سپهری، «عبور باید کرد و هم‌نورد افق‌های دور باید شد و گاه در رگ یک حرف خیمه باید زد» نظرم‌ان را به خود جلب کرد. با خود گفتیم این همان محتوایی است که به دنبالش بودیم.

طی دوره‌های حضوری و غیرحضوری که با خودمان داشتیم، مطالب این کتاب و چند مقاله را دسته‌بندی کردیم تا اینکه به درک مطلب و فهم واحد رسیدیم. در ادامه، تقسیم وظایف صورت پذیرفت و هر کدام از ما وظایف خود را انجام می‌دادیم و یکدیگر را در جریان فعالیت‌هایمان می‌گذاشتیم. نکته جالب این بود که هر کدام از ما درباره شوق یادگیری، تجربیات زیسته‌ای در کلاس داشتیم که به عنوان واسطه‌ها و چاشنی‌های آموزشی به مطالب افزودیم.

به دلیل کاربردی بودن محتوا در دوره ابتدایی، به‌ویژه برای نوآموزان، دائماً به دنبال مطالب جذاب، نو و قابل استفاده در مدرسه و ... می‌گشتیم و جست‌وجوی ما ادامه یافت. هر چه جلوتر می‌رفتیم، از یک سو عطش ما برای اجرا و از سوی دیگر اضطراب ما بیشتر و بیشتر می‌شد. چون همان طور که اشاره کردیم، ما اولین تیم اجراکننده در مدرسه بودیم و تاکنون چنین تجربه‌ای نداشتیم. به همین خاطر از آقای عبداللّهی درخواست کردیم یک هفته دیگر به ما فرصت دهد تا به آمادگی بیشتری برسیم.

شروع کار کمی دشوار به نظر می‌آمد و برایمان چالش‌برانگیز بود. پس از موافقت آقای عبداللّهی، تصمیم گرفتیم برای تبادل اندیشه‌هایمان با ایشان نشست مجددی داشته باشیم. وقتی کارمان پیشرفت می‌کرد، محتوا برایمان جذاب و جذاب‌تر می‌شد. خیلی چیزها در دوره‌های خودمان آموختیم. به عنوان نمونه، یکی از بهترین نکات آموزشی که یاد گرفتیم، «نقشه ذهنی» بود. در این نشست‌ها متوجه شدیم نقشه ذهنی نقشه‌ای است با محوریت یک موضوع و بازوهای متفاوت. هر یک از بازوها به تنهایی موردی را بیان می‌کند که با مرکز نقشه در ارتباط است. با این یادگیری و کشف مفهوم تصمیم گرفتیم که هر یک از موضوع‌های ما در یک بازو در نقشه ذهنی قرار گیرد.

تا اینکه روز شنبه خواستنی فرا رسید. برای شکستن یخ جلسه و شروع جذاب تصمیم گرفتیم یک پویانمایی

(انیمیشنی) با موضوع «شوق رسیدن» به نمایش بگذاریم. البته از همکاران خواستیم که در پایان به این سؤال پاسخ دهند که از فیلم چه برداشتی داشته‌اند. پس از نمایش، سکوت محض سالن همایش مدرسه را فرا گرفت. بعد گفت‌وگوهای اولیه درباره محتوای پویانمایی یخ جلسه را آب کرد.

از شواهد و زبان بدن همکاران می‌شد فهمید تا حدود زیادی موفق شده‌ایم که در گام اول، درصدی از شوق یادگیری را مطرح کنیم. اما این تازه اول راه بود. در همین حس و حال بودیم که یکی از همکاران پیشنهاد کرد، برای اینکه شادی بیشتری در جلسه حاکم شود، بازی کنیم. به دلیل متناسب بودن خواسته‌شان با موضوع نشست، دعوتشان را لبیک گفتیم و صندلی بازی را اجرا کردیم. کلی خندیدند و شادی کردند و با تشویق همکاران این بخش هم به پایان رسید. به ترتیب هر کدام از ما مربیان، متناسب با وظایف تقسیم‌شده، مطالبی را ارائه دادیم و برای توضیح از نقشه ذهنی که آماده کرده بودیم، بهره گرفتیم. این نقشه کارمان را برای ارائه بسیار راحت کرده بود.

برای جمع‌بندی و تکمیل آموخته‌های معلمان تصمیم گرفتیم دقایقی به معلمان فرصت دهیم تا به دو پرسش زیر پاسخ دهند:

- ۱ تجربه خود را از شوق یادگیری در کلاستان بنویسید.
- ۲ به عنوان مربی، راهکاری برای ایجاد شوق یادگیری در دانش‌آموزان بی‌انگیزه بیان کنید.

پاسخ‌های همکاران جمع‌آوری و تک‌تک نظرات قرائت شد. در انتها به چند نمونه از پاسخ‌ها اشاره می‌کنیم:
استفاده از نقشه ذهنی به عنوان یک رسانه نوین در فرایند یادگیری جذاب و جالب بود.

به جای توجه به انگیزه‌های بیرونی، از انگیزه‌های درونی بهره بگیرید و برای این کار به نیازهای مخاطب توجه کنید.

ما نباید به دانش‌آموزان انگیزه یادگیری بدهیم، بلکه باید در آن‌ها انگیزه ذاتی ایجاد کنیم.

توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و توجه به استعدادها هر فرد را در دستور کار خود قرار دهیم.
و در پایان این نشست را دوست داشتیم، زیرا:

- کاری نو و جدید بود.
- انگیزه مضاعفی در ما ایجاد کرد.
- توانستیم دانش و علم جدیدی را با همکاران خوبمان به اشتراک بگذاریم و برایمان از نظر روحی و روانی بسیار آرام‌بخش بود.

به دانسته‌هایمان مطالب جدیدی اضافه شد.
امید داریم با پشت‌سرگذاشتن این تجربه، در آموزش، تربیت و یادگیری کودکان خلاقیت بیشتری داشته باشیم و همیشه به شوق یادگیری فکر کنیم. به امید روزهایی که نوآموزان و دانش‌آموزان با شوق فراوان در کلاس درس حاضر شوند.



مدیریت

سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک

دکتر رخساره فضلی
عضو هیئت تحریریه

مقدمه

به منظور سامان‌دهی امور مرتبط با تعلیم و تربیت دوره کودکی و به استناد سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش، «سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک» با شخصیت حقوقی مستقل و به صورت مؤسسه دولتی وابسته به وزارت آموزش و پرورش شکل گرفت.

سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، متولی و مرجع انحصاری راهبری، سامان‌دهی، صدور مجوز، هدایت و نظارت بر امور، فرایندها، محتواها و منابع انسانی شایسته برای تعلیم و تربیت کودکان تا شش سال تمام در مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دستانی و سایر مراکز نگهداری و آموزش کودکان است. از تاریخ تشکیل این سازمان، مأموریت‌ها و وظایف آموزشی و تربیتی متناظر سایر دستگاه‌ها و نهادهای دولتی به این سازمان منتقل شدند.

کلیدواژه‌ها:

تعلیم و تربیت، کودک، مراکز پیش‌دستانی

با توجه به تبصره ۲ ماده ۵ اساسنامه سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک (مصوب جلسه ۸۳۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورخ ۷ اسفند ۱۳۹۹) و تصریح تطبیق و سامان‌دهی مجوزهای قبلی، همه مهدهای کودک، مراکز پیش‌دبستانی و سایر مراکز نگهداری و آموزش کودکان، در بخش دولتی، غیردولتی، عمومی و خصوصی که تحت هر عنوان فعالیت می‌کنند، مکلف شدند حداکثر ظرف مدت شش ماه، وضعیت خویش را با مقررات و دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان تطبیق دهند. آشفتگی وضعیت موجود در صدور مجوزهای متفاوت، غیردقیق و حتی نامعتبر، دسترسی‌نداشتن به اطلاعات یکپارچه، و به تبع آن، نبود نظارت و مدیریت متناسب، دستیابی به یک بانک اطلاعاتی معتبر و یکپارچه‌شدن نظام تعلیم و تربیت کودکان زیر هفت سال را ضروری کرده بود.

در این راستا از ابتدای مهرماه سال ۱۴۰۱، اقدامات ذیل برای ایجاد بسترهای انجام فرایند تطبیق مجوزها به صورت الکترونیکی برنامه‌ریزی و اجرا شدند:

۱. در خواست طراحی و تنظیم قرارداد سامانه؛
۲. تدوین شیوه‌نامه سامان‌دهی و مدیریت امور اجرایی کودکان؛
۳. برگزاری جلسه‌های توجیهی و تبیینی شیوه‌نامه برای اداره‌ها و مؤسسات؛
۴. طراحی قالب (فرمت) مجوزها و تابلوی مراکز؛
۵. جمع‌آوری امضای مدیران کل و ثبت در سامانه؛
۶. انعقاد تفاهم‌نامه با هسته گزینش؛
۷. بررسی خدمت فناور پایه و طراحی و پیاده‌سازی سامانه مورد نظر؛
۸. پیگیری و مکاتبه با دولت الکترونیک و درخواست وب‌سرویس‌های موردنیاز برای فرایند؛
۹. بررسی کارسازهای (سرورهای) موجود و تهیه کارساز اجاره‌ای مورد نیاز از وزارت فناوری و اطلاعات؛
۱۰. دریافت وب‌سرویس «شاهکار» و اتصال آن به سامانه؛

۱۱. انعقاد تفاهم‌نامه وب‌سرویس کدپستی؛
۱۲. ارتقای سامانه (پنل) پیامکی و بررسی جوانب آن؛

۱۳. طراحی الکترونیکی فرایند تأسیس حقیقی و حقوقی؛

۱۴. جمع‌آوری امضاهای مدیران کل و ثبت در سامانه؛

۱۵. بسترسازی برای دریافت تأییدیه‌های موردنیاز؛
۱۶. طراحی فرایند الکترونیکی تولید کارپوشه و ایجاد امکان دسترسی برای رابطان اداره کل و مدیران گزینش؛

۱۷. آموزش و ثبت‌نام رابطان؛

۱۸. پایش فرایند تطبیق مجوزها؛

۱۹. آموزش رابطان گزینش؛

۲۰. آغاز ثبت درخواست تطبیق مجوز تأسیس توسط متقاضیان؛

۲۱. برگزاری وبینارهای روزانه برای تمام استان‌ها؛

۲۲. ارائه راهکار و ایده برای تسهیل و سرعت‌بخشی به فرایند تطبیق؛

۲۳. سفر استانی و حضور در جلسه‌های پرسش و پاسخ رابطان؛

۲۴. پشتیبانی و پاسخ به سؤال‌های متقاضیان؛

۲۵. هماهنگی با نمایندگان مؤسسات؛

۲۶. ایجاد بستر آموزش برای نیروهای ستاد؛

۲۷. پایش فرایند تطبیق مجوزها؛

۲۸. تسهیل و پشتیبانی از فرایند گزینش؛

۲۹. سامان‌دهی پرونده‌های ارجاع‌شده حقوقی به ستاد؛

۳۰. توسعه سامانه؛

۳۱. تدابیر امنیتی حفظ سامانه و داده‌های آن؛

۳۲. جمع‌بندی و تحلیل تطبیق تأسیس.

با توجه به اینکه مجوزهای قبلی از سایر دستگاه‌های اجرایی (سازمان بهزیستی کشور و وزارت آموزش و پرورش) بدون یکپارچگی آمار، اطلاعات دقیق و بی‌رویه صادر شده بودند، برای جمع‌آوری بانک اطلاعاتی دقیق، اطلاعات مؤسسات از سازمان‌های مربوطه دریافت و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و فرایند تطبیق مجوز آغاز شد. مطابق آمار و اطلاعات دو سازمان مذکور، تطبیق ۲۱۰۰۰ مجوز برنامه‌ریزی شد، اما با در نظر گرفتن غیرمستندبودن این بانک اطلاعاتی، فرایند طوری طراحی شد که همه مؤسسات را پوشش دهد و مؤسساتی که از بانک اطلاعات سازمان خود جامانده‌اند، بتوانند وارد سامانه شوند. به این ترتیب، ثبت اطلاعات بیش از ۱۵ هزار مؤسس دارای سابقه که در بانک اطلاعات کشوری نبودند، محقق شد.

علی‌رغم نبود نمودار سازمانی در استان‌ها، تخصیص‌نداشتن پست فناوری در خود سازمان، کمبود نیرو (کارملی و عظیم سامان‌دهی و مدیریت امور کودکان‌ها با حضور کمتر از ۱۰ نفر انجام شد) و با وجود مشکلات فراوان، روز ۲۵ آبان، به دلیل نیاز شدید متقاضیان و ضرورت سامان‌دهی وضعیت موجود، از سامانه ثبت درخواست و صدور مجوز الکترونیکی سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، رونمایی و سامانه آماده ثبت درخواست متقاضیان شد. البته تا آماده‌سازی مدارک مورد نیاز توسط مؤسس، ثبت درخواست‌ها از دی ماه رسماً آغاز شد و شدت گرفت. همان‌طور که می‌دانید، هر سامانه به منظور بهبود جوانب، ملزم به پیمایش دوره آزمایشی است، لیکن به علت محدودیت زمانی، از طی کردن دوره آزمایشی اجتناب شد. موازی با این امر، فرایند احراز هویت رابطان سازمان در تمام منطقه‌ها و



هر سامانه به منظور بهبود جوانب، ملزم به پیمایش دوره آزمایشی است، لیکن به علت محدودیت زمانی، از طی کردن دوره آزمایشی اجتناب شد





با توجه به جدید و
منحصر به فرد بودن
این روش کار در
آموزش و پرورش،
بین مؤسسات
اقدامات زیادی
برای فرهنگ سازی
خدمت
الکترونیکی،
پاسخ گویی و
رسیدگی به
پرونده‌ها، و انجام
تطبیق صورت
گرفت



استان‌ها پیگیری شد و برای ۸۲۰ نفر دسترسی و آموزش کار با سامانه، به منظور سازمان‌دهی پرونده‌ها و طی کردن روند فرایند تطبیق مجوز صورت گرفت. خدا را شکر این همت عالی و تلاش جهادی در کمتر از دو ماه با صدور اولین مجوز در دهه فجر به ثمر نشست. در این محدوده زمانی، با توجه به جدید و منحصر به فرد بودن این روش کار در آموزش و پرورش، بین مؤسسات اقدامات زیادی برای فرهنگ سازی خدمت الکترونیکی، پاسخ گویی و رسیدگی به پرونده‌ها، و انجام تطبیق صورت گرفت. پاره‌ای از اقدامات به شرح زیر بوده‌اند:

۱. ارائه گزارش‌های روزانه از تعداد ورود به سامانه و وضعیت پرونده‌ها به استان‌ها، به منظور آگاهی بیشتر آن‌ها و تسریع روند فرایند؛
۲. بررسی مشکلات متقاضیان به صورت لحظه‌ای و ارائه راهنمایی‌های مورد نیاز در قالب‌ها و روش‌های متفاوت؛
۳. تشکیل گروه مجازی آموزشی و توجیهی برای رابطان؛
۴. تولید و ارائه آموزش‌های چند رسانه‌ای ویژه متقاضیان و رابطان؛
۵. طراحی فرایند ارتباط با کارشناسان (امکان ثبت و دریافت پاسخ تیکت) ویژه متقاضیان و رابطان؛
۶. ثبت اساسنامه و آیین‌نامه، و اعلام زمان پایان تطبیق در سامانه شفاف و مردمی دولت و پایگاه اطلاع رسانی قوانین و مقررات کشور؛
۷. طراحی و ایجاد پیام صوتی کد تأییدیه ورود به سامانه، برای جبران خطاهای مخابراتی کاربرهای (اپراتورهای) پیام‌رسان؛

۸. توسعه سرور و افزونه‌های زیرساختی مورد نیاز در زمان‌های اوج مراجعه و کار با سامانه در سه نوبت؛

۹. ثبت نام اولیه ۱۱۰۰ مؤسس روستایی و مناطق محروم که از ثبت نام و دریافت کد رهگیری ناتوان بودند؛

۱۰. اطلاع رسانی کامل و طراحی روز شمار پایان تطبیق تأسیس به منظور اطلاع رسانی به مؤسسات؛

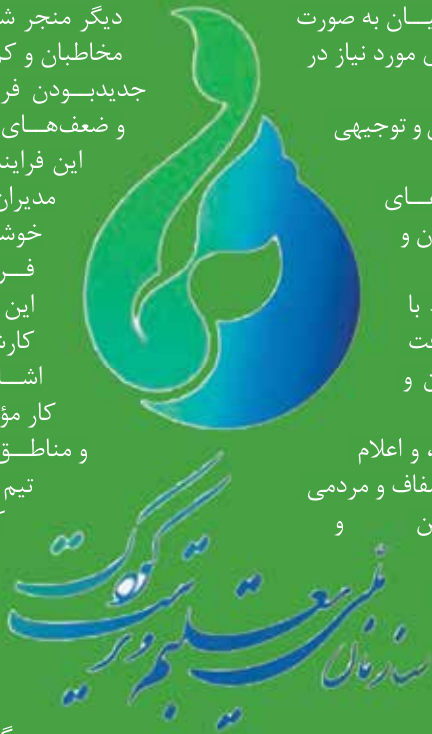
۱۱. بررسی ۲۷ هزار پرونده موجود در سامانه با طراحی و پیاده سازی فرایند راستی آزمایی مجوزها، به منظور اطمینان از نبود خطای انسانی در حیطه فعالیت کارشناسان.

به حول قوه الهی و اهتمام همکاران محترم،

طی کردن فرایند تطبیق مجوز سرعت گرفت و تا هفتم اردیبهشت ماه، قریب به ۲۷۰۰۰ پرونده با اطلاعات کامل و معتبر در سامانه ثبت شدند و در روند بررسی قرار گرفتند. از این تعداد ۱۵ هزار مؤسس از شورای استان تأییدیه گرفتند و موفق به دریافت مجوز شدند. اکنون آمار و اطلاعات مؤسسات کودکان‌های کشور، به تفکیک استان و منطقه، قابل رصد و بررسی است. این دستاورد بزرگ که حاصل کاری جهادی و تلاش تحول آفرین در نظام اداری بوده، اولین گام بزرگ در راه احقاق حق مؤسسات و ارتقای زیست بوم کودکی ایران است.

در کنار سختی‌ها و مشکلات این طرح، از قبیل مقاومت‌های مؤسسات، قطعی اینترنت، کاهش پهنای باند و کندی سرعت اینترنت و مشکلات دیگر منجر شد، و همچنین ضعف مهارتی مخاطبان و کم بودن سواد رسانه‌ای افراد، جدید بودن فرایندهای دولت الکترونیک و ضعف‌های ناشی از آن، جدی نگرفتن این فرایند توسط برخی مسئولان و مدیران، و مسائل پیچیده تطبیق، خوشی‌ها و صحنه‌های زیبا نیز فراوان اتفاق افتادند. از جمله این موارد می‌توان به عملکرد کارشناس جوان و با انگیزه‌ای اشاره کرد که دلسوزانه پیگیر کار مؤسسات روستایی و عشایری و مناطق کم برخوردار بود، تا جایی که تیم پزشکی را در روستا مستقر کرد. یا پزشکی که برای معاینه مؤسسی که در بستر بیماری بود، به منزلش رفت تا مداوایش کند و از تطبیق جانماند. و یا رابطان محترمی که با گوشی و دستگاه شخصی و در ساعت‌های غیر اداری و تعطیلات،

در منزل پیگیر کار افراد بودند. اگر روزی فرصتی به وجود آید، می‌باید پای خاطرات این رابطان محترم که جانانه و دلسوزانه پای کار بودند، نشست و شرح تجربه این حرکت موفق و بزرگ را برای علاقه‌مندان این عرصه نوشت. چرا که این کار الگویی است از یک کار جهادی، سنگین، عظیم و بدون امکانات، بودجه و نیرو که فقط با یک الگوی جهادی و انگیزه درونی متعهدانه پیش رفت. امید است با توفیق الهی و بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های موجود، در فرایند تطبیق مجوز فعالیت و در ادامه، اتصال به درگاه ملی مجوزها، منصور باشیم.





تربیت



پرورش کودکان به شیوه بونسای!

شکوفه همتی

دانشجوی ارشد تحقیقات آموزشی
آموزگار ابتدایی

چکیده

هدف‌ها و ایدئولوژی‌ها نباید مانند زنجیر دست و پای کودک را ببندند. ذهن کودک سرشار از تخیل و گفتارهای درونی است که با برنامه‌های سازمان‌یافته و سازمان‌نیافته در قالب برنامه درسی پنهان شکل می‌پذیرد. این شکل‌پذیری نباید به مثابه قالبی باشد که شکل آب را همانند خود می‌سازد، بلکه باید به کودک برای پرورش فکر، اندیشه و مهارت‌هایش فرصتی دهد.

این مقاله اندیشه‌های والدین و مربیان را تا حدودی تغییر خواهد داد تا کودک را آزاد بگذارند که انتخاب کند و برای انتخاب‌های خود تصمیم بگیرد و آن‌ها را اجرا کند. همچنین، برای کودک محیطی را فراهم کنند که ذهن و مهارت‌های خود را پرورش دهند. انتقال دانش و مهارت از طریق بازی و بحث و گفت‌وگو، همگام با تبادل نظر و بررسی نتایج به کودک می‌آموزد، علاوه بر اینکه به یادگیرنده‌ای مطلوب مبدل شود، در مسیر شهروند مطلوب در بالاترین خاستگاه تحول بنیادین قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

بونسای، پرورش کودکان، مهارت‌های اجتماعی، ارتباط با هم‌سالان، روابط بین فردی، بازی آموزشی، آموزش حل مسئله

پرورش کودکان یکی از اصلی‌ترین وظایف و دغدغه‌های والدین است. در این مطلب نگاه متفاوتی به این موضوع خواهیم داشت. حتماً نام «بونسای» را شنیده‌اید و حتی شاید خودتان هم نمونه‌ای از آن را در خانه یا محل کارتان داشته باشید؛ درختچه‌های کوچک و تزئینی که در گلدان کاشته شده‌اند؛ اجرای یک هنر چند هزارساله ژاپنی روی گیاهان. حالا شاید بپرسید این موضوع چه ربطی به فرزندپروری دارد؟

بونسای چیست؟

بونسای را شاهکاری هنری در علم باغبانی می‌دانند که بنا به سلیقه و ذوق باغبان شکل خواهد گرفت. بونسای حاصل تلفیق هنر با علم باغبانی است. هنرمند خلاق، با حس زیباشناسی و مهارت، با خلق بونسای در گلدانی ظریف، می‌کوشد درختی کهن بر فراز یک کوه یا درختی کهن‌سال و با وقار روییده در دشت را تصویر کند. پس بونسای علاوه بر سرگرمی در زمینه باغبانی، به شناخت انسان از شگفتی‌های طبیعت و نزدیکی او به طبیعت کمک می‌کند. در تعریف این نوع از پرورش گیاهان، چند کلیدواژه اساسی به چشم می‌خورد که بیانگر روش و ویژگی‌های اصلی گیاه بونسای است:

- دست‌کاری گیاه در حین رشد؛
- باقیماندن در خطوط ساده؛
- به نمایش گذاشتن ویژگی‌های یک گیاه طبیعی و کاملاً رشدیافته؛
- یک مشابه برای درختی که در طبیعت رشد کرده است. کار والدینی که به دلایل گوناگون فرزندان‌شان را در چارچوب و قالبی خاص (که از نگاه آن‌ها درست و زیباست)، پرورش می‌دهند، شباهت زیادی به پرورش بونسای دارد. آن‌ها کودکانی را پرورش می‌دهند که به‌ظاهر تحسین‌برانگیزند؛ مانند گیاه بونسای که دیگران از دیدن آن لذت می‌برند. اما این کودکان هم، دقیقاً مانند همان گیاه بونسای، طبیعی رشد نکرده‌اند. بیشتر برای به نمایش گذاشتن هنر دست پرورش‌دهنده‌شان آماده شده‌اند (بسیار هنرمندانه‌تر از نمونه اصلی، اما خود واقعی آن نیستند). به کلیدواژه‌های تعریف گیاه بونسای برگردید و یک‌بار دیگر آن‌ها را با دقت با روش‌های تربیتی پرورش کودکان مقایسه کنید. تشابه قابل تأملی با بسیاری از رفتارهای والدین این دوره و حاصل عملکرد آن‌ها می‌توان پیدا کرد.

رشد طبیعی چگونه است؟

گیاهی که فرصت داشته است در محیطی طبیعی، مثلاً جنگل، رشد کند و کسی نبوده است که به‌طور دائم ریشه‌هایش را ببرد و شاخ و برگ‌هایش را هرس کند، سر به فلک می‌کشد و در طول مسیر رشد و نمو خود، تجربه‌های ارزشمندی کسب می‌کند. او

آن‌قدر ریشه می‌دواند که حتی به آبیاری غیرطبیعی نیازی ندارد. در یک کلام، می‌داند چطور باید به حیات خود ادامه دهد. کودکان هم مانند گیاهان لازم است مسیر طبیعی رشد خود را طی کنند. در هر دوره زندگی مطابق با نیاز آن دوران زندگی کنند، تجربه به دست آورند، گاهی اشتباه کنند، درس بگیرند و به فردی تبدیل شوند که شاید به‌ظاهر و از نظر دیگران تحسین‌برانگیز نیست. آن‌ها تجربه‌های ارزشمندی کسب کرده‌اند و آماده‌اند نقش واقعی خود را در جامعه و زندگی‌شان بازی کنند. آن‌ها زیستن را تجربه می‌کنند و آموزش می‌بینند، ریشه می‌دوانند و مسئله‌های زندگی خود و حتی دیگران را حل می‌کنند.

اما کودکان بونسای، مانند گیاه بونسای، تا پایان عمر به نگهداری، نظارت و رسیدگی نیازمندند. هرگز نمی‌توان این شاهکارهای هنرمندانه را، حتی پس از سال‌ها رسیدگی و مراقبت بی‌وقفه، به حال خود رها کرد. بیایید اجازه دهیم کودکان مسیر طبیعی رشد خود را طی کنند و همواره به خاطر داشته باشیم که فرزندان ما بونسای نیستند.

وقتی کودکان به سن پیش‌دبستانی می‌رسند، افزایش طبیعی در میزان تعامل با همسالان و نیز کاهش متناظری در انجام بازی‌ها با این همسالان به وجود می‌آید. این شرایط از یک سو به معنای نیاز به برقراری رابطه با همسالان است و از سوی دیگر آسیب‌پذیری این کودکان را به علت نداشتن سطح مناسبی از مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های رفتاری و تحول زبانی نشان می‌دهد. در اینجا شکافی پدید می‌آید: از یک سو تمایل و فشار موقعیتی برای تعامل با همسالان وجود دارد و از دیگر سو، ظرفیت شناختی و اجتماعی واقعی برای این تعامل محدود است. شکاف مزبور باید پر شود و در اینجا نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی پررنگ می‌شود.

مهارت‌های اجتماعی که شامل همکاری، جرئت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری و خودمهار کنندگی می‌شوند، به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارهایی تعریف شده‌اند که توانایی شروع و حفظ روابط اجتماعی مثبت، تعامل برای پذیرش همسالان، و رویارویی مؤثر با مشکلات را به افراد می‌دهد. یادگیری مهارت‌های اجتماعی احوالپرسی، قبول چارچوب‌ها، پذیرش دستور و عذرخواهی، کودکان را قادر می‌کند با محیط خویش ارتباط سالم و هماهنگی داشته باشند. مهارت‌های اجتماعی بخش مهمی از اجتماعی‌شدن و تحول کودک محسوب می‌شوند. کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی به اندازه کافی قوی هستند، در مقایسه با کودکان فاقد این مهارت‌ها، در برقراری رابطه با همسالان و یادگیری در محیط‌های آموزشی، عملکرد بهتری دارند. زیرا داشتن مهارت‌های اجتماعی به بهبود روابط بین‌فردی، تحول اجتماعی و استقلال طلبی می‌انجامد.

در دنیای امروز، «حل مسئله» توانسته است علاقه عمومی گسترده‌ای را به‌عنوان یکی از مهارت‌های مهم زندگی به دست آورد. به نظر می‌رسد در آینده، حل مشارکتی مسئله ابزاری برای

که کسی پاسخ درست را بیابد. اولین کسی که به درستی حدس می‌زند، نفر بعدی برای انتخاب یک شیء است.

نکته: به راحتی می‌توانید بازی من جست‌وجو می‌کنم را با کودکان بزرگ‌تر و کوچک‌تر اجرا کنید.

کودک کوچک‌تر می‌تواند سرنخ خود را به روشی که شامل حرف نباشد، ارائه دهد. برای مثال، فرزند شما می‌تواند بگوید: «من با چشم کوچکم چیزی را جست‌وجو می‌کنم که بتوانم بخورم.» یا: «من با چشم کوچکم چیزی را که قرمز است، جست‌وجو می‌کنم.» **کودک بزرگ‌تر** می‌تواند قوانین را تغییر دهد تا بازی جذاب‌تر شود. برای مثال، هر بازیکن می‌تواند قبل از اینکه یک حدس بزند، سه سؤال در مورد شیء یا پاسخ «بله» یا «خیر» بپرسد.

● بازی پلاک خودرو

یک بازی خودرویی است که در همه کشورهای که شماره پلاک خودروها با توجه به استان، شهرستان و منطقه، از حرف و عدد و علامت تشکیل شده است و حرف‌ها و عددها به شیوه‌های متفاوت در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توان آن را انجام داد. شما باید به دنبال یک عدد خاص یا مشخصه یک شماره پلاک باشید، یا به کلمه یا عبارتی فکر کنید که مطابق با حرف‌ها باشد. بیشتر این بازی‌ها انفرادی هستند. با این حال، برخی از آن‌ها را می‌توان در رقابت با دیگران انجام داد. این بازی‌ها را می‌توان در قالب نمایش فروشنده و خریدار انجام داد.

● بازی دارای پایان‌باز

بازی بدون پایان به کودکان اجازه می‌دهد آزادانه و خلاقانه خود را در بازی بیان کنند و به محدودیت‌های از پیش تعیین شده محدود نباشند.

۱. مواد متنوع و دارای کاربردهای متعدد، مانند خاک رس، ماسه مرطوب، رنگ، بلوک‌ها و سایر قطعات متصل‌کردنی، امکان بازی تخیلی را فراهم می‌کنند. در بازی پایان‌باز، هیچ قاعده‌ای برای پیروی، هیچ انتظاری، هیچ مشکل خاصی برای حل، و هیچ فشاری برای تولید محصول نهایی در هنگام درگیر شدن آزادانه در بازی وجود ندارد.

۲. در مقابل بازی‌های دارای پایان مشخص، بازی بازپایان، متناسب با تفاوت‌های فردی کودک، با پاسخ‌های گسترده قابل اجراست. برای نمونه، بازی جورچین یک اسباب‌بازی با پایان مشخص است که نتیجه آن را از ابتدا می‌دانیم. اما در بازی با چینه‌ها و بلوک‌های خانه‌سازی که جزو قطعات متصل‌کردنی هستند، کودک متناسب با خلاقیت و نتیجه مشخص خود ساخته عمل می‌کند. (مسود غیرقابل توصیف مانند جعبه‌های مقوایی و پارچه‌ها، بازی نمایشی را تشویق می‌کنند. کودکان با تخیل بی‌حد و حصر می‌توانند قلعه‌ها، چادرها، خودروها و لباس‌های ساختگی

تعیین اثربخشی مهارت حل فردی مسئله خواهد بود. حل مسئله را می‌توان چگونگی برطرف کردن مشکلات و مدیریت مسائل زندگی در نظر گرفت. به عبارت دیگر، وقتی کودک با موقعیتی روبه‌رو می‌شود که به تصمیم‌گیری نیاز دارد، باید تصمیم بگیرد چگونه و از چه راهی آن موقعیت را با در نظر گرفتن بیشترین سود و کمترین هزینه و در صورت امکان صرف کمترین زمان به پایان برساند. به زبان ساده‌تر، باید تصمیم بگیرد چگونه از موقعیتی به موقعیت دیگر گذر کند.

همچنین، مهارت‌های اجتماعی به ارتباط و تعامل انسان‌ها با یکدیگر اشاره دارد؛ یعنی دو انسان چگونه ارتباط و تعامل مؤثر و سازنده و مثبت با یکدیگر داشته باشند. فرایند آموزش حل مسئله این نکته را به کودکان یاد می‌دهد که چگونه دو کودک در ارتباط خود موجب آزار و کام‌نیافتگی یکدیگر نشوند و حتی زمینه همکاری، مسئولیت‌پذیری و تعامل رضایت‌بخش را فراهم آورند. توجه به این نکات می‌تواند تبیین‌کننده تأثیر آموزش حل مسئله بر افزایش مهارت‌های اجتماعی در کودکان باشد. توجه به چگونگی احساس طرف مقابل و مشاهده دنیا از دید وی، مستلزم آموزش حل مسئله است.

کودک با توجه به مراحل تحول جسمانی، شناختی و اجتماعی خود، درک گسترده‌ای از دنیا و آدم‌ها ندارد. این خود یک مسئله اجتماعی است، ولی با آموزش و ارائه حل مسئله به کودک، می‌توان چگونگی تعامل و ارتباط سازنده و مؤثر با جهان پیرامون را به او آموخت. به عبارت دیگر، کودک یاد می‌گیرد چگونه مشکل شکل‌دهی و برقراری ارتباط خود با جهان اجتماعی را حل کند، زیرا هر لحظه از زندگی، حل مسئله است. ارتباط با تمامی افراد پیرامون، به نوعی حل مسئله با آن‌هاست. تقاضای همکاری با جرئت ابراز وجود و خواستن آنچه او می‌خواهد، نیازمند مهارت است؛ مهارت حل مسئله و مهارت بودن در کنار یکدیگر.

بازی‌های آموزشی

● بازی «من جست‌وجو می‌کنم»

«من جست‌وجو می‌کنم» یک بازی نویتی است. بنابراین به رشد مهارت‌های اجتماعی کودک کمک می‌کند. وقتی کودک منتظر نوبت خود می‌شود، یاد می‌گیرد چگونه بازی کند و با دیگران همکاری داشته باشد. این بازی برای توسعه دامنه واژگان و درک زبان کودک عالی است، زیرا او باید به نام اشیا و حرف‌هایی که با آن‌ها شروع می‌شوند، فکر کند.

برای انجام بازی، بازیکن شروع‌کننده بازی، شیئی را انتخاب می‌کند که همه بتوانند ببینند. او حرف اول شیء را به عنوان سرنخ می‌دهد. برای مثال، اگر بازیکن یک حصار را انتخاب کند، به آن‌ها می‌گوید: «من با چشم کوچکم چیزی را که با ح شروع می‌شود، جست‌وجو می‌کنم.» بازیکنان به نوبت حدس می‌زنند تا زمانی

را از اقلام غیر واقعی روزمره که در دسترس آن‌ها هستند، طراحی کنند.

۳. حفظ تعادل در استفاده از مواد بازی بر کیفیت بازی کودکان می‌افزاید. طبق یافته‌های تحقیقاتی، جاذبه بین مواد بازی غیر واقعی و واقعی به سن کودک بستگی دارد. وسایل واقعی مانند عروسک‌ها یا آشپزخانه‌های بازی، مورد علاقه کودکان دو و سه ساله هستند که بازی‌های نمادین بیشتری را تشویق می‌کنند. کودکان چهار ساله از ترکیبی از وسایل واقعی و غیر واقعی لذت می‌برند. کودکان پنج و شش ساله بیشتر درگیر بازی‌های وانمودی با مواد غیر واقعی می‌شوند. همه کودکان لوازم هنری مناسب سن خود را دوست دارند، مانند کاغذ، مداد رنگی، نشانگر، و رنگ و قیچی که امکان ساعت‌ها بازی خلاقانه را فراهم می‌کنند.

مزایای زیادی برای بازی دارای پایان باز وجود دارد:
○ تخیل کودک را تقویت می‌کند.

○ با دادن توانایی تفکر نمادین و انتزاعی، به تقویت خلاقیت و هوش کودک کمک می‌کند.

○ توانایی‌های اجتماعی و عاطفی کودک، با نقش‌آفرینی او در اینکه در پایان «چه می‌شود»، رشد می‌کند و این فرایند درک او را از دنیای اطراف و پیامدهای اعمال تقویت می‌کند.

○ از طریق بازی ساختگی، به کودک همدلی، همکاری، حل مسئله و مهارت‌های رهبری را یاد می‌دهد.

○ بر مهارت‌های شناختی کودک، مانند حافظه کاری، انعطاف‌پذیری شناختی و خودتنظیمی می‌افزاید (خودتنظیمی توانایی کنترل احساسات و رفتار، مقاومت در برابر تکانه‌ها، اعمال کنترل و نظم و انضباط است).

○ به کودک امکان می‌دهد، هنگام تعامل با مواد و دیگران بتوانند استدلال متفاوت‌تری داشته باشند و ایده‌های متنوع‌تری ارائه دهند.

تجهیزات زمین‌بازی، هر دو عنصر پایان باز و بسته را در طراحی خود ارائه می‌دهند. دیوارهای صخره‌ای و تورهای بازی ممکن است در یک بازی تعقیب و گریز یا نقش خیالی در بازی پایان باز گنجانده شوند.

بچه در زمین بازی دارای طراحی انتزاعی، ممکن است یک روز خانه بسازد و روز دیگر قلعه. با این حال، زمین‌بازی‌ای که به شکل قلعه طراحی شده است، الهام‌بخش استفاده‌های دیگری جز قلعه نیست. پس بازی با پایان بسته را می‌طلبید.

● بازی آینه زمان

«تو برای من در جهان منحصربه‌فرد خواهی بود. من برای تو در جهان منحصربه‌فرد خواهم بود.»

این بازی یک آزمایش جذاب است که می‌توانید آن را در خانه امتحان کنید. از کسی بخواهید روبه‌روی شما بنشیند و کلماتی را بگوید؛ هر کلمه‌ای؛ تنها به این شرط که بین هر کلمه سه ثانیه

فاصله بگذرد تا شما آن‌ها را یادداشت کنید. اگر بعد از هر اسم بگویید «خب» یا «درست»، یا حتی اگر فقط لب‌خند بزنید یا کلمه را با خوشایندی تکرار کنید، خیلی زود تعداد اسم‌ها به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابند. (ممکن است این بازی دقیقاً به این روش کودکان را جذب نکند. زیرا آن‌ها هنوز در حال یادگیری زبان هستند. اما مطمئناً در مورد بزرگسالان انجام می‌شود).

این بازی از چند نظر جذابیت دارد: اول از همه، نمونه‌ای از یادگیری ناخودآگاه یا چیزی است که ما غالباً آن را به عنوان «آموزشی» برچسب‌گذاری می‌کنیم. جالب است که همه ما، هر روز، در گفت‌وگوهای خود، نه تنها ناخودآگاه افراد دیگر را آموزش می‌دهیم، بلکه درازای آن، ناخودآگاه توسط آن‌ها آموزش می‌بینیم. ما این فرایند را «رابطه» می‌نامیم.

البته این فرایند غالباً در روابط بین کودکان و بزرگسالان اتفاق می‌افتد. بچه‌های خردسال که با انگیزه برقراری ارتباط با ما هدایت می‌شوند، به ما اعتماد می‌کنند و ناخودآگاه با هدایت‌های ما همراه می‌شوند. اما ما بزرگسالان غالباً به دنبال دست‌کاری این آموزش‌ها به نفع خودمان هستیم. رفتارها و درس‌هایی داریم که می‌خواهیم آن‌ها بیاموزند، بنابراین نقش بازاریاب و تبلیغ‌کننده را بر عهده می‌گیریم و آگاهانه کودکان را بدون اطلاع یا رضایت آن‌ها آموزش می‌دهیم. با این حال، وقتی کودکان بزرگ‌تر می‌شوند، ترفندهای ما را می‌بینند و طبیعی است که شروع به مقاومت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

مربی باید بداند، هر کودک مانند کتابی است که خود نویسنده آن کتاب است و نقش او همانند ناشری است که با اصول، قوانین و قدرت ممیزی او را هدایت و راهنمایی می‌کند. کودک با توجه به آموزش‌ها و محیط پیرامون خود، تفکر خود را شکل می‌دهد و راهبردهای متفاوتی را برای حل مسائل روز زندگی و اجتماعی خود خلق می‌کند. زمانی هم که در موقعیت‌های چالش‌برانگیز قرار گیرد، خود را با محیط تطبیق می‌دهد.

اما اگر کودک با توجه به ایدئال‌های والدین و مربی تربیت شود و به او آموزش دهند که خطا نکند، از اشتباهات پرهیز کند و از لذت طعم شکست بپرهیزد، قطعاً او کودکی نخواهد کرد، بلکه به عنصر زیبایی تبدیل خواهد شد که در ویرتین اجتماعات به نمایش گذاشته می‌شود. نه آزاد است و نه آزادگی را خلق می‌کند. طراحی محیط‌های بازی و یادگیری بهترین امکان را می‌دهند تا کودک مانند درختان جنگل، با آزادی، تفکر خلاق و نقاد خود، همگام با دوپای کوچک، سرزمین ناشناخته‌ها را کشف کند و ریشه افکار خود را استحکام بخشد.

منابع در دفتر مجله موجود است.



زبان آموزی

چکیده

مدت‌هاست که پژوهشگران و محققان حوزهٔ تعلیم و تربیت کودکان بخشی از توجه خود را به حل مشکلات آموزشی کودکان منطقه‌های دوزبانه معطوف کرده‌اند. این مقاله نیز به صورت مختصر و کوتاه در چند بخش به مسائل کودکان غیرفارسی‌زبان در منطقه‌های دوزبانه در بدو ورود به مدرسه پرداخته است. در بخش اول ضرورت یادگیری زبان فارسی برای تمام کودکان ایران بیان شده و بخش دوم به اختصار مشکلاتی را که ناشی از ناآگاهی یا تسلط کافی نداشتن بر زبان فارسی است، توضیح داده است. در بخش آخر ضرورت وجود دوره‌های پیش‌دبستانی را با هدف یادگیری زبان فارسی در منطقه‌های دوزبانه توضیح خواهد داد. امید است این نوشته تا حدی ابهامات موجود در منطقه‌های دوزبانه را در باب یادگیری زبان فارسی و همچنین ضرورت اجرایی‌شدن دورهٔ پیش‌دبستانی برای کودکان منطقه‌های دوزبانه رفع کند.

مقدمه

ایران از جمله کشورهایی است که از نعمت داشتن قومیت‌ها، گویش‌ها و زبان‌های متفاوت برخوردار است و این موضوع نکته‌ای مثبت و والا برای سرزمین ما تلقی می‌شود؛ سرزمینی که از دیرباز شاهد رنگارنگی قومی، فرهنگی و زبانی است. لیکن به دلیل نظام آموزشی جاری در آن، گاه مشکلاتی در روند آموزش و یادگیری دیده می‌شود. مشکلاتی که به دلیل یکدستی نظام آموزشی، محتوا و زبان آموزشی دیده می‌شوند، به‌راستی با برنامه‌ریزی و اجرای پیشنهادی‌های آموزشی قابل حل است. نوشتهٔ حاضر با توجه به شرایط موجود در منطقه‌های دوزبانه به معرفی و توضیح مشکلات کودکان غیرفارسی‌زبان در ایران پرداخته است.

زبان فارسی، زبان رسمی و زبان آموزشی ایران است

متخصصان برنامه‌ریزی درسی سه نوع نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز، غیرمتمرکز و نیمه‌متمرکز را معرفی می‌کنند. در نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز، معمولاً برنامهٔ درسی را نهاد مرکزی تهیه می‌کند و مراکز، مناطق و مدارس به اجرای وفادارانهٔ آن ملزم هستند. در نظام برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز، تمامی اختیارات به سطوح پایین‌تر واگذار می‌شود و هر یک از واحدها آزادی و اختیار عمل دارند. در نظام برنامه‌ریزی نیمه‌متمرکز، سیاست‌ها و چارچوب‌ها را نهاد مرکزی تدوین می‌کند و بخشی از اختیارات به منطقه‌ها و مدرسه‌ها واگذار و نظارت و کنترل از سوی نهاد مرکزی اعمال می‌شود (عطاران، ۱۳۹۰).

برنامهٔ آموزشی در ایران جزو گروه اول، یعنی برنامهٔ آموزشی متمرکز است. به این صورت که همهٔ قوانین، شرایط، محتوا، وسایل و مواد آموزشی از قبل تصویب و به تمام مدرسه‌های کشور ابلاغ می‌شوند و مدرسه‌ها ملزم به پذیرش و اجرای موارد ذکر شده هستند. در برنامه‌ریزی آموزشی ایران، علاوه بر محتوا و مواد درسی از پیش تعیین‌شده، تسلط بر زبان فارسی یکی از عوامل مهم و اساسی است که ارگان قانون‌گذار تمامی نهادهای آموزشی را ملزم به توجه و اهتمام به آن کرده است.

بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتاب‌های درسی باید به این زبان و خط باشند ...». بنابراین نهادهای آموزشی در تهیهٔ محتوا و برنامهٔ آموزشی باید براساس قانون اساسی کشور همهٔ محتواهای آموزشی را با زبان و خط فارسی تهیه کنند و همچنین در محیط مدرسه‌ها زبان مورد استفاده برای آموزش رسمی در تمامی دوره‌ای تحصیلی باید به زبان فارسی باشد. البته نه

ضرورت یادگیری زبان فارسی در منطقه‌های دوزبانه

مونا بافته

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی

کلیدواژه‌ها:

زبان رسمی، زبان آموزی، منطقه‌های دوزبانه، پیش‌دبستان

اینکه در قانون اساسی زبان‌ها و به تبع آن قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت دیگر در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار دارند. کما اینکه در ادامه قانون ذکر شده بیان شده است: «استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدرسه‌ها، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

در واقع انتخاب زبان و خط فارسی، به‌عنوان زبان رسمی آموزشی، با هدف ایجاد و ارتقای هم‌بستگی ملی و ایجاد دانش یکدست و هماهنگ بین تمامی مدرسه‌ها در سراسر ایران است که در نهایت، در صورت تسلط تمامی اقوام بر آن پیش از ورود به مدرسه، عدالت آموزشی و یکدستی علمی بین تمامی قشرها و قوم‌ها رخ خواهد داد.

البته انتخاب یک زبان از میان زبان‌های رایج در یک کشور در تمامی کشورها امری بدیهی و کاملاً طبیعی است. کشورها برای ایجاد نظم و یکپارچگی در تمامی موارد یکی از زبان‌های خود را به عنوان زبان رسمی اداری و آموزشی انتخاب می‌کنند و همه افراد جامعه برای برقراری ارتباط و استفاده از امکانات عمومی در سطح کشور، ملزم به یادگیری آن زبان هستند.

بنابراین لزوم یادگیری زبان فارسی برای کودکان منطقه‌های دوزبانه امری بدیهی و صددرصد ضروری است. در صورت نپذیرفتن این واقعیت کودکان منطقه‌های دوزبانه با مشکلات عدیده‌ای که برای تمام صاحب‌نظران و متصدیان تعلیم و تربیت آشناست، روبه‌رو خواهند شد. در ادامه به صورت گذرا برخی از مشکلاتی را که کودکان با آن‌ها درگیر هستند، توضیح خواهیم داد.

مشکلات کودکان غیرفارسی‌زبان در منطقه‌های دوزبانه هنگام ورود به پایه اول

با بررسی نوشته‌های موجود در وبگاه‌ها و پژوهش‌هایی صورت پذیرفته درباره کودکان منطقه‌های دوزبانه به‌راحتی می‌توانیم فهرستی از مشکلات و سختی‌هایی که این کودکان در بدو ورود به نظام آموزشی با آن‌ها مواجه می‌شوند، تهیه کنیم. اولین و بدیهی‌ترین مشکلی که می‌توان ذکر کرد، دشواری در یادگیری هم‌زمان زبان فارسی در کنار محتوای آموزشی است. کودک فارسی‌زبان وقتی وارد پایه اول می‌شود، تنها دغدغه‌اش سوادآموزی است. چرا که از پیش به ابزار آموزشی مورد نیاز، یعنی زبان فارسی، مجهز شده است. اما کودکی که تا پیش از ورود به مدرسه با زبانی غیر از زبان فارسی تکلم داشته، هنگام ورود به مدرسه با دو مجهول روبه‌روست: اول زبان فارسی، دوم سوادآموزی، و مدیریت هر دو مورد به صورت هم‌زمان برای کودکی شش ساله بسیار دشوار و طاقت‌فرساست.

دومین دشواری می‌تواند این باشد که معلمان نتوانند در مدیریت زمانی ارائه محتوا موفق شوند و کودکان نیز از عهده یادگیری محتوا برنایند. از آنجا که کتاب‌ها و محتواهای موجود در آن‌ها براساس جدول زمانی خاص و محدودی برنامه‌ریزی شده و برای هر برهه زمانی، میزان مشخصی از آموزش در نظر گرفته شده است، گنجاندن یک مجهول دیگر، آن هم مجهولی با چنین درجه سختی در این جدول زمانی، در کنار محتواهای از پیش تعیین شده مسئله‌ای بسیار سخت و گاه خارج از مدیریت معلمان و دانش‌آموزان خواهد بود. بنابراین بسیار محتمل است که در پایان دوره یک‌ساله تحصیلی، معلمان و دانش‌آموزان قادر به اتمام کامل کتاب‌های درسی و همچنین تکمیل روند آموزش نشوند.

همان‌طور که گفتیم، کودکان منطقه‌های دوزبانه، به دلیل مجهز نبودن به مهم‌ترین بستر (کانال) آموزش، یعنی زبان فارسی، به احتمال بسیار زیاد در طول دوره تحصیلی در امر درک و فهم کتاب‌های درسی (علوم، ریاضی، فارسی و ...) دچار مشکل خواهند بود. از آنجا که درک محتوا پیش‌زمینه تولید آن است، ناتوانی مزبور قطعاً در زمینه خواندن و نوشتن این کتاب‌ها نیز دیده خواهد شد. در نهایت به دلیل کمبودهای موجود، امکان پیشرفت مطلوب آموزشی بعید به نظر می‌رسد. بنابراین می‌توان گفت سومین مشکلی که تمام کودکان منطقه‌های دوزبانه با آن روبه‌رو خواهند شد، پیشرفت نکردن در زمینه خواندن و نوشتن محتوای کتاب‌های درسی‌شان خواهد بود.

در نهایت بارها دیده شده است که دانش‌آموزان به سبب پیشرفت‌نداشتن در زبان آموزی و سوادآموزی، کم‌کم اعتمادبه‌نفس خود را در یادگیری از دست می‌دهند. شکست‌های پی‌درپی باعث می‌شوند فرد دیگر در خود احساس توانایی برای یادگیری نبیند. این حس کمبود علاقه‌مندی او را نسبت به یادگیری کاهش

می‌دهد. حاصل این شرایط افت تحصیلی کودکان در سنین پایین و در نتیجه و به احتمال زیاد، ترک تحصیل آن‌ها در دوره‌های تحصیلی و پایه‌های بالاتر خواهد بود؛ ترک تحصیلی که ناشی از ناتوانی آن‌ها در درک زبانی است؛ نه مشکل شناختی یا هوشی.

راه رفع مشکلات کودکان منطقه‌های دوزبانه

همان‌طور که گفتیم، وظیفه کودک فارسی زبان پایه اول فقط علم‌آموزی و یادگیری و فهم مطالب آموزشی است. در حالی که کودکان منطقه‌های دوزبانه که زبان مادری آن‌ها زبانی غیر از زبان فارسی است و تا پیش از ورود به مدرسه هیچ‌گونه آشنایی با زبان فارسی ندارند یا آشنایی اندکی دارند، هنگام ورود به پایه اول، هم‌زمان مجبور به فراگیری زبان رسمی در کنار یادگیری محتوای کتاب‌های درسی هستند. درواقع، کودک غیرفارسی‌زبان هم‌زمان با دو مجهول روبه‌روست. رویارویی با هر دو مجهول به طور هم‌زمان برای یک کودک ۶-۷ ساله کاری بس دشوار و گاه بالاتر از حد توانایی و تحمل او خواهد بود.

به فرض اینکه متصدیان آموزش (معلمان و مدیران) نهایت سعی خود را برای آسان‌سازی فرایند آموزش هر دو مجهول به خرج دهند، اما در اکثر موارد این کودکان با مشکلاتی همچون عدم فهم و درک کامل و درست مطالب، مشکل در خواندن و نوشتن، مشکل در مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، و موارد بی‌شمار دیگر روبه‌رو خواهند شد.

به منظور حل این مشکل، دوره دو ساله پیش‌دبستانی در منطقه‌های دوزبانه برگزار می‌شوند تا در طول این دو سال کودکان این منطقه‌ها، هم با ابزار اصلی سوادآموزی، یعنی زبان فارسی، آشنا شوند و هم کم‌کم با محیط و گروه‌های آموزشی ارتباط برقرار کنند.

وجود و اجرای دوره دو ساله پیش‌دبستانی باعث ایجاد تغییرات و دستاوردهای بنیادی و کارآمدی در طولانی‌مدت در سطح خانواده و جامعه خواهد شد. کودکی که پیش از ورود به مدرسه، کار با ابزار آموزش، یعنی همان زبان فارسی را به‌درستی آموخته باشد، هنگام ورود به مدرسه تفاوت چندانی با کودکان فارسی‌زبان نخواهد داشت. او به‌آسانی قادر خواهد بود به سوادآموزی و ارتقای مهارت‌های ارتباطی خود بپردازد. در نتیجه در طول دوره تحصیلش، با توجه به میزان هوش و تلاش و فارغ از کمبودهای زبانی پیشرفت می‌کند و وارد دوره‌های تحصیلی بالاتر می‌شود. این امر از ایجاد سرخوردگی‌ها و از بین رفتن اعتمادبه‌نفس افراد دوزبانه می‌کاهد و آن‌ها کم‌کم هم‌پای دیگران مرحله‌های رشد و ترقی را طی می‌کنند. افت‌های تحصیلی و ترک تحصیل‌های ناشی از تسلط‌نداشتن به زبان فارسی، به کمترین میزان خود کاهش می‌یابد، چرا که دانش‌آموزان این منطقه‌ها دیگر، به دلیل ندانستن زبان رسمی، به حاشیه رانده نمی‌شوند. بلکه به صورت پویا و پرتلاش، هم‌پای دیگران، به سوادآموزی می‌پردازند. در طولانی مدت این امر باعث بالا رفتن سطح سواد و فرهنگ خانواده‌ها می‌شود. همچنین به دلیل باسوادبودن اعضای جوان خانواده، کم‌کم وضعیت اشتغال و سطح رفاه خانواده بهبود می‌یابد.

در سطح گسترده‌تر و اجتماعی، به‌مرور میزان کم‌سوادی یا بی‌سوادی در کشور کاهش خواهد یافت و تعداد افراد متخصص در حوزه‌های گوناگون فزونی می‌یابد. همچنین میزان مطالعه در سطح کشور بالا خواهد رفت و شاهد تغییرات فرهنگی بسیار طی سال‌های آینده خواهیم بود.

نتیجه‌گیری

توضیحات ارائه‌شده به‌روشنی اهمیت دوره زبان‌آموزی پیش از ورود به مدرسه را نشان می‌دهند. درست و ضروری است که خانواده‌ها و همچنین مسئولان ذی‌ربط در منطقه‌های دوزبانه نهایت سعی و تلاش خود را برای تشکیل و اجرای دوره‌های پیش‌دبستانی به منظور آموزش زبان فارسی در منطقه‌های دوزبانه ارائه دهند تا کم‌کم مشکلات ناشی از ندانستن زبان رسمی در این منطقه‌ها کاهش یابد و در آینده شاهد پیشرفت تحصیلی کودکانمان در سراسر ایران باشیم.

منابع

۱. عطاران، مهدی (۱۳۹۰). برنامه درسی متمرکز یا برنامه درسی غیرمتمرکز. دانشگاه تربیت معلم، تهران.





فرزندان شهدا! به
پدران خود افتخار
کنید، این ها کسانی
بودند که مسیر تاریخ
را عوض کردند و دین
خدا را به پا داشتند.
حضرت آیت الله خامنه ای
(مدظله العالی)
۳۷ اردیبهشت ۱۳۸۶

